

May-Day

بولتن کارگری شماره ۲

پیش بسوی برگزاری هر چه با شکوهتر گرامیداشت روز جهانی کارگر
برقرار باد حکومت سوسیالیستی کارگران و سایر زحمتکشان
زنده باد آزادیهای سوسیالیستی

تهیه و تنظیم از مسعود فروش راد



کار بیگانه شده

دست‌نوشته‌های فلسفی اقتصادی و فلسفی 1844 / کارل مارکس / فریدریش انگلس
فریدریش انگلس
کار بیگانه شده

ما از پیش‌فرض‌های اقتصاد سیاسی آغاز کردیم و زبان و قوانین آن را پذیرفتیم. مالکیت خصوصی، تفکیک کار، سرمایه و زمین، تفکیک " دستمزد، سود سرمایه و اجاره بهای زمین و نیز تقسیم کار، رقابت و مفهوم ارزش مبادله و غیره را پیش فرض و پایه‌ی استدلال خود قرار دادیم. براساس اصول اقتصاد سیاسی و با واژگان آن نشان دادیم که کارگر تا حد یک کالا و در حقیقت پست‌ترین نوع کالا، تنزل می‌یابد؛ نشان دادیم که فلاکت و سیاه‌روزی کارگر با قدرت و عظمت کالاهایی که تولید می‌کند نسبت معکوسی دارد؛ نشان دادیم که نتیجه‌ی ضروری و ناگزیر رقابت، انباشته شدن سرمایه در دست عده‌ای معدود و از این‌رو پیدایش انحصار به وحشتناک‌ترین شکل ممکن است؛ و دست آخر نشان دادیم که تمایز سرمایه‌داران و موجران زمین مانند تمایز کارگران کشاورزی و کارگران صنعتی ناپدید می‌شود و کل جامعه به دو "طبقه‌ی صاحبان مالکیت و کارگران غیرمالک تقسیم می‌گردد

اقتصاد سیاسی کار خود را از واقعیت مسلم مالکیت خصوصی آغاز می‌کند، اما آن را توضیح نمی‌دهد. اقتصاد سیاسی روند مادی را " که مالکیت خصوصی در عمل طی می‌کند، با فرمول‌هایی کلی و انتزاعی که بعداً " به شکل قانون ارائه می‌شوند، بیان می‌کند. اقتصاد سیاسی این قوانین را به ما نمی‌فهماند یعنی نشان نمی‌دهد که چگونه این قوانین از ذات مالکیت خصوصی پدید آمده‌اند. اقتصاد سیاسی هیچ توضیحی درباره‌ی منشأ تقسیم‌بندی کار و سرمایه و سرمایه و زمین نمی‌دهد. مثلاً " هنگامی که رابطه‌ی دستمزد را با سود تعریف می‌کند، نفع سرمایه‌دار را علت غایی می‌داند یعنی آنچه را که قرار است توضیح دهد، مسلم فرض می‌کند. به همین شیوه رقابت در استدلال‌های آن به فراوانی به کار می‌رود و براساس شرایط خارجی توضیح داده می‌شود. اقتصاد سیاسی در این مورد که این شرایط خارجی و ظاهراً عارضی تا چه حد نمودار مسیر ضروری تکامل می‌باشند، چیزی به ما نمی‌گوید. دیدیم که چگونه مبادله از نظر اقتصاد سیاسی به عنوان یک واقعیت عارضی پدیدار می‌گردد. تنها نیروی محرکه‌ای که اقتصاد سیاسی بر آن استوار است، حرص و طمع و جنگ میان طماعان یعنی " رقابت است

دقیقاً " به این دلیل که اقتصاد سیاسی نحوه‌ی پیوند این حرکت را درک نمی‌کند می‌تواند مثلاً " آیین رقابت را با آیین انحصار، آزادی " پیشه‌وران را با آیین اصناف، آیین تقسیم مالکیت ارضی را با آیین املاک بزرگ در تقابل قرار دهد زیرا رقابت، آزادی پیشه‌وران و تقسیم مالکیت ارضی را پیامدهای ضروری، اجتناب‌ناپذیر و طبیعی انحصار، نظام صنفی و مالکیت فنودالی نمی‌داند بلکه آن‌ها را به مثابه پیامدهای " عرضی، از پیش اندیشیده و حاد توضیح می‌دهد

بنابراین اینک باید پیوند ضروری میان مالکیت خصوصی، حرص و طمع و تفکیک کار، سرمایه و مالکیت ارضی، مبادله و رقابت، ارزش قائل شدن و خوار کردن آدمی، انحصار و رقابت و غیره و به عبارتی پیوند میان کل این نظام از خود بیگانه‌سازی و نظام پولی را بررسی " نماییم

قصه نداریم بحث را مانند سبک متداول اقتصاددانان سیاسی، با بررسی وضعیت بدوی خیالی شروع کنیم. چنین وضعیت بدوی چیزی را " توضیح نمی‌دهد و تنها مسئله را به نقطه‌ای دور دست و نامعلوم منتقل می‌کند. این وضعیت، آنچه را که قرار است اقتصاددان استنتاج کند یعنی رابطه‌ی ضروری میان دو چیز، مثلاً " میان تقسیم کار و مبادله را واقعیتی مسلم و رخداد به حساب می‌آورد. یزدان‌شناسی هم به همین شیوه ریشه‌ی شر را در هبوط آدمی توضیح می‌دهد یعنی آنچه باید توضیح داده شود، در شکلی تاریخی به عنوان یک واقعیت مسلم نمودار " می‌گردد

هرچه کارگر ثروت بیشتری تولید می‌کند و محصولاتش از لحاظ قدرت و مقدار بیشتر می‌شود، فقیرتر می‌گردد. هرچه کارگر کالای بیشتری می‌آفریند، خود به کالای ارزان‌تری تبدیل می‌شود. افزایش ارزش جهان اشیاء نسبتی مستقیم با کاستن از ارزش جهان انسان‌ها دارد. کارگر فقط کالا تولید نمی‌کند بلکه خود و کارگر را نیز به عنوان کالا تولید می‌کند و این معناست که شینی ابژه که کار تولید می‌کند یعنی محصول کار، در مقابل کار به عنوان چیزی بیگانه و "واقعیت فوق صرفاً" به این معناست که شینی ابژه که کار تولید می‌کند یعنی محصول کار، در مقابل کار به عنوان چیزی بیگانه و "قدرتی مستقل از تولید کننده قد علم می‌کند. محصول کار، کاری است که در شینی تجسم یافته، یعنی به ماده‌ای تبدیل شده است. این محصول عینیت یافتن کار است. واقعیت یافتگی کار، عینیت یافتن آن است. واقعیت یافتگی کار در قلمرو اقتصاد سیاسی برای کارگران به صورت از دست دادن واقعیت، عینیت یافتن به شکل از دست دادن شیء و بندگی در برابر آن، تصاحب محصول به شکل جدایی یا بیگانگی با محصول می‌گردد.

واقعیت یافتگی کار به عنوان از دست دادن واقعیت تا آن حد است که کارگر واقعیت خویش را تا مرز هلاک شدن از فرط گرسنگی از دست می‌دهد. عینیت یافتن به عنوان از دست دادن شیء تا آن حد است که از کارگر اشیایی ربوده می‌شود که نه تنها برای زندگی بلکه برای کارش ضروری است. در حقیقت خود کار به شیء تبدیل می‌شود که کارگر تنها با تلاشی خارق‌العاده و با وقفه‌های بسیار نامنظم می‌تواند آن را به دست آورد. تصاحب شیء به شکل بیگانگی با آن تا آن حد است که کارگر هرچه بیشتر اشیاء تولید می‌کند، کمتر صاحب آن می‌شود و بیشتر نفوذ محصول خود یعنی سرمایه قرار می‌گیرد.

تمام این پیامدها از این واقعیت ریشه می‌گیرد که رابطه‌ی کارگر با محصول کار خویش، رابطه با شیء بیگانه است. براساس این پیش فرض، بدیهی است که هرچه کارگر از خود بیشتر در کار مایه گذارد، جهان بیگانه‌ی اشیایی که می‌آفریند بر خودش و ضد خودش قدرتمندتر می‌گردد، و زندگی درونیش تهی‌تر می‌گردد و اشیایی کم‌تری از آن او می‌شوند. همین جریان نیز در مذهب اتفاق می‌افتد. هرچه آدمی خود را بیشتر وقف خدا می‌کند، کمتر به خود می‌پردازد. کارگر زندگی خود را وقف تولید شیء می‌کند اما زندگی دیگر نه به او که به آن شیء تعلق دارد. از این رو هرچه این فعالیت گسترده‌تر شود، کارگران اشیایی کم‌تری را تصاحب می‌کنند. محصول کار او هرچه باشد، او دیگر خود نیست و در نتیجه هرچه این محصول بیشتر باشد، او کمتر خود خواهد بود. بیگانگی کارگر از محصولاتی که می‌آفریند، نه تنها به معنای آن است که کارش تبدیل به یک شیء و یک هستی خارجی شده است بلکه به این مفهوم نیز هست که کارش خارج از او، مستقل از او و به عنوان چیزی بیگانه با او موجودیت دارد و قدرتی است که در برابر او قرار می‌گیرد. اشیاء با حیاتی که کارگر به آن‌ها می‌دهد، چون چیزی بیگانه در برابر او قرار می‌گیرند.

اکنون به مفهوم عینیت‌یافتگی، به محصولی که کارگر تولید می‌کند و در آن به بیگانگی و از دست دادن شیء یعنی محصولش، دقیق‌تر می‌نگریم.

کارگر نمی‌تواند چیزی را بدون طبیعت، بدون جهان محسوس خارجی بیافریند. این ماده است که کار بر آن واقعیت و فعلیت می‌یابد و از آن و به وسیله‌ی آن اشیاء را تولید می‌کند.

طبیعت همان‌طور که ابزار حیات را برای کار فراهم می‌آورد به این معنا که کار بدون اشیایی که روی آن عمل می‌کند، نمی‌تواند حیات داشته باشد، به مفهومی محدودتر ابزار حیات را نیز فراهم می‌آورد یعنی ابزاری که برای تأمین معاش مادی خود کارگر لازم است بنابراین هرچه کارگر جهان خارجی و در نتیجه طبیعت محسوس را با کار خویش به تملک خود در می‌آورد، خود را به گونه‌ای مضاعف از ابزار حیات محروم می‌سازد: "اولاً" به این دلیل که جهان محسوس خارجی دیگر شیء متعلق به کار او یا به عبارتی ابزار حیات کارش نخواهد بود. ثانیاً" این جهان محسوس خارجی دیگر ابزار حیات به مفهوم بلاواسطه‌اش یعنی ابزاری برای تأمین معاش کارگر نیز نخواهد بود.

بنابراین در هر دو جنبه، کارگر برده‌ی شیء می‌گردد؛ نخست از آن جهت که عین ابژه کار را دریافت می‌کند یعنی از این جهت که کار او شغلی پیدا می‌کند و دوم از آن جهت که وسیله‌ی امرار معاش خود را دریافت می‌کند. بنابراین قادر می‌شود که "اولاً" به عنوان کارگر و ثانیاً" به عنوان وجودی جسمانی وجود داشته باشد. اوج این بردگی هنگامی است که تنها در مقام کارگر می‌تواند وجود جسمانی‌اش را حفظ نماید و تنها به عنوان وجودی جسمانی، کارگر محسوب می‌شود.

بیگانگی کارگر از محصول خود در قوانین اقتصاد سیاسی به این شکل بیان می‌گردد: هرچه کارگر بیشتر تولید می‌کند، باید کمتر (مصرف کند؛ هر قدر ارزش بیشتری تولید می‌کند، خود بی‌بهرتر و بی‌ارزش‌تر می‌گردد؛ هرچه محصولاتش بهتر پرورانه شده باشد، خود کژدیس‌تر می‌گردد؛ هرچه محصولش متمدن‌تر، خود وحشی‌تر؛ هرچه کار قدرتمندتر، خود ناتوان‌تر؛ هرچه کار هوشمندانه‌تر، خود کودن‌تر (و بیشتر برده‌ی طبیعت

اقتصاد سیاسی با نادیده گرفتن رابطه‌ی مستقیم میان کارگر (کار) و محصولاتش، بیگانگی ذاتی در سرشت کار را پنهان می‌کند. درست است که کار برای ثروتمندان اشیایی شگفت‌انگیز تولید می‌کند اما برای کارگر فقر و تنگدستی می‌آفریند. کار به وجود آورنده‌ی قصرهاست اما برای کارگر آلونکی می‌سازد. کار زیبایی می‌آفریند اما برای کارگر زشتی‌آفرین است. ماشین را جایگزین کار دستی می‌کند اما بخشی از کارگران را به کار وحشیانه‌ای سوق می‌دهد و بقیه‌ی کارگران را به ماشین تبدیل می‌کند. کار تولید کننده‌ی شعور است اما برای کارگران خرفتی و بی‌شعوری به بار می‌آورد.

رابطه‌ی مستقیم کار با محصولاتش، رابطه‌ی کارگر با مصنوعات حاصل از تولید خود می‌باشد. رابطه‌ای که مالک با مصنوعات تولید و خود تولید برقرار می‌کند فقط پیامد این رابطه‌ی نخست است و آن را تأیید می‌کند. ما بعداً" این جنبه‌ی دوم را بررسی خواهیم کرد.

هنگامی که می‌پرسیم رابطه‌ی اساسی کار چیست، در واقع رابطه‌ی کارگر را با تولید مد نظر داریم تاکنون جدا افتادگی و بیگانگی کارگر را از یک جنبه یعنی از لحاظ رابطه‌ی کارگر با محصولات کارش بررسی کرده‌ایم اما بیگانگی نه تنها در نتیجه‌ی تولید که در خود عمل تولید و در چارچوب فعالیت تولیدی نیز اتفاق می‌افتد. اگر کارگر در خود عمل تولید خویش را از خود بیگانه نکرده باشد، چه‌طور می‌تواند نسبت به محصول فعالیتش بیگانه باشد؟ محصول تولید، برآیند و عصاره‌ی فعالیت و تولید است پس اگر کارگر با محصول کار بیگانه باشد، خود تولید قاعدتاً" می‌باید بیگانگی فعال، بیگانگی فعالیت و یا به عبارتی فعالیت بیگانه‌سازی باشد. بیگانگی محصول کار از کار، صرفاً" در جدا افتادگی و بیگانگی خود فعالیت کار خلاصه می‌شود.

بنابراین چه چیزی باعث بیگانگی کار می‌شود؟
"اولاً" به دلیل این واقعیت که کار نسبت به کارگر، عنصری خارجی است یعنی به وجود ذاتی کارگر تعلق ندارد؛ در نتیجه، در حین کارکردن، نه تنها خود را به اثبات نمی‌رساند بلکه خود را نفی می‌کند، به جای خرسندی، احساس رنج می‌کند، نه تنها انرژی جسمانی و ذهنی خود را آزادانه رشد نمی‌دهد بلکه در عوض جسم خود را فرسوده و ذهن خود را زائل می‌کند. بنابراین کارگر فقط زمانی که خارج از محیط کار است، خویش را در می‌یابد و زمانی که در محیط کار است، خارج از خویش می‌باشد. هنگامی آسایش دارد که کار نمی‌کند و هنگامی که کار می‌کند احساس آسایش ندارد. در نتیجه کارش از سر اختیار نیست و به او تحمیل شده است؛ این کار، کاری اجباری است.

بنابراین نیازی را برآورده نمی‌سازد بلکه ابزاری صرف برای برآورده ساختن نیازهایی است که نسبت به آن خارجی هستند. خصلت بیگانه‌ای آن به وضوح در این واقعیت دیده می‌شود که به محض آن‌که الزامی فیزیکی یا الزام دیگری در کار نباشد، از کار کردن چون طاعون پرهیز می‌شود. کار خارجی، کاری که در آن آدمی خود را بیگانه می‌سازد، کاری است که با آن خود را قربانی می‌کند و به تنهایی می‌کشد. نهایتاً خصلت خارجی کار برای کارگر از این واقعیت پیداست که این کار از آن نیست و به کسی دیگر تعلق دارد و کارگر نه به خود که به کار تعلق دارد. درست مانند مذهب که فعالیت خودجوش تخیل آدمی یعنی فعالیت مغز و قلب آدمی، مستقل از فرد عمل می‌کند یعنی چون فعالیت موجودی بیگانه، چه الهی چه شیطانی، بر او اثر می‌گذارد، فعالیت کارگر نیز فعالیت خودجوش نیست و به دیگری تعلق دارد. این فعالیت بیاتر از دست دادن خویشتن خویش است.

بنابراین آدمی (کارگر) تنها در کارکردهای حیوانی خود یعنی خوردن، نوشیدن و تولید مثل و حداکثر در محل سکونت و طرز پوشاک خود و غیره، آزادانه عمل می‌کند و در کارکردهای انسانی خود چیزی جز حیوان نیست. آن‌چه که حیوانی است، انسانی می‌شود و آن‌چه که انسانی است، حیوانی می‌شود.

البته خوردن، نوشیدن، تولید مثل و غیره کارکردهای حقیقتاً انسانی هستند اما هنگامی که از سایر فعالیت‌های انسانی منتزع و به غایتی صرف بدل گردند، کارکردهای حیوانی می‌باشند.

ما تا کنون عمل بیگانه‌سازی فعالیت انسانی یعنی کار را در دو جنبه از آن مورد بررسی قرار داده‌ایم. (1) رابطه‌ی کارگر با محصول کار به عنوان شینی بیگانه که قدرتت را بر او اعمال می‌کند. این رابطه در عین حال رابطه با جهان محسوس خارجی یعنی با اشیای طبیعت نیز هست که به شکل جهانی بیگانه رویاروی او قد علم می‌کند. (2) رابطه‌ی کار با عمل تولید در چارچوب فرایند کار. این رابطه، رابطه‌ی کارگر است با فعالیت خویش به صورت فعالیت بیگانه که به او تعلق ندارد. این فعالیت، فعالیت است مشقت‌بار، قدرتی تضعیف کننده، آفرینشی عقیم کننده که انرژی جسمانی و ذهنی کارگر را در حقیقت زندگی شخصی‌اش را مگر زندگی چیزی جز فعالیت است؟ - به فعالیت بیگانه ضداً، مستقل از او و بدون تعلق به او تبدیل می‌کند. ما در این‌جا شاهد از خودبیگانگی هستیم که قبلاً به شکل بیگانگی از اشیای مشاهده کرده بودیم.

جنبه‌ی سومی از کار بیگانه شده وجود دارد که از دو جنبه‌ی که قبلاً بررسی کردید، استنتاج می‌شود. آدمی موجودی نوعی است نه تنها به این خاطر که در تنوری و عمل، انواع (نوع خود و سایر انواع) را به عنوان عین ابژه خویش اختیار می‌کند بلکه - و این بیان دیگری از همین موضوع است - با خود چون نوعی از موجودات که واقعی و زنده است یعنی در مقام موجودی جهان شمول و بنابراین آزاد، برخورد می‌کند.

زندگی نوعی، چه زندگی آدمی و چه زندگی حیوانات، از لحاظ مادی از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که آدمی (مانند حیوانات) از قبل طبیعتی غیرانداموار زندگی می‌کند و چون آدمی در قیاس با حیوانات جهان شمول‌تر است، قلمرو طبیعت غیراندامواری که از قبل آن زندگی می‌کند، جهان شمول‌تر می‌شود. همان‌طور که گیاهان، حیوانات، سنگ، هوا، و غیره از لحاظ نظری بعضاً به عنوان موضوعات علوم طبیعی و بعضاً به عنوان موضوعات هنری بخشی از آگاهی آدمی را می‌سازند و طبیعت معنوی غیرانداموار و خوراک فکری او هستند که ابتدا می‌باید برای خوشایند و هضم او آماده گردند، در حیطه‌ی عمل نیز بخشی از زندگی و فعالیت آدمی را می‌سازند. آدمی از لحاظ فیزیکی از قبل محصولات طبیعت زندگی می‌کند گرچه به شکل غذا، گرما، پوشاک، مسکن و غیره درآمده باشند. جهان شمولی آدمی در عمل دقیقاً به صورت آن جهان شمولی نمایان می‌گردد که تمام طبیعت را کالبد غیرانداموار او می‌کند زیرا طبیعت هم (1) وسیله‌ی مستقیم زندگی اوست و هم (2) ماده، شیء و ابزار فعالیت زندگی اوست. طبیعت کالبد غیرانداموار آدمی است و این تا جایی است که خود طبیعت کالبد آدمی نیست. این که می‌گوییم آدمی از قبل طبیعت زندگی می‌کند، به این مفهوم است که طبیعت پیکر اوست و اگر می‌خواهد نمیرد باید پیوسته با این تبادل داشته باشد. گره خوردن زندگی مادی و معنوی آدمی با طبیعت صرفاً به این مفهوم است که طبیعت با خود پیوند دارد زیرا آدمی خود بخشی از طبیعت است.

کار بیگانه شده، با بیگانه ساختن آدمی (1) از طبیعت و (2) از خود یعنی از کارکردهای عملی و فعالیت حیاتی‌اش، نوع انسان را از آدمی بیگانه می‌سازد. کار بیگانه شده زندگی نوعی را به وسیله‌ی جهت زندگی فردی تغییر می‌دهد. در وهله‌ی نخست زندگی نوعی و زندگی فردی را بیگانه می‌سازد و سپس زندگی فردی را در شکل انتزاعی خود به هدف زندگی نوعی، آن هم به همان شکل انتزاعی و بیگانه، تبدیل می‌سازد.

در حقیقت کار، یعنی فعالیت حیاتی و زندگی تولیدی، در وهله‌ی نخست در حکم وسیله‌ی برای ارضای نیازی یعنی نیاز به بقای وجود فیزیکی انسان پدیدار می‌شود. با این حال زندگی تولیدی، زندگی نوعی است. این زندگی حیات‌آفرین است. خصلت کلی انواع، خصلت نوعی آن در سرشت فعالیت حیاتی آن نمایان است و فعالیت آزاد و آگاهانه، خصلت نوع انسان است. زندگی تنها به عنوان وسیله‌ی برای زندگی کردن تجلی می‌کند.

حیوانات با فعالیت حیاتی خود بلاواسطه در هم آمیخته است و خود را از این فعالیت جدا نمی‌سازد. این فعالیت، فعالیت حیاتی او محسوب می‌شود. اما آدمی فعالیت حیاتی خود را تابع اراده و آگاهی خویش می‌کند و فعالیت حیاتی آگاهانه‌ای دارد. این فعالیت حیاتی، قصد و هدفی نیست که آدمی مستقیماً خود را با آن یکی کرده باشد. فعالیت حیاتی آگاهانه، آدمی را بلاواسطه از فعالیت حیاتی حیوان متمایز می‌سازد. همین است که آدمی موجودی نوعی است یا به سخن دیگر، به این خاطر که آدمی موجودی نوعی است، موجودی است آگاه یعنی این که زندگی خود او برایش در حکم عین یا ابژه است. به همین دلیل، فعالیت او فعالیت آزاد است. کار بیگانه شده این رابطه را معکوس می‌کند یعنی این که چون آدمی موجودی است آگاه، فعالیت حیاتی خویش، وجود ذاتی‌اش را به ابزاری صرف در خدمت هستی‌اش تبدیل می‌کند.

آدمی با خلق جهان اشیای از طریق فعالیت عملی خویش و در کاری که بر طبیعت غیرانداموار می‌کند، خود را به عنوان موجود نوعی آگاه به اثبات می‌رساند یعنی موجودی که با نوع خویش به عنوان وجودی ذاتی و یا با خود به عنوان موجودی نوعی برخورد می‌کند. مسلماً حیوانات نیز تولید می‌کنند. مثلاً زنبور عسل، سگ آبی، مورچه‌ها و غیره برای خود لانه و آشیانه می‌سازند اما حیوان چیزی را تولید نمی‌کند که نیاز فوری خود یا بچه‌اش است. تولید آن‌ها یک‌سویه است در حالی که آدمی همه‌جانبه و گسترده تولید می‌کند. حیوانات تحت اجبار مستقیم نیاز جسمانی دست به تولید می‌زنند در حالی که آدمی حتی هنگامی که فارغ از نیاز جسمانی است و فقط به هنگام رهایی از چنین نیازی است که تولید می‌کند. حیوان فقط خود را تولید می‌کند در حالی که آدم تمام طبیعت را بازتولید می‌کند. محصول حیوان مستقیماً به وجود فیزیکی‌اش تعلق دارد در حالی که آدمی آزادانه با محصولش رویرو می‌شود. حیوان محصول خود را در انطباق با معیارها و نیازهای نوعی که به آن تعلق دارد، شکل می‌دهد در حالی که آدمی قادر است مطابق با معیارهای انواع دیگر تولید کند و می‌داند که هرچا چه‌گونه معیارهای مناسب با اشیای را به کار برد. از این‌رو آدمی اشیای را برحسب قوانین زیبایی نیز می‌سازد.

بنابراین آدمی فقط با کار خویش بر جهان عینی است که در وهله‌ی نخست خود را به عنوان موجود نوعی به اثبات می‌رساند. این تولید، زندگی فعال نوعی اوست. از طریق و به علت این تولید است که طبیعت به عنوان کار و واقعیت او جلوه‌گر می‌شود. از این‌رو ابژه‌ی

کار، عینیت یافتن زندگی نوعی آدمی است زیرا به این طریق نه تنها از لحاظ ذهنی یعنی در آگاهی خویش بلکه در واقعیت نیز فعالانه خود را بازتولید می‌کند و در جهانی که تولید کرده، خود را مورد اندیشه قرار می‌دهد. بنابراین کار بیگانه شده با جدا کردن محصول تولید آدمی از او، در واقع زندگی نوعی و عینیت واقعی‌اش را به عنوان عضوی از نوع انسان جدا می‌کند و برتری او را بر حیوان به چنان ضعیفی مبدل می‌سازد که حتی کالبد غیرانداموار او یعنی طبیعت نیز از او گرفته می‌شود.

به همین سان، کار بیگانه شده با تنزل فعالیت خودجوش و آزاد آدمی به یک وسیله، زندگی نوعی آدمی را ابزاری برای حیات جسمانی‌اش می‌کند. آگاهی‌ای که آدمی از نوع خویش دارد، در این بیگانگی به گونه‌ای تغییر شکل می‌یابد که زندگی نوعی برای او تنها به وسیله‌ای تبدیل می‌گردد.

بنابراین کار بیگانه شده

وجود نوع آدمی، چه سرشت و چه ویژگی نوعی معنوی او را، به وجودی بیگانه و به ابزاری در خدمت حیات فردی‌اش تبدیل 3. می‌سازد و بدین‌سان آدمی را از کالبد خود و نیز از طبیعت خارجی و ذات معنوی او یعنی وجود انسانی‌اش بیگانه می‌سازد پیامد مستقیم این واقعیت که آدمی از محصول کار خویش، از فعالیت حیاتی خویش و از وجود نوعی خودبیگانه می‌شود، بیگانگی 4. آدمی از آدمی است. هنگامی که انسان با خود روبه‌رو می‌شود گویی با سایر انسان‌ها روبه‌رو شده است. آن‌چه در ارتباط با رابطه‌ی انسان با کار و محصول کارش و نیز با خود مصداق دارد، در مورد رابطه‌ی آدمی با سایر آدم‌ها، کار و محصول کار سایر آدم‌ها نیز صادق است در حقیقت این قضیه که سرشت نوعی آدمی از او بیگانه شده است، به این مفهوم است که آدم‌ها از هم و هر کدام از آن‌ها از سرشت ذاتی آدمی بیگانه شده‌اند.

بیگانگی انسان و در حقیقت هر رابطه‌ای که انسان با خود برقرار می‌کند، در وهله‌ی نخست در رابطه‌ای که با سایر انسان‌ها برقرار می‌سازد، تحقق می‌یابد و نمودار می‌شود.

از این‌رو هر شخص در چارچوب رابطه‌ی کار بیگانه شده، دیگری را براساس معیارها و روابطی که در آن خویشتن را به عنوان کارگر در می‌یابد، مد نظر قرار می‌دهد.

ما بررسی خود را از یک واقعیت اقتصاد سیاسی یعنی بیگانگی کارگر و تولیدش آغاز کردیم و این واقعیت را براساس مفهوم کار بیگانه شده تبیین کردیم و با تجزیه و تحلیل این مفهوم، صرفاً واقعیتی اقتصادی را بررسی کردیم اکنون می‌خواهیم ببینیم که مفهوم کار بیگانه شده چگونه در زندگی واقعی حضور دارد.

اگر محصول کار با من بیگانه است، اگر این محصول چون نیروی بیگانه در برابر من قد علم می‌کند، پس به چه کسی تعلق دارد؟ اگر فعالیت خودم، به من تعلق نداشته باشد، اگر این فعالیت، فعالیت بیگانه و از سر اجبار باشد، پس این فعالیت به چه کسی تعلق دارد؟

به موجودی غیر از خودم

این موجود کیست؟

خدایان؟ البته در دروان‌های نخستین، تولید اصلی (مثلاً) ساختمان معابد و غیره در مصر، هند و مکزیک در خدمت خدایان بود و محصول به آنان تعلق می‌گرفت. اما خدایان به خودی خود هرگز صاحبان کار نبودند. همین امر هم در مورد طبیعت صادق است. چه تناقصی را شاهدیم! آدمی هرچه طبیعت را با کار خویش بیشتر مقهور می‌کند و معجزات صنعت، معجزات خدایان را بیش از پیش زاند و غیر ضروری، باید از لذت حاصل از تولید و تمتع از محصول به نفع این قدرتها بیشتر دست شوید وجود بیگانه‌ای که کار و محصول کار به آن تعلق دارد و کار در خدمت اوست و منفعت حاصل از محصول کار در اختیار او قرار می‌گیرد، تنها می‌تواند خود آدمی باشد.

اگر محصول کار به کارگر تعلق نداشته باشد، اگر این محصول چون نیروی بیگانه در برابر او قد علم می‌کند، فقط از آن جهت است که به انسان دیگری غیر از کارگر تعلق دارد. اگر فعالیت کارگر مایه‌ی عذاب و شکنجه‌ی اوست، پس باید برای دیگری منبع لذت و شادمانی زندگی‌اش باشد. نه خدا، نه طبیعت، بلکه فقط خود انسان است که می‌تواند این نیروی بیگانه بر انسان باشد.

باید فرضی قبلی را که مطرح کرده بودیم، به خاطر داشته باشیم: رابطه‌ی انسان با خود تنها از طریق رابطه‌ای که با دیگران برقرار می‌کند، عینیت و فعلیت می‌یابد. بنابراین اگر محصول کار آدمی یعنی کار عینیت یافته‌ی او، حکم شینی بیگانه، دشمن و قدرتمند را می‌یابد که مستقل از اوست، آن‌گاه وضع او نسبت به آن چنان است که گویی کسی دیگر صاحب این کار است، کسی که نسبت به او بیگانه، دشمن، قدرتمند و مستقل است. اگر رابطه‌ی او با فعالیت خویش چون فعالیت غیرآزادانه باشد، آن‌گاه این رابطه، فعالیت است که در خدمت، تحت تسلط، اجبار و یوغ آدمی دیگر است.

هرگونه از خودبیگانگی آدمی، از خویش و از طبیعت، به صورت رابطه‌ای پدیدار می‌گردد که او میان خود و طبیعت با آدم‌هایی متمایز از خویشتن برقرار می‌نماید. به همین دلیل، از خودبیگانگی مذهبی ضرورتاً در رابطه‌ی آدم عامی با کشیش و چون در این‌جا با جهان ذهنی سروکار داریم، در رابطه‌ی آدم عامی با یک میانجی و از این قبیل نمایان می‌گردد. در جهان واقعی عملی، از خودبیگانگی فقط از طریق رابطه‌ی عملی واقعی با سایر آدم‌ها می‌تواند نمود یابد. آن میانجی که از طریق آن بیگانگی چهره می‌نمایاند، خود واسطه‌ای است عملی. بنابراین آدمی از طریق کار بیگانه شده نه تنها رابطه‌اش را با اشیا و عمل تولید به شکل رابطه با آدم‌هایی بیگانه و رو در رو با او، برقرار می‌کند بلکه رابطه‌ای را نیز می‌آفریند که در آن سایر آدم‌ها در برابر تولید و محصول او قد علم می‌کنند، رابطه‌ای که خود نیز در آن در مقابل این آدم‌ها قرار می‌گیرد. آدمی همان‌طور که تولید خویش را به شکل از دست دادن واقعیت و کیفی خویش و محصول خود را چون زبان یعنی به شکل محصولی که از آن او نیست، می‌آفریند، سلطه‌ی آدمی را که تولید نمی‌کند بر تولید و محصول آن نیز می‌آفریند. انسان همان‌طور که فعالیت خویش را با خویشتن بیگانه می‌سازد، فعالیت را به غریبه‌ای اعطا می‌کند که از آن او نیست.

تاکنون این رابطه را فقط از دیدگاه کارگر بررسی کرده‌ایم. بعداً این مسئله را از دیدگاه کسی بررسی خواهیم کرد که کار نمی‌کند پس کارگر از طریق کار بیگانه شده رابطه‌ی کسی را با این کار به وجود می‌آورد که نسبت به آن بیگانه است و در خارج از آن جای دارد. رابطه‌ی کارگر با کار، رابطه‌ی سرمایه‌دار (یا هر نام دیگری که بر صاحب کار گذاشته می‌شود) را با آن کار خلق می‌کند. از این‌رو مالکیت خصوصی، محصول، نتیجه و پیامد ضروری کار بیگانه شده و رابطه‌ی خارجی کارگر با طبیعت و خویش است بدین‌سان مالکیت خصوصی براساس تحلیل از مفهوم کار بیگانه شده، یعنی انسان بیگانه شده، کار بیگانه شده، زندگی بیگانه شده و انسان از خود بیگانه استنتاج می‌شود.

درست است که ما از حرکت مالکیت خصوصی، مفهوم کار بیگانه شده (زندگی بیگانه شده) را از اقتصاد سیاسی استنتاج نمودیم اما با تحلیل این مفهوم روشن می‌گردد که اگر چه به نظر می‌رسد که مالکیت خصوصی بنیاد و علت کار بیگانه شده است اما در واقع نتیجه‌ی آن می‌باشد، همان‌طور که خدایان اساساً علت اغتشاش ذهنی آدمی نیستند بلکه معلول آن می‌باشند. این رابطه بعداً دو سویه می‌شود تنها در اوج نهایی تکامل مالکیت خصوصی، راز آن یعنی این که از یک‌سو محصول کار بیگانه شده است و از سوی دیگر وسیله‌ای

است که با آن کار خود را بیگانه می‌کند یا به عبارتی واقعیت یافتن این بیگانگی، آشکار می‌گردد. این تفسیر به فوریت پرتو روشنی بر بسیاری از مجادلات می‌افکند که تاکنون لاینحل مانده‌اند.

اقتصاد سیاسی کار را تنها منشاء واقعی تولید می‌داند اما با وجود این چیزی را به کار اختصاص نمی‌دهد و همه چیز را به مالکیت خصوصی می‌دهد. پرودون در مقابل این تناقض، له کار و علیه مالکیت خصوصی موضع گرفته است. اما دیدیم که این تناقض ظاهری، تناقض کار بیگانه شده با خود است و اقتصاد سیاسی صرفاً "قوانین کار بیگانه شده را تدوین کرده است در ضمن پی بردیم که دستمزد و مالکیت خصوصی یکسان هستند زیرا محصول به عنوان عین یا ابژه‌ی کار سهم کار است و در نتیجه دستمزد چیزی جز پیامد ضروری بیگانگی کار نیست. نهایتاً در دستمزد کار، کار به عنوان هدفی در خود پدیدار نمی‌گردد بلکه در خدمت دستمزد است. بعداً این نکته را بسط خواهیم داد و در این‌جا فقط برخی از نتایج را ارائه می‌کنیم

افزایش تمثیلی دستمزدها (صرف‌نظر از پاره‌ای مسائل از جمله این واقعیت که تنها تحت شرایط اجباری دستمزدهای بالاتر که خلاف قاعده می‌باشد، پرداخت می‌گردند) چیزی جز پرداختی بهتر به بردگان نیست و برای کارگران یا برای کار، موقعیت و شأن انسانی‌شان را به ارمغان نخواهد داشت

در حقیقت حتی برابری دستمزدها که پرودون خواستار آن است، فقط رابطه‌ی کارگر امروزی را با کارش به رابطه‌ی همه‌ی انسان‌ها با کار تغییر شکل می‌دهد. جامعه در چنین حالتی یک سرمایه‌دار انتزاعی تلقی خواهد شد

دستمزدها پیامد مستقیم کار بیگانه شده است و کار بیگانه شده علت اصلی مالکیت خصوصی است. سقوط یکی لاجرم سقوط دیگری را به دنبال خواهد داشت

از رابطه‌ی کار بیگانه شده با مالکیت خصوصی چنین بر می‌آید که رهایی جامعه از مالکیت خصوصی و بندگی، شکل سیاسی رهایی کارگران را به خود می‌گیرد نه به این معنا که فقط رهایی کارگران مدنظر است بلکه به این معنا که رهایی کارگران، رهایی کل انسان‌ها را در بر دارد زیرا کل بندگی آدمی ناشی از رابطه‌ی کارگر با تولید است و هرگونه رابطه‌ی بندگی چیزی جز جرح و تعدیل و پیامد این رابطه نمی‌باشد

همان‌طور که با تجزیه و تحلیل، مفهوم مالکیت خصوصی را از مفهوم کار بیگانه شده استنتاج کردیم، اکنون می‌توانیم هر مقوله‌ی اقتصاد سیاسی را با کمک این دو مفهوم بسط دهیم و در هر مقوله مثلاً "در تجارت، رقابت، سرمایه، پول، نمود مشخص و مبسوط این عناصر نخستین را از نو بازیابیم

قبل از پرداختن به این جنبه، سعی خواهیم کرد تا دو مسئله را حل کنیم

تعریف ماهیت عام مالکیت خصوصی به گونه‌ای که از کار بیگانه شده منتج می‌شود و نیز رابطه‌ی آن با انسان راستین و مالکیت اجتماعی.

ما بیگانگی کار و بیگانه شدن آن را به عنوان یک واقعیت مسلم پذیرفتیم و همین واقعیت مسلم را تجزیه و تحلیل کردیم. اکنون باید این پرسش را طرح کنیم که آدمی چگونه کار خویش را بیگانه می‌سازد؟ این بیگانگی چگونه در ماهیت تکامل آدمی ریشه دوانده است؟ ما با تغییر شکل این پرسش که ریشه‌ی مالکیت خصوصی چیست به این پرسش که رابطه‌ی کار بیگانه شده با مسیر تکامل آدمی چیست، قسمت زیادی از راه را طی کرده‌ایم. زیرا هنگامی که از مالکیت خصوصی سخن گفته می‌شود، با چیزی مواجه هستیم که نسبت به آدمی خارجی است اما زمانی که از کار سخن گفته می‌شود، مستقیماً با خود آدمی سر و کار داریم. این شکل جدید از طرح مسئله، راه حل خود را نیز در بر دارد

در ارتباط با 1): ماهیت عام مالکیت خصوصی و رابطه‌اش با مالکیت راستین انسانی

کار بیگانه شده به دو عنصر تجزیه می‌شود که به طور متقابل یکدیگر را تعیین می‌کنند و یا به عبارت دیگر نموده‌های متفاوت یک رابطه‌ی واحدند. تملک به صورت بیگانگی و جدا افتادگی از محصول ظاهر می‌شود و بیگانگی به صورت تملک؛ بیگانگی پیش درآمدی واقعی برای پذیرش در جامعه

ما یک جنبه از کار بیگانه شده یعنی رابطه‌ی آن را با خود کارگر یا با عبارتی رابطه‌ی آن را با خود بررسی و روابط مالکیت غیرکارگر با کارگر و کار را به عنوان محصول و پیامد ضروری این رابطه استنتاج کردیم. مالکیت خصوصی به عنوان نمود مادی و فشرده‌ی کار بیگانه شده، دو رابطه را شامل می‌شود: رابطه‌ی کارگر با کار و با محصول کار خویش و غیرکارگر و رابطه‌ی غیر کارگر با کارگر و با محصول کارش

دیدیم که در رابطه با کارگر که با کارش، طبیعت را به تصاحب خود در می‌آورد، این تملک به صورت بیگانگی، فعالیت خودجوش آن به صورت فعالیت برای دیگری و از آن دیگری، نیروی حیاتی آن به صورت قربانی کردن زندگی، تولید محصول به صورت از دست دادن و واگذار کردن آن به قدرت و شخصی بیگانه، پدیدار می‌گردد. اکنون می‌باید رابطه‌ی این شخص را که با کار و کارگر بیگانه است، با کارگر، کار و محصول کار بررسی کنیم

ابتدا لازم به یادآوری است که هر آنچه برای کارگر به صورت فعالیت بیگانه پدیدار می‌گردد، برای غیرکارگر به صورت وضعیت بیگانگی نمودار می‌گردد

ثانیاً "دید واقعی و عملی کارگر از تولید و محصول (به عنوان یک نظرگاه)، نزد غیرکارگر به شکل دیدگاهی تنوریک تجلی می‌یابد ثالثاً"، غیرکارگر هر آنچه را کارگر بر ضد خود انجام می‌دهد، بر ضد او انجام می‌دهد اما آنچه را که خود بر ضد کارگر انجام می‌دهد، بر ضد خویش روا نمی‌دارد

حال این سه رابطه را دقیق‌تر مورد بررسی قرار می‌دهیم (نخستین دست‌نوشته در همین‌جا ناتمام قطع می‌شود)

دست‌نوشته‌های فلسفی اقتصادی و فلسفی 1844 / کارل مارکس

ل مارکس/ سرمایه // خرید و فروش نیروی کار
 by Massi Fathi (Notes) on Monday, April 8, 2013 at 6:09pm
 کارل مارکس سرمایه «کاپیتال»: جلد اول، بخش دوم، فصل چهارم

«سرمایه» کاپیتال
 جلد اول – بخش دوم
 تبدیل پول به سرمایه

.....
 اکنون باید نیروی کار، این کالای ویژه را نزدیکتر مورد تحقیق و بررسی قرار داد، آیا این کالا نیز مانند همه کالاهای دیگر دارای ارزشی است؟ چگونه این ارزش تعیین میگردد؟
 ارزش نیروی کار، عیناً مانند ارزش هر کالای دیگر، بر حسب زمانی که برای تولید و لذا نیز برای تجدیدتولید این کالای ویژه لازم است تعیین می گردد. به مثابه ی ارزش، خود نیروی کار فقط نماینده ی کمیت معینی از کار متوسط اجتماعی است که در آن تجسم یافته است. نیروی کار تنها به مثابه ی توانایی شخص زنده وجود دارد بنابراین این تولید آن مستلزم وجود شخص زنده است. با تحقق وجود شخص، تولید نیروی کار عبارت می شود از تجدید تولیدی نگهداری آن شخص، یک فرد زنده برای نگهداری خود محتاج به مجموعه ی معینی از وسائل معیشت است. بنابراین این زمان کار لازم برای تولید نیروی کار به زمان کاری که برای تولید این وسائل زندگی لازم است تحویل می گردد. یا به گفتار دیگر ارزش نیروی کار عبارت از ارزش آن وسائل معیشتی است که برای نگهداری صاحب نیروی کار لازم است. با این وجود نیروی کار فقط به وسیله ی تظاهر خارجی خود تحقق می یابد و فقط در کار فعلیت پیدا می کند. ولی با فعلیت یافتن کار مقدار معینی از عضلات، اعصاب، مغز انسانی و غیر آن مصرف می شود که باید از نو جبران گردد. تشدید این صرف قوا مستلزم جذب بیشتری است ۴۳

اگر دارنده ی نیروی کار امروز کار کرده است، باید بتواند فردا نیز همین جریان را تحت همان شرایط توانایی و تندرستی تکرار نماید. پس مجموع وسائل زندگی باید به اندازه ای باشد که فردا کارکن را به مثابه ی یک فرد کارکن در وضع عادی زندگی خویش نگهدارد. نیازمندی های طبیعی از قبیل خوراک، پوشاک، سوخت، سکنی و غیره بر حسب خصوصیات اقلیمی و سایر ویژگی های طبیعی هر کشور متفاوتند. از سوی دیگر تعداد نیازمندی هائی که ضروری خوانده می شوند و همچنین نحوه ی برآوردن آنها خود یک محصول تاریخی است و بیشتر بادرجه ی تمدن موجود یک کشور و از جمله به طور عمده نیز با این امر که طبقه ی کارگر آزاد

تحت چه شرایطی و بنابر این با چه عادات و خواست های معیشتی به وجود آمده است، بستگی دارد. پس در تعیین ارزش نیروی کار، به عکس کالاهای دیگر، یک عنصر تاریخی و معنوی دخالت دارد. با این حال در یک کشور معین و در زمان مشخص، حدود متوسط وسائل ضروری زندگی معلوم است. صاحب نیروی کار میرنده است. پس اگر بنا به مقتضای تبدیل مستمر پول به سرمایه وجود مستمر نیروی کار در بازار نیز لازم است، آن گاه ضروری است که "فروشنده ی نیروی کار جاوید گردد" همچنانکه هر فرد زنده ای به وسیله ی توالد و تناسل خویشتن را جاویدان می کند نیروهای کاری که در نتیجه ی فرسودگی و مرگ از بازار بیرون کشیده می شوند. همواره بایستی با تعداد لاقل برابری از

نیروهای جدیدکار جبران گردند. بنابر این مجموعه ی وسائل معیشتی که برای تولید نیروی کار ضرور است، شامل وسائل زندگی جانشینان آن یعنی اولادکارگران نیز می شود تا بدین طریق این نژاد کالاداران ویژه در بازار جاویدان بماند برای این که طبیعت عمومی انسانی به نحوی تغییر یابد که بتواند در رشته ی کار مشخصی مهارت و کمال کسب کند و به نیروی کار تکامل یافته و ویژه ای تبدیل گردد تربیت یا پرورش معینی لازم است که به نوبه ی خود مستلزم خرج مبلغ زیادتر یا کمتری از کالاهای معادل آن است. بر حسب خصلت کم و بیش بغرنج نیروی کار مخارج پرورش آن نیز تفاوت پیدا می کند. بنابر این مخارج آموزش و پرورش، که در مورد نیروی کار ساده بسیار ناچیز است، در جمع ارزشهائی وارد می شود که برای تولیدنیروی کار ضروری ست

پس ارزش نیروی کار به ارزش مقدار معینی از وسائل زندگی تحویل می گردد بنابر این با تغییر ارزش این وسائل زندگی، یعنی مقدار زمان کاری که برای تولید آنها لازم است، ارزش نیروی کار نیز تغییر می کند

بخشی از وسائل معیشت مانند خوراک، سوخت و غیره روزانه در نتیجه ی مصرف نابود می شوند و باید هر روز از نو تجدیدگردند. برخی دیگر از وسائل زندگی مانند پوشاک، اثاث خانه و غیره در فاصله ی زمانی طولانی تری مصرف می شوند و لذا فقط باید در مدت درازتری تعویض گردند. نوعی از کالا را باید روزانه، برخی دیگر را هفته ای یک بار، شش ماه یک بار و یا به نحو دیگری خرید و یا بهاء پرداخت. ولی به هر نحوی که مجموع این هزینه ها تقسیم شود، مثلاً در عرض یک سال، باید به وسیله ی درآمد متوسط روزانه جبران گردد. اگر حجم آن کالاهائی که روزانه برای تولید نیروی کار ضروری ست مساوی با «الف» و حجم آنهائی که هفته ای یک بار مورد لزوم است مساوی با «ب» و آن چه که هر سه ماه یک بار لازم است مساوی با «ج» و غیره فرض شوند آن گاه متوسط روزانه ی این کالاها به قرار زیرین خواهد بود:

بود:

$$= \text{الف} + ۵۲ + \text{ب} + ۴ + \text{ج} + \text{سایرین متوسط روزانه} ۳۶۵$$

۳۶۵

اگر فرض شود که در مجموع مقدار کالائی که برای متوسط روز لازم است ۶ ساعت کار اجتماعی نهفته است آن گاه در نیروی کار، روزانه نصف روز کار متوسط یا به عبارت دیگر هر روز نیمی از کار روزانه صرف

نیروی کار می گردد. این مقدار کار که برای تولید روزانه ی نیروی کار لازم است عبارت از ارزش روزانه ی نیروی کار یا ارزش تجدید تولید روزانه ی نیروی کار است. اکنون اگر در عین حال نصف روز کار متوسط اجتماعی در مقدار طلائی معادل با سه شیلینگ یا یک تالر مجسم شده باشد، آن گاه یک تالر بهائی خواهد بود که با ارزش روزانه ی نیروی کار تطبیق می کند. حالا اگر دارنده ی نیروی کار هر روز این نیرو را در برابر یک تالر عرضه کند در آن صورت بهای فروش نیروی کار مساوی با ارزش آن خواهد بود و بنا به فرض ما دارنده ی پول که در صدد تبدیل تالرهائى خود به سرمایه است همین ارزش را می پردازد

آخرین مرز یا حداقل ارزش نیروی کار از ارزش مجموعه ی کالاهائی تشکیل می شود که بدون مصرف روزانه ی آنها حامل نیروی کار، یعنی انسان، قادر به تجدید پروسه ی زندگانی خویش نیست یا به عبارت دیگر ارزش وسائل زندگی ای که برای زیست طبیعی آدمی غیرقابل اجتناب است این حداقل را تشکیل می دهد. در صورتی که بهای نیروی کار تا این حداقل تنزل نماید، قیمت آن پائین تر از ارزشش قرار خواهد گرفت زیرا در چنین حالتی نیروی کار فقط می تواند به شکل پزمرده و پریشانی خویشتن را نگاهدارد و بسط یابد. ولی تعیین ارزش هر کالا برحسب زمان کار، ایجاب می کند که آن کالا با کیفیت عادی تحویل گردد

این تعیین ارزش نیروی کار را، که خود از طبیعت اشیاء سرچشمه می گیرد،

خشونت آمیز تلقی کردن و مانند روسی *

فریاد برآوردن که: "تصور توانائی کار با قطع نظر از وسائل معیشت کارگران به هنگام عمل تولیدی مانند تصور یک وجود خیالی است

آن که از کار و توان کار صحبت می کند در عین حال از کارگران و

وسائل معیشت، از کارگر و از مزد سخن می گوید" ۴۷

، منتهای احساسات فروشی ارزان قیمت است

آن که از توانائی کار صحبت می کند هنوز از کار سخن نگفته است

همچنانکه که صحبت از توانائی گوارش به معنای خودگوارش نیست. همه کس

می داند که برای نیل به پروسه ی اخیر تنها داشتن یک معده ی خوب کافی نیست. آن

که از توانائی کار صحبت می کند به هیچ وجه از وسائل معیشتی که برای بقاء آن

ضروری ست صرف نظر نمی کند بلکه ارزش این وسائل در ارزش آن توانائی، بیان

شده است. اگر این نیرو به فروش نرود دیگر به هیچ وجه برای کارگر مفید نیست و

به عکس وی توانائی کار خود را مانند یک جبر بی رحم طبیعت تلقی می کند که برای

تولیدش تاکنون صرف مقداری وسائل زندگی لازم آمده است و تجدید تولید آن مستمراً

وسائل تازه ای را طلب می نماید. سپس با سیسموندی کشف می کند که: "توانائی

"کار... هرگاه به فروش نرود هیچ است

ماهیت خاص این کالای ویژه، یعنی نیروی کار، مستلزم آن است که با انعقاد

قرارداد بین فروشنده و خریدار ارزش مصرفش هنوز به طور واقعی به دست خریدار

نرسیده باشد. ارزش این کالا مانند هر متاع دیگر پیش از آن که وارد دوران گردد

معین بود زیرا برای تولید نیروی کار مقدار معینی از کار اجتماعی صرف شده بود

ولی ارزش مصرفش عبارت از بروز و به کار بردن آینده ی این نیروست. بنابر این

انتقال نیرو و بروز واقعی آن، یعنی تحقق آن به مثابه ی ارزش مصرف، از لحاظ

که انتقال صورتی ارزش زمانی جدا از یکدیگرند. ولی در مورد این قبیل کالاها

مصرف آن ها به وسیله ی فروش و تسلیم واقعی آن ها به خریدار، از لحاظ زمانی

جدا هستند، پول خریدار، اکثراً به منزله ی وسیله ی پرداخت عمل می کند. در کلیه ی

کشورهائی که شیوه ی تولید سرمایه داری حکم فرماست بهای نیروی کار فقط

هنگامی پرداخت می گردد که آن نیرو مدتی طبق موعده مقرر در قرارداد خریدیه کار

افتاده باشد، مثلاً در پایان هر هفته. بنابر این در همه جا کارگر ارزش مصرف نیروی

کار خود را به طور مساعده به سرمایه دار میدهد و پیش از آن که بهایش را

دریافت کند می گذارد که خریدار آن را به مصرف برساند و لذا همه جا کارگر با

سرمایه دار به نسبه و اعتبار معامله می کند

تنها سوخت شدن دستمزد مورد مطالبه ی کارگر، به هنگام ورشکست شدن سرمایه دار نیست،

که نشان میدهد این اعتبار گشائی وهم و خیال پوچی نبوده است

بلکه یک سلسله عواقب دیگری نیز که پایدارتر از ورشکستگی هستند این نکته را اثبات می کنند

با وجود این پول چه مانند وسیله ی خرید و چه به مثابه ی وسیله ی

پرداخت عمل کننده هیچ وجه تغییری در ماهیت خود مبادله ی کالاها نمی دهد. بهای

نیروی کار طبق قرارداد طی شده است ولو این که مانند اجاره بهای خانه بعداً تحقق

یابد. نیروی کار فروخته شده است گو این که بهای آن بعداً پرداخت خواهد شد. ولی

برای این که روابط به طور خالص درک گردد سودمند است موقتاً فرض کنیم که دارنده ی نیروی کار هر بار به محض فروش آن نیرو، بهانی را که طبق قرارداد تعیین شده است دریافت می کند.

ما اکنون شیوه و چگونگی تعیین ارزشی را که از جانب دارنده ی پول به صاحب این کالای ویژه، یعنی نیروی کار، پرداخت می گردد می دانیم. ارزش مصرفی را که دارنده ی پول در مقام مبادله به دست می آورد، تنها در استفاده ی واقعی یعنی در پروسه ی مصرف نیروی کار بروز می کند. تمام اشیاء لازم برای انجام این پروسه از قبیل مواد اولیه و غیره را دارنده ی پول از بازار به قیمت کامل آنها خریداری می کند. پروسه ی مصرف نیروی کار در عین حال پروسه ی تولید کالا و اضافه ارزش است. مصرف نیروی کار مانند مصرف هر کالای دیگر در خارج از بازار یا محیط دوران انجام می گیرد. بنابراین ما نیز به همراه صاحب پول و دارنده ی نیروی کار این محیط پر سروصدا را که همه چیزش در سطح و در برابر دیدگان همه انجام می شود ترک می کنیم و به دنبال هر دوی آنها وارد کارگاه محرمانه ی تولید می شویم که در آستانه ی آن نوشته شده است

(. ورود جز برای کار ممنوع است) "No admittance except on business"

در آن جا نه تنها نمایان می شود چگونه سرمایه تولید می کند بلکه دیده می شود چگونه سرمایه خود تولید می گردد. بالاخره راز افزونگری نیز باید از پرده بیرون افتد محیط دوران یا محیط مبادله ی کالاها، که در میان چهار دیوار آن خرید و فروش نیروی کار انجام می گیرد، در واقع بهشت حقیقی حقوق طبیعی بشر بود تنها آن چه* در این محیط حکم فرماست، آزادی، برابری مالکیت و *بنام . است. آزادی! زیر خریدار و فروشنده ی کالائی، مثلاً نیروی کار، فقط تابع اراده ی آزاد خود هستند آنان به مثابه ی اشخاص آزاد و دارندگان حقوق مساوی با یکدیگر قرارداد می بندند قرارداد عبارت از نتیجه ی نهانی ای است که به وسیله ی آن اراده ی آنان بیان حقوقی مشترکی پیدا می کند. برابری! زیرا آنها تنها به عنوان دارنده کالا با یکدیگر در ارتباط قرار می گیرند و معادلی را در برابر معادل مبادله می کنند. مالکیت! برای این که هر یک تنها مختار مال خود است. *بنام! زیرا هر یک از آن دو فقط خویشتن را در نظر می گیرد و بس. تنها نیروی که آنها را جمع می کند و در ارتباط با یکدیگر قرار می دهد همانا استفاده ی شخصی، سودجویی و منافع خصوصی آنها ست. و درست به همین جهت که هر کس فقط به فکر خود است و هیچ کس غم خوار دیگری نیست، همه ی آنها، بنا بر یک نوع هماهنگی مقدر اشیاء یا تحت حمایت ایزدی زیرک و مکار، فقط آن چه را که متقابلاً مفید است و به سود مشترک آنها ست و مورد استفاده ی جمعی است انجام می دهند.

در این لحظه که ما از محیط دوران ساده یا مبادله ی کالاها جدا می شویم یعنی (vulgaris) محیطی را ترک می کنیم که برای مبادله گر آزاد منشاء عامیانه ی نظرات، مفاهیم و ضابطه ی قضاوت وی در باره ی جامعه سرمایه و کارمزدور است، (dramatis personae) چنین به نظر می رسد که در سیمای بازیگران درام ما برخی تغییرات رخ داده است. آن مرد پولدار سابق به مثابه ی سرمایه دار در پیشاپیش می رود و دارنده ی نیروی کار به دنبال او مانند کارگر متعلق به وی روان است. آن یکی باد در دماغ افکنده، لبخند زنان و کاراندیش، این دیگری سرافکننده و منزجر هم چون کسی که پوست خویش را به بازار آورده است و اکنون منتظاری هم جز این ندارد که به دباغیش برسد.

کارگران مبارز!



رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی در طول حیات انگل وار خود بارها قانون کار خود ساخته اش را به ضرر کارگران تغییر داده است. این واقعیت چه درسی به کارگران میدهد؟ این درس را که تحت سلطه بورژوازی وابسته که رژیم جمهوری اسلامی حامی آن است هیچ حقی برای طبقه کارگر از هجوم این طبقه مصون نیست. در نتیجه تثبیت کمترین حقی برای کارگران به برانداختن حاکمیت جابرانه طبقه سرمایه دار حاکم بر ایران منوط است.

نابود باد نظام ظالمانه سرمایه داری در جهان!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!

فراخوان "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران"

به مناسبت روز جهانی کارگر

مردم آزاده جهان، هموطنان عزیز ایرانی

اجرای سیاست های ضد ملی و ضد کارگری مقامات مسوول جمهوری اسلامی ایران، زندگی و معیشت میلیون ها کارگر و خانواده های کارگری در ایران را به خطر انداخته است. سیاست های تعدیل اقتصادی، حذف یارانه ها، خصوصی سازی و رشد اقتصاد انگلی، موجب تعطیلی بسیاری از مراکز تولیدی شده و تولید صنعتی و کشاورزی را به سمت فعالیت های غیرمولد برده است. گزارش های کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به نقل از پایگاه خبری کارگر نیوز در ۲۶ شهریور ۹۱، نشانگر آن است که ۵۰ درصد واحدهای تولیدی در ایران تعطیل و یا در شرف تعطیلی اند و اکثر واحدهای تولیدی بزرگ، با کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت مشغول به کارند.

بی توجهی به بحران اشتغال، وضعیت معیشت کارگران و تعیین دستمزدی به میزان یک سوم خط فقر اعلام شده در سال جاری، بدون هیچگونه حق تشکل مستقل، اعتراض و اعتصاب، زندگی کارگران که مهم ترین سرمایه ملی و موثرترین نیروی اجتماعی هستند، را، با دشواری های بی سابقه ای روبرو کرده است.

فقدان ایمنی محیط کار و وسایل مناسب کار، موجب رشد فزاینده ی حوادث ناشی از کار شده است. بنا به گزارشات سازمان پزشکی قانونی، روزانه ۵ کارگر جان خود را از دست می دهند.

در چنین شرایطی، ممانعت از فعالیت های متشکل و مستقل کارگران در سندیکاها و تشکل های کارگری، سرکوب کارگران و فعالان کارگری به جرم حق طلبی و دفاع از حقوق صنفی و قانونی، موجب بازداشت و شکنجه و صدور احکام سنگین برای ده ها نفر از کارگران پیشرو شده است.

کارگران ایران با همه ی فشارها و محدودیت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، همواره، نیروی عظیمی در مقابله با ظلم و استثمار بوده و هستند. به همین دلیل به شدیدترین شکل، سرکوب می شوند. ستار بهشتی کارگر و بلاگ نویس و منتقد سیاست های ضد مردمی جمهوری اسلامی ایران، نمونه ای از کارگران آگاه و مبارز ایرانی است که متأسفانه یک هفته پس از بازداشت در سال گذشته، بر اثر شکنجه به قتل رسید.

با تاکید بر ضرورت اجرای تعهدات ملی و بین المللی از جمله تعهدات پذیرفته شده جمهوری اسلامی ایران، در مقاله نامه های شماره ۹۸ و ۸۹ سازمان بین المللی کار ILO در مورد آزادی تشکل یابی کارگران، "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران" برای همدلی و همراهی با کارگران ایران از کلیه افرادی که نگران آینده ایران و خواهان آزادی تشکل های مستقل کارگری و عدالت اجتماعی و آزادی کارگران مبارز در بند هستند، درخواست می نماید، به هر شکل و شیوه ممکن، از اول اردیبهشت ۱۳۹۲ (۲۱ آوریل ۲۰۱۳) تا اول ماه می ۲۰۱۳ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲) در یک همبستگی جهانی، صدای همه ی کارگران ایران اعم از کارگران شاغل، کارگران بیکار، زنان کارگر، کودکان کار، کارگران افغان به ویژه کارگران در بند باشیم.

کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران -

جهت آشکار شدن وضعیت دشوار کار و زندگی کارگران در ایران، گزارش کوتاهی از وضعیت معیشت کارگران - حوادث کار - بیکاری کارگران - کارگران زندانی - زنان کارگر - کودکان کار و کارگران افغان، پیوست است.

- وضعیت معیشت کارگران در ایران

کارگران در ایران زیر خط فقر زندگی می کنند.

اول دی ماه سال ۱۳۹۱ یکی از اعضای شورای عالی کار، سازمانی وابسته به دولت، در گفتگو با خبرگزاری دولتی پانا، خط فقر در ایران را یک میلیون و پانصد هزار تومان برای خانوار ۴ نفری اعلام کرده است. با توجه به نرخ تورم که توسط بانک مرکزی و مرکز آمار ایران اعلام شده، نرخ تورم کالاهای مصرفی و خدماتی در ماه های پایانی سال ۱۳۹۱ به بیش از ۳۱ درصد رسیده و این نرخ تورم در مورد کالاهای مصرفی بیش از ۴۰ درصد اعلام شده است. با توجه به این نرخ تورم، خط فقر در آغاز سال ۱۳۹۲، حدود یک میلیون و هفتصد هزار تومان در ماه برآورد می شود. با مقایسه این رقم با حداقل دستمزد تعیین شده در سال ۱۳۹۲ از سوی شورای عالی کار، یعنی رقم چهارصد و هشتاد و هفت هزار تومان در ماه، می توان تاحدودی به عمق فاجعه پی برد. در موارد بسیاری حتی این رقم ناچیز نیز به موقع پرداخت نمی شود و گاه، ماه ها به تعویق می افتد. برای نمونه می توان به ۲۳۰۰ کارگر کارخانه های نورد لوله صفا و پروفیل ساوه اشاره کرد که در آستانه سال نو ۱۳۹۲، نه تنها عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده اند، بلکه حقوق سه ماه پایان سال آنان نیز به تعویق افتاده است و یا کارگران راه سازی کهگیلویه و بویر احمد که تا اسفند سال ۱۳۹۱، به مدت هفت ماه از حقوق و مزایای خود محروم بوده اند. زندگی در چنین شرایطی به مثابه مرگ تدریجی برای کارگران و خانواده های کارگری است. این در شرایطی است که روند تعیین حداقل دستمزد ماهانه کارگران از سوی شورای عالی کار، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، حتی مطابق با ماده ۴۱ قانون کار نیست. ضمن آنکه در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر که ایران نیز آن را امضا کرده، آمده است: «هرکس حق دارد از سطح معیشتی کافی برای سلامتی و رفاه خود و خانواده اش از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری بهره مند گردد و حق دارد به هنگام بیکاری، بیماری، از کار افتادگی، بیوهگی و سالخوردهگی یا فقدان وسیله امرار معاش و گذران زندگی که خارج از اختیار وی است تامین گردد.»

- حوادث حین کار

مرگ تدریجی تنها خطری نیست که کارگران را تهدید می کند. مرگ ناگهانی در اثر سوانح کار، یکی از موارد مهمی است که هر ساله جان هزاران کارگر را می گیرد و چون اغلب کارگران در کارگاه های کوچک بدون هیچ گونه نظارتی اشتغال دارند، خانواده های کارگرانی که در اثر حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست می دهند و اغلب فاقد بیمه های حمایتی هستند. براساس گزارشات سازمان پزشکی قانونی، روزانه ۵ کارگر در اثر حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست می دهند و این نرخ هر ساله رو به افزایش است چنان که در سال ۱۳۸۹ تعداد تلفات ناشی از حوادث کار، ۱۲۹۰ نفر گزارش شده، در حالی که این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۱۵۰۷ نفر بالغ گردیده است. بر اساس آمارها و گزارش های رسمی، حوادث ناشی از کار، دومین علت مرگ و میر در ایران است. سقوط از بالای ساختمان های مرتفع در هنگام کار، انفجار معادن، آتش سوزی در محل کار، ریزش ساختمان در محل کار، و سقوط در چاه های عمیق عمده ترین دلایل حوادث کار هستند که تقریباً در تمام موارد به دلیل فقدان

ایمنی محیط کار و نبود وسایل مناسب کار رخ داده است. در عین حال، در گزارش های خبرگزاری ایلنا و نیز تشکل های کارگری از «اهمال» بازرسان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سخن گفته شده است. در مورد حوادث حین کار، نمونه های بیشماری از این دست وجود دارد از جمله آتش سوزی در آذرماه سال ۱۳۹۰ در کارخانه فولاد غدیر یزد که طی آن ۱۸ کارگر جان خود را از دست دادند و عده ای نیز تا نیمی از بدنشان در آتش سوخت. در اسفند ماه سال گذشته، انفجار معدن یال شمالی ذغال سنگ در طبس جان ۸ کارگر را گرفت. در شماری از این حوادث، تاکنون پیگیری های قضایی به نتیجه نرسیده است.

- اخراج کارگران و بحران اشتغال

اغلب کارگران در ایران، بر اساس قراردادهای موقت، پیمانی، روزمزدی، ساعتی و سفیدامضا به کار گرفته می شوند. این کارگران فاقد بیمه های بیکاری و دوران بیماری یا آسیب دیدگی هستند. این قراردادها، اخراج و بی کارسازی انفرادی یا گروهی آنان را، برای کارفرمایان بسیار آسان کرده است. با توجه به تحریم های فزاینده اقتصادی علیه ایران و سیاست های ضد ملی حکومت جمهوری اسلامی ایران و افزایش سرسام آور نرخ ارز در ایران زندگی مردم به ویژه کارگران بسیار دشوار تر شده است. بسیاری از کارفرمایان به سبب پیوندهایی که با دستگاه حکومتی دارند، همواره از نرخ دولتی ارز برای واردات مواد اولیه و ماشین آلات بهره مند هستند و در بسیاری از موارد، فروش ارزهای رانتی یا سرمایه گذاری در امور تجاری، از تولید کالا، سودآور تر شده است. در نتیجه، کارفرمایان، بدون هیچ نظارتی کارخانه ها و کارگاه های تولیدی را تعطیل و کارگران را اخراج می کنند. بنا بر اظهارات رئیس خانه کارگر، که یک نهاد دولتی است، از اول ماه مه ۱۳۹۰ تا تاریخ مشابه در سال ۱۳۹۱، بیش از یکصد هزار نفر کارگر از کار اخراج شده اند.

- کارگران زندانی

با وجود به رسمیت شناخته شدن حق کارگران برای ایجاد انجمن های صنفی و سراسری در قوانین جمهوری اسلامی ایران، دولت، با تشکل های مستقلی که توسط خود کارگران و برای پیگیری خواسته های به حق شان تشکیل شده، به شدت به مقابله برخاسته است و کارگران پیشرویی را که در ایجاد سندیکا ها و تشکل های کارگری تلاش نموده اند، تحت تعقیب و آزار قرار می دهد. نمونه های آن را می توان در سرکوب خشن "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه"، "سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اهواز"، "سندیکای کارگران نقاش"، "اتحادیه کارگران آزاد" و "کمیته پیگیری برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"، مشاهده کرد. بسیاری از اعضای این تشکل ها به زندان های طویل المدت محکوم شده اند و هم اکنون برخی از آنان در زندان به سر می برند. شاهرخ زمانی محکوم به ۱۱ سال، رضا شهابی ۶ سال، محمد جراحی ۵ سال، بهنام ابراهیم زاده ۵ سال و پدرام نصرالهی به ۳ سال حبس محکوم شده اند. (بهنام ابراهیم زاده تا زمان تهیه گزارش در مرخصی به سر می برد) علاوه بر اینان شمار زیادی از فعالان کارگری و مدافعان حقوق معلمان در زندان های جمهوری اسلامی در بندند و بسیاری دیگر نیز با وثیقه های سنگین به طور موقت تا تشکیل دادگاه آزاد شده اند. تعدادی از کارگران زندانی از جمله محمد جراحی و شاهرخ زمانی به شدت بیمار هستند و به مراقبت های پزشکی احتیاج دارند.

اسامی کارگران فعال حقوق کارگری در بند: شاهرخ زمانی - محمد جراحی - بهروز علامه زاده - بهروز نیکوفرد - علیرضا سعیدی - غالب حسینی - علی آزادی - پدram نصرالهی - رسول بداغی (عضو کانون صنفی معلمان) - عبدالرضا قنبری - مهدی فرحی شانديز - شريف ساعد پناه - مظفر صالح نيا

وضعیت زنان کارگر

زنان کارگر، در جامعه مردسالار ایران از تبعیض‌های چندگانه‌ی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و قانونی رنج می‌برند و اولین قربانیان وضعیت بحرانی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در ایران هستند. زنان کارگر، علاوه بر این که مشاغل کم درآمد و پر زحمت با ساعات کار طولانی و غیرقانونی در اختیار دارند و در شرایط کار مساوی با مردان دستمزد کمتری دریافت می‌کنند، در صف اول اخراج‌ها نیز قرار دارند. افزایش نرخ بیکاری زنان، به نقل از سایت مرکز آمار ایران، از ۳۳ درصد در سال ۸۴ به ۴۳ درصد در سال ۹۰ نشانگر این واقعیت است.

زنان کارگر در آمارهای رسمی پنج درصد کل کارگران را تشکیل می‌دهند و چون اغلب در بخش غیر رسمی شاغل هستند، در آمارها جایی ندارند و نادیده گرفته می‌شوند. هر چند آنان در بخش رسمی نیز از حقوق اولیه قانونی خود نیز بهره‌مند نمی‌شوند و طبق قانون کار امتیازاتی که ظاهراً برای کمک به زنان کارگر، در نظر گرفته شده، موجب شده است تا کارفرماها به استخدام زنان کارگر، رغبتی نشان ندهند و برای فرار از قانون مرخصی زایمان، حق شیردادن، ایجاد شیرخوارگاه و مهدکودک، از استخدام زنان کارگر سرباز زنند و یا هنگام عقد قرارداد کار از کارگر زن تعهد گیرند که طی زمان قرارداد حق حامله شدن ندارند.

بر اساس ماده ۱۹۱ قانون کار، کارگاه‌های کوچک کمتر از ۱۰ نفر، از مقررات قانون کار مستثنی هستند. بنا بر گزارش‌های موجود، کارگران شاغل در این بخش که اکثریت کارگران زن را تشکیل می‌دهند، بدون هیچ گونه حق بیمه درمانی، بیمه بازنشستگی، مرخصی سالانه، مرخصی زایمان، با کار طاقت فرسا و ساعات کار طولانی و دستمزد اندک و بدون هیچ نظارتی در رعایت ایمنی کار و بهداشت محیط، مشغول به کارند. بخش بزرگی از زنان کارگر نیز به مشاغل خانگی روی آورده‌اند که اغلب با کودکان و همراه با خانواده خود با ساعات کار بسیار طولانی به تولید خانگی می‌پردازند و دولت نیز هیچگونه نظارتی بر این بخش تولیدی ندارد. دولت با تصویب "طرح دور کاری" مشوق کارفرماها برای این نوع بهره‌کشی و افزایش فشارهای جسمی، روحی، روانی و انواع خشونت علیه زنان، می‌باشد.

متأسفانه به این کارگران باید کارگران تن فروش را هم اضافه نمود که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود، این بخش از کارگران زن ضمن این که هیچ گونه حق و حقوقی ندارند، در معرض خطر دستگیری و زندان و اعدام نیز هستند.

- کودکان کار

کار کودکان زیر ۱۵ سال، بر اساس ماده ۷۹ قانون کار، ممنوع است ولی طبق آمارهای غیر رسمی بنا به گزارش سایت دولتی مشرق و مرکز پژوهش‌های مجلس در ۱۷ مهر ۱۳۹۱، از ۳ میلیون و ۲۶۵ هزار کودک بازمانده از تحصیل، حدود ۳ میلیون نفر، کودکان کار هستند.

کودکان کار، اغلب در کارگاه‌های کوچک مشغول به کارند. و یا به مشاغل خانگی و یا به دستفروشی در خیابان‌ها، روی آورده‌اند. با توجه به نرخ ۴۰ درصدی تورم و فقر خانوارهای محروم جامعه ایران، تعداد این کودکان رو به افزایش است.

در شرایط کنونی، به ویژه با افزایش میزان اخراج کارگران از واحد های صنعتی و شرکت ها، زنان و کودکان در فقر و بی پناهی و بی قانونی رها شده اند و افزایش آمار تن فروشی زنان و خردسالان، کاهش سن معتادان و افزایش بی سواد و کم سواد از پیامدهای آشکار آن است.

- کارگران افغان

وضعیت کارگران افغان و به طور کلی کارگران مهاجر در ایران به شدت اسفناک است. از حدود دو میلیون کارگر افغان ساکن در ایران، بیش از ۱۴۰۰۰۰۰ نفر آنان، یعنی بیش از دو سوم، فاقد مدارک قانونی کار هستند و با این که سال هاست در ایران مشغول به کارند، دولت به وضعیت اقامت آنان توجه نمی کند. این شرایط، باعث شده است، این کارگران حتی از آن بخش ناچیز حقوقی که دیگر کارگران برخوردارند، محروم باشند. دستمزد این کارگران در مقایسه با کارگران رسمی بسیار پایین تر و شرایط کاری شان دشوارتر است و از هیچ گونه بیمه درمانی، بازنشستگی و یا حوادث نیز برخوردار نیستند. فرزندان آنان از مدرسه و آموزش محروم هستند و برایشان برگه های هویت صادر نمی شود و در شرایط بسیار سختی روزگار می گذرانند.



گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان

جهت گرامیداشت این روز و همبستگی با مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر ایران و جهان
از ساعت 11 تا 14 روز اول ماه مه در محل
Marktplatz Stuttgart
گرد هم می آئیم

زندانی سیاسی آزاد باید گردد
لغو کامل مجازات اعدام
کارگر زندانی آزاد باید گردد

Deutsch- Iranische Völkerfreundschaftsinitiative – Stuttgart

[http://gozareshgar.com/10.html?&tx_ttnews\[tt_news\]=20692&tx_ttnews\[backPid\]=23&cHash=967dff53e7bea62e4ac29685f61fbc55](http://gozareshgar.com/10.html?&tx_ttnews[tt_news]=20692&tx_ttnews[backPid]=23&cHash=967dff53e7bea62e4ac29685f61fbc55)

ناهج نارنگراک یگتسپم زور هم لو اهناتس آرد راو آریز نارنگراک: نروس زورهب - 55 - اه دتشنون بش هم ین





ناگهان صدای مهیبی آمد و همه چیز در هم کوبیده شد (1). آوار شد. گرد و خاک بر چهره آنها نقش بست و دیگر هیچ صدها کارگر که اغلب آنها زن بودند طعمه سود جونی کنسرن های مالی و کلان سرمایه داران شدند. آمار های اعلام شده گویای ابعاد وحشتناک این فاجعه انسانی است. در آغاز چند ده نفر و بمرور رقم کشته شدگان به بیش از دویست و پنجاه نفر رسیده است (2). همچنین شمار زخمی شدگان تا کنون 1600 نفر اعلام شده است. ساختمان این کارخانه نساجی چنان آوار شده است که جز مخروبه ای از آن باقی نمانده است. جز کارگرانی که در این حادثه جاتسوز جان خود را از دست داده اند هنوز صدها مفقود زیر آوار جستجو می شوند. به گزارش یکی از روزنامه ها امکان دارد هنوز تا 1600 نفر زیر آوار بتون مانده باشند.

این جنایت خاموش برگ سیاه دیگری در پرونده نظام بهره جونی و ناعادلانه سرمایه داری است که (نه مرز می شناسد! و نه از کشتار پابرهنگان و زحمتکشان ابائی دارد). امنیت محیط های کاری تابعی از سودجونی آنهاست. لازم به ذکر است که در حدود چهار هزار و پانصد کارخانه پوشاک در این کشور موجود است.

متوسط حقوق یک کارگر در این کارخانه نساجی بین 50 تا 60 دلار ماهانه بوده است و بنگلادش بعنوان یکی از فقیر ترین کشورهای دنیا محاسبه شده است حال آنکه این کشور پس از چین بلحاظ صادرات پوشاک دومین کشور جهان محسوب می شود. حوادث محیطهای کاری در این کشور سابقه ای طولانی دارد. در سالهای قبل نیز اخبار مشابهی در این زمینه منتشر شده بود. در نوامبر سال گذشته نیز 112 نفر از کارگران یکی از کارخانه های نساجی در داکا در آتش سوختند. سه سال قبل 14 نفر جان خود را از دست دادند و هشت سال پیش با فرو ریختن ساختمان کارخانه 77 کارگر جان خود را از دست دادند.

بدین شکل میتوان بنگلادش را کشتارگاه کارگران و بویژه کارخانه های نساجی نامید. پس از این واقعه در کارخانه ای دیگر در داکا که شکافی در سقف دیده شده بود بلافاصله از سکنه و کارکنان تخلیه شده است. این کارخانه پنج هزار کارگر داشته است. این حادثه به مردم جهان یادآوری می کند که خطر نظام حاکم جهانی بر جوامع انسانی کمتر از فجایع ناشی از حوادث طبیعی مانند زلزله و آتشفشان و سونامی ها نیست.

این واقعه چند روز پیش از مارش جهانی کارگران در سالگرد اول ماه مه صورت گرفته است. میتوان انتظار داشت که مردم کشور بنگلادش به این فاجعه عمومی بی تفاوت نباشند و با اعتراضات گسترده خود در این روز افکار عمومی جهانیان را متوجه وضعیت کارگران در این کشور بنمایند. بی تردید همبستگی کارگران در اقصی نقاط با بازماندگان این حادثه اعلام خواهد شد و اثرگذار خواهد بود. بر طبق گزارشات منتشر شده تا کنونی هزاران کارگر خشمگین ضمن تظاهرات و اعتراضات خود خواستار به مجازات رسیدن مسنولین این تراژدی انسانی شده اند. آنها اعلام کرده اند که با وجود اطلاع مسنولین از شکاف سقف بنونی کارخانه, کارگران مجبور به کار شده اند. تظاهر کنندگان با بستن خیابان های اصلی و تخریب خودرو های دولتی اعتراض خود را نشان دادند و صدها نفر نیز مقر مدیریت و صدور محصولات این کارخانه را محاصره کردند. بی تردید این اعتراضات گسترده تر خواهد شد و این روز در تاریخ مبارزات کارگری در پرونده سیاه نظم حاکم سرمایه داری بعنوان جنایت علیه کارگران حک می شود.

Sooren001@yahoo.de

25.04.2013

1 – از گفته های یکی از کارگران نساجی

2 – گزارش اشپینگل

دش رشتنم

کارتش ا گالپو

روجل
ی‌زکرم هت‌ی‌مک رگراک هار
لابولگ ناری
ی‌گداز
نوب‌یرت ناری
نارگش‌رازگ یربخ گال‌بو
نارگش‌رازگ
تش‌گزاب «

Roxana Talaremi

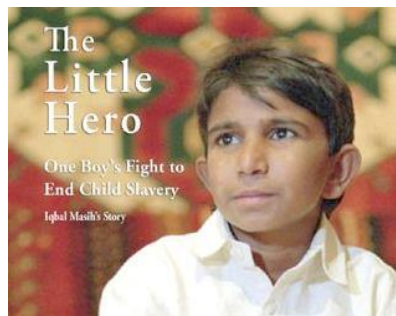
هر کجا که هستیم، روز اول ماه مه را به یک روز اعتراضی مهم بدل کنیم. مهمترین خواست ما لغو فوری کار حرفه ای برای کودکان است!

اقبال مسیح، که بر علیه سرمایه داری و کار بردگی کودکان مبارزه می کرد خشم سرمایه داران پاکستانی را برانگیخته بود به طوری که آن ها، دنبال فرصتی بودند تا این کودک مبارزه را از بین ببرند تا این که سرانجام او را کشتند.

اقبال مسیح، در ۱۶ آوریل سال ۱۹۹۵ در پاکستان به قتل رسید. اقبال، از چهار سالگی مشغول کار بود. اقبال در سال ۱۹۹۴، از طرف سازمان های مبارزه با کار کودکان مورد توجه قرار گرفت و یک سفر طولانی به اروپا داشت تا در مورد کار کودکان در پاکستان و وضعیت خودش به عنوان یک کودک کار صحبت بگوید. او، در کشورهای مختلف از جمله سوئد درباره کار کودکان و لغو آن سخن گفت و جوایزی نیز به او اعطا شد.

مرگ دردناک اقبال مسیح، کودک کارگر دوازده ساله- پاکستانی که علیه بردگی کودکان و برای ایجاد امکان تحصیل و زندگی کودکان کار و رنج مبارزه می کرد، جهان بشری را حیرت زده کرد. چرا که اقبال در زندگی و مبارزه کوتاهش، بردگی کودکان را به موضوع بحث و چالش رسانه ها و مجامع بین‌المللی تبدیل کرد. سازمان «نجات کودک» خبر داد که در طول سال های ۹۷ تا ۹۹، کنفرانس ها و سمینارهای متعددی در زمینه کار کودکان و ممنوعیت آن برگزار خواهد شد. به این ترتیب، در سال های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹، جهان شاهد رژه کودکان کار در دنیا بود. در ماه می ۲۰۰۴، اولین کنگره جهانی علیه کار کودکان در ایتالیا برگزار شد. دولت ایتالیا که میزبان این کنگره بود به ۲۵۰ کودک آسیایی، آمریکای مرکزی و آفریقایی به بهانه امنیتی ویزا نداد و تنها ۲۵ کودک در این کنگره شرکت داشتند. شرکت کنندگان در کنفرانس عبارت بودند از یونسف، سازمان اتحادیه های آزاد، سازمان جهانی کار، تعدادی از نماینده سازمان های آزاد که در رابطه با کار کودکان فعالیت میکنند.

امروزه میلیون ها کودک در کشورهایی نظیر ایران، هندوستان، نپال، پاکستان و... به دلیل فقر و بی کاری و استثمار وحشیانه سرمایه داری، به انجام کارهای خطرناک و ادا شده اند هرگز اقبال را فراموش نمی کنند و دل شان می خواهد هر کدام مبارزی چون اقبال باشند!



!روز جهانی کارگر، اول ماه مه ۲۰۱۳، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ گرامی باد



شغل و حقوق بازنشستگی خوب و تامین اجتماعی از خواسته های امسال فدراسیون اتحادیه های کارگری آلمان در بزرگداشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر در آلمان می باشد .

حامیان مادران پارک لاله - مادران صلح دورتموند، برای خبر رسانی در مورد شرایط کارگران و خواسته های به حق آنان، امسال نیز به همراه سندیکاهای کارگری، گروه ها و فعالان مختلف زنان در دورتموند، در این برنامه که هر ساله هزاران نفر در آن شرکت می کنند و شامل راهپیمایی و سخنرانی نماینده های مختلف اتحادیه ها، نهادها، گروه ها و شخصیت های مختلف سیاسی و جشن می باشد، شرکت خواهند داشت .

ما حامیان مادران پارک لاله دورتموند نیز ضمن حمایت از فراخوان شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران و فراخوان "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران"، به مناسبت گرامیداشت روزی جهانی کارگر خواهان آزادی همه کارگران و فعالان کارگری و معلمان از جمله: « شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بهروز علامه زاده، بهروز نیکوفرد، علیرضا سعیدی، غالب حسینی، علی آزادی، پدram نصرالهی، (رسول بداغی) عضو کانون صنفی معلمان، (عبدالرضا قنبری) عضو کانون صنفی معلمان، مهدی فرحی شاندیز، شریف ساعد پناه، مظفر صالح نیا » می باشیم .

ما حامیان مادران پارک لاله ضمن تاکید بر سه خواسته همیشگی خود، " از حقوق و خواسته های انسانی کارگران و معلمان دفاع می کنیم و خواستار لغو فوری احکام جاری اعدام و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و کارگران و معلمان می باشیم .

ما هر گونه فشار بر کارگران، معلمان، دانشجویان، وکلا، فعالین حقوق بشر، اقلیت ها، زنان، کودکان، مادران پارک لاله، مادران خاوران و حامیان آنان را که برای اعتراض به ابتدایی ترین حقوق خود مورد تعرض قرار گرفته اند و در زندان بسر می برند، به شدت محکوم می کنیم."

ما حامیان مادران پارک لاله ایران در شهر دورتموند آلمان، با تقدیم برنامه امسال خود به مادر و خانواده شجاع ستار بهشتی و به یاد این انسان شریف و کارگر وبلاگ نویس قهرمان که جان خود را زیر وحشیانه ترین شکنجه های قرون وسطایی از دست داد، برگزار خواهیم کرد .

زنده باد همبستگی همه انسان های آزادیخواه و حق طلب در جهان

حامیان مادران پارک لاله - مادران صلح دورتموند

دیدار ما روز چهارشنبه اول ماه مه ۲۰۱۳، ساعت ۱۰:۳۰ صبح
در خیابان کمپ سر خیابان ودپوت در مرکز شهر دورتموند برای سخنرانی
ساعت ۱۱ شروع راهپیمایی بطرف پارک وستفالن
و تا ساعت ۱۸ در مراسم جشن روز کارگر در پارک وستفالن

سرداً : von der Kampstraße / Ecke Weddepoth zum Westfalenpark
Westfalenpark- An der Buschmühle 3 - 44139 Dortmund

http://madaransolhdortmund.blogspot.de/2013/04/blog-post_22.html

http://madaransolhdortmund.blogspot.de/2013/04/blog-post_25.html

<http://www.we-change.org/spip.php?article10388>

بزرگداشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران

اول ماه مه ۲۰۱۳



فرارسیدن اول ماه مه (11 اردیبهشت)، روز جهانی کارگر را به کارگران و زحمتکشان جهان تبریک می گوئیم. این روز تاریخی که در بیشتر کشورهای جهان به عنوان تعطیل رسمی پذیرفته شده است، بیانگر همبستگی بین المللی نیروهای کار و کارگری است. در روز اول ماه مه، تشکل های کارگری در حین ابراز همبستگی بین المللی با یکدیگر با تاکید بر مطالبات دمکراتیک و حق طلبانه خود و در مبارزه با قدرتهای بازدارنده محلی و جهانی، همگام و متحد در همایش های سراسری شرکت می کنند.

امسال، اول ماه مه در حالی برگزار میشود که بحران کم نظیر اقتصادی در سطح جهان ادامه دارد. بحرانی که بیش از هر چیز مولود فعالیت های سودجویانه و غیر کنترل شده از جانب سرمایه های مالی در سه دهه گذشته بوده و تأثیرات خاتمان براندازی در زندگی اکثریت مردم، به ویژه زحمتکشان و محرومان گذاشته است.

بیکاری گسترده، کاهش میزان تولید، افزایش قیمت کالاها، عدم امنیت شغلی، اتخاذ سیاست های صرفه جویانه دولتی و لغو بسیاری از برنامه های رفاهی، بالا رفتن مالیات ها و پائین آوردن سطح دستمزدها، نتایج مستقیم این بحران جهانی سرمایه داری بوده است. آثار این بحران عمیق اقتصادی و سیاست های محافظه کارانه (و نه توسعه گرایانه) مالی در زندگی طبقات محروم جامعه، به مراتب مخرب تر بوده و از جمله به افزایش شدید فقر و فاصله عظیم طبقاتی در سطح دنیا منجر شده است. آنچه امروز در کشورهای اسپانیا، پرتغال، ایرلند، یونان، قبرس...، نمونه های بارزی از نتایج سیاستهای نئولیبرالیسم در قبال تداوم بحران جهانی در چند سال گذشته است.

متأسفانه مبارزات آزیخواهی (بهار عربی) مردم که از دو سال پیش در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه آغاز شد و با سقوط حکومت هاب خود کامه، رسیدن به تحولات دمکراتیک و پیشرفته را نوید می داد، به خاطر نبود سازماندهی لازم در میان افراد و گروه های دمکرات، سکولار و مترقی، قدرت یافتن جریانات اسلامی قشری - افراطی در عرصه سیاسی و حکومتی، و دخالت مستقیم و غیر مستقیم نیروهای خارجی، امکان برون رفت از بحران سیاسی و اقتصادی در این جوامع نیز در هاله ای از ابهام قرار گرفته است.

در کشورمان ایران، به دلیل اتخاذ سیاست های اقتصادی نادرست و غیر مردمی از طرف حکومتگران و سیستم رانت خواری، به رغم وجود منابع عظیم طبیعی و انسانی، ناعدالتهای اقتصادی، محرومیت و فقر بیش از گذشته افزایش یافته است. فقدان یک برنامه اقتصادی در راستای افزایش تولید داخلی و تحریم های اقتصادی که از طرف بخش عمده ای از جامعه جهانی برای مقابله با سیاست های ماجراجویانه هسته ای از طرف جمهوری اسلامی، اعمال شده اند، باعث سقوط ارزش پول در کشور و گرانی های طاقت فرسا و غیر قابل کنترل و کاهش در قدرت خرید و تهیه معاش روزانه برای اکثریت قاطع مردم، به ویژه کارگران و طبقات محروم گشته اند.

تعویق در پرداخت طولانی مدت حقوق به کارگران در بخش های دولتی و خصوصی و حداقل دستمزد آنان که هیچ رابطه معقولی با نرخ تورم ندارد، باعث گسترش فقر شدید و گرسنگی واقعی، به ویژه در بین طبقات زحمتکش و حقوق بگیر جامعه گردیده است. روزی نیست که در مقابل مجلس و مراکز کار و نهادهای اجتماعی شاهد اعتراضات کارگرانی که خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده شان هستند نباشیم. متأسفانه، برخورد مسئولان جمهوری اسلامی به مطالبات بر حق کارگران و گروه های مدافع آنها، همواره همان ادامه سیاستسربوب و توسل به دستگیری و شکنجه فعالین مستقل کارگری و سندیکائی میباشد. همچنین عدم پابندی حکومت به امضاء میثاق بین المللی منع بهره کشی از کودکان و رعایت نکردن موازین قانونی، باعث بهره کشی از کودکان دروسیع ترین و دردناکترین شکلش در ایران شده است.

اقتصاد ایران بیش از پیش در انحصار بخش های نظامی قرار گرفته و سپاه پاسداران در جایگاه یکی از عمده ترین کارفرماها، بخش های سود آور اقتصادی را تحت کنترل خود درآورده است. بسیاری از سران سپاه به سرمایه داران بزرگی تبدیل گشته اند و از طریق غارت و چپاول دارائی ملی، ثروت عظیم چندین میلیاردی به جیب زده اند. اقتصاد کشور توسط مجموعه ای از حکومتگران، وابستگان آنها و مسئولان رده بالای سپاه کنترل می شود. اتخاذ سیاستهای اقتصادی ضد ملی در راستای منفعت جویی برای خودیها، باعث ایجاد یکسیستم رانتی (غیر مولد) و فاسد گشته است. سلطه روابط انگلی و انحصاری در صنایع و موسسات بزرگ، همراه با ادامه تحریم های فلج کننده از خارج، کشور را در آستانه ورشکستگی کامل اقتصادی قرار داده است که وجود تورم ۳۱ درصدی یکی از نشانه های آشکار آن است.

کارگران ایران در طول سی و چهار سال حکومت استبدادی-مذهبی جمهوری اسلامی همواره از یکی از اولیه ترین حقوق دمکراتیک خود، یعنی حق تشکیل سندیکا های مستقل کارگری محروم بوده اند و فعالین کارگری همواره بازداشت، شکنجه و به زندان محکوم شده اند. ادامه سیاست های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و پاسخ ندادن به خواسته های حق طلبانه کارگران و زحمتکشان، هرگونه توهمی را در باره ماهیت ضد مردمی این نظام زوده است. حکومتگران در ایران از پیوند خوردن اعتراضات صنفی-سیاسی کارگری با حرکت های مطالباتی دیگر طبقات و ائتشار جامعه هراس دارند و برای مقابله با وسعت یافتن جنبه مبارزات مردم برای آزادی و دمکراسی، همواره به تشدید موازین امنیتی و سرکوبگرانه متوسل می شوند.

شبکه «همبستگی برای حقوق بشر در ایران» همگام با کارگران و زحمتکشان ایران خواستار موارد زیر میباشد:

پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و افزایش حقوق حداقل و متناسب با نرخ تورم در کشور؛ امنیت شغلی؛ لغو قراردادهای موقت؛ رفع تبعیض جنسی، قومی و مذهبی در محیط کار؛ بهره مندی زنان از مرخصی زایمان با حقوق و حق برخورداری از مهد کودک رایگان؛ برای کار مساوی، دستمزد مساوی با مردان برای زنان؛ به رسمیت شناختن حق تشکل های مستقل کارگری و حق اعتصاب؛ پذیرش قوانین و استانداردهای بین المللی و تدوین و تصویب قانون کار جدید با شرکت مستقیم نمایندگان واقعی کارگران و اجرای آن؛ حقوق انسانبیرای کارگران مهاجر و خانواده هایشان؛ تعطیل رسمی اول ماه مه و برداشتن محدودیت برای برگزاری مراسم در این روز ارزشمند تاریخی برای کارگران.

همچنین، ما همراه با کارگران ایران، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، حق اعتراض و تجمع، آزادی بیان و مطبوعات، رفع هرگونه تبعیض جنسی، قومی و مذهبی، ممنوعیت کار کودکان و حمایت از حقوق آنان و بهره مندیشان از آموزش رایگان هستیم. مطالباتی که در طی ۳۴ سال حاکمیت جمهوری اسلامی پاسخی به آنان داده نشده است.

ما از نهادها و انجمن های حقوق بشری، مدنی - سیاسی دعوت می کنیم تا همگام و هماهنگ با تشکل های کارگری در جهان، با شرکت در همایش های بین المللی به مناسبت بزرگداشت روز کارگر و از طریق برگزاری کنفرانس، سمینار، راهپیمائی و هر اقدام ابتکاری دیگر، این روز مهم را گرمی داشته و در تماس و ارتباط با مراکز و ارگانهای دمکراتیک کارگری در سطح جهان، اعتراض فعالین کارگری و مدنی ایران را در مورد نقض حقوق کارگران، زحمتکشان و دیگر ائتشار جامعه، هر چه رساتر در سطح جهان منعکس کنند.

همبستگی برای حقوق بشر در ایران



اگر به عنوان یک نهاد می‌خواهید این فراخوان را امضا کنید، با ایمیل زیر تماس بگیرید :

free.iran.for.all.iranians@gmail.com

امضاء کنندگان:

- ۱- اتحاد برای ایران - بلژیک
- ۲- اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - امریکای شمالی
- ۳- اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - نیویورک
- ۴- اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - شیکاگو
- ۵- اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - لوس آنجلس
- ۶- بنیاد اسماعیل خوبی - اتلانتا
- ۷- کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی - پاریس
- ۸- فدراسیون اروپا - بلژیک
- ۹- کانون ایران آزاد
- ۱۰- مادران پارک لاله ایران
- ۱۱- حامیان مادران پارک لاله - ایتالیا
- ۱۲- حامیان مادران پارک لاله - دورتموند
- ۱۳- حامیان مادران پارک لاله - ژنو
- ۱۴- حامیان مادران پارک لاله - هامبورگ
- ۱۵- حامیان مادران پارک لاله - اسلو/ نروژ
- ۱۶- حامیان مادران پارک لاله - لوس آنجلس/ ولی
- ۱۷- جنبش سبز کاردیف
- ۱۸- صدای موج سبز - لندن
- ۱۹- انجمن همبستگی ایرانیان - دالاس
- ۲۰- کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - شیکاگو
- ۲۱- اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - مونترال
- ۲۲- مادران صلح - مونترال
- ۲۳- اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - تورانتو
- ۲۴- انجمن فرهنگی ایران و سوئیس
- ۲۵- جمعیت دفاع از حقوق مردم ایران - اتریش
- ۲۶- جامعه مدافعان حقوق بشر و دموکراسی - هامبورگ

شورای مدافعان حقوق بشر بدون مرز - سوئد - ۲۷

خانه همبستگی مهر - کلن - ۲۸

در دومین سال خاموشی اش

دوسال پیش، در 22 آوریل 2011، بهزاد کاظمی از میان ما رفت؛ جان سرکشی که ادای سهم در تغییر جهان کنونی را مهمترین وظیفه و هدف خود در زندگی می دانست و نزدیک به چهل سال بطور خستگی ناپذیر در راه آرمان های سوسیالیستی مبارزه کرده بود، در بیمارستانی در لندن، در تبعید، خاموش شد.

بهزاد کاظمی - نامی که علیرضا به یاد یکی از جان باختگان "گرایش سوسیالیسم انقلابی" بر گزیده بود- در پیش از انقلاب برای تحصیل به انگلستان آمد. او مانند بسیاری از دانشجویان ایرانی در خارج از کشور با اندیشه های چپ و انقلابی آشنا شد و به صفوف مبارزه انقلابی علیه حکومت استبدادی شاه پیوست. بهزاد در جریان انقلاب 1357 به تهران، شهر زادگاهش بازگشت و در مبارزات انقلابی مردم علیه رژیم استبدادی سلطنت، شرکت کرد. لحظات توفانی و خاطرات آن انقلاب، به ویژه در روزهای پر تلاطم سیاسی که سرانجام منتهی به قیام بهمن در تهران شد، تا پایان عمر در ذهن او نقش بسته بود. او از وقایع و نتایج آن انقلاب، درس ها آموخته بود و از آن به عنوان بزرگترین تجربه زندگی خود یاد می کرد.

با شکست انقلاب و سرکوب آزادی های بر آمده از انقلاب توسط رژیم جمهوری اسلامی، بهزاد نیز مانند هزاران فعال سیاسی و انقلابی، مجبور به ترک کشور شد. او به انگلستان بازگشت و همچون یک سوسیالیست و انترناسیونالیست به فعالیت های خود ادامه داد. آشنایی او با جریان های سوسیالیستی و چپ بین المللی به او امکان می داد که در سطوح معین با جریان های سوسیالیستی و کارگری در انگلستان ارتباط برقرار سازد و همکاری کند. او در همان حال عضو و از فعالین پیگیر گروهی از سوسیالیست های ایرانی بود که با عنوان گرایش سوسیالیسم و انقلاب فعالیت می کردند. بهزاد علاوه بر فعالیت های عملی و کمپینی، از دست اندرکاران نشریه ای بود که با نام "سوسیالیسم و انقلاب" انتشار می یافت و به مباحث نظری و پژوهش های سوسیالیستی می پرداخت. بهزاد همچنین به همراه تعدادی از فعالین سوسیالیست ایرانی و غیر ایرانی عضو کارزاری بود که تحت عنوان "کمپین علیه سرکوب در ایران" (کاری) از اواخر دهه هشتاد تا اوایل دهه نود میلادی، فعالیت داشت. هدف کمپین، جلب حمایت جنبش کارگری و سوسیالیستی و جریان ها و شخصیت های مترقی بریتانیا علیه سرکوب و اختناق در ایران بود. در همان حال بهزاد از بنیان گذاران "انجمن ایرانیان سوسیالیست" بود که بطور مرتب، جلسات عمومی سخنرانی و بحث پیرامون مباحث نظری سوسیالیستی بر گزار می کرد. بهزاد پای ثابت، فعال و دخالت گر این نشست ها بود. در سال 1999 کتاب "ملی گرایان و افسانه دموکراسی" که حاصل چند سال کار پژوهشی بهزاد بود، در خارج از کشور منتشر شد. کتاب، همان طور که در عنوان کوچک تر آن نیز آمده است، به واکاوی و بررسی "کارنامه مصدق در پرتو جنبش کارگری و دموکراسی سوسیالیستی" می پردازد. استدلال و تز اصلی بهزاد در کتاب این است که مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم، نه دو مبارزه مجزا، بلکه اساسا مبارزه ای واحد است؛ زیرا مبارزه واقعی برای دموکراسی همانا مبارزه برای اهداف سوسیالیستی است. کتاب بر مبنای همین تز و با تحلیل تاریخی وقایع سالهای بین 1320 تا کودتای ننگین 28 مرداد 1932، نشان می دهد که ادعای مبارزه برای دموکراسی از سوی ملی گرایان، بی اساس و غیر واقعی است. کتاب از منظر دیگر، کارنامه حزب توده در این دوران و نقش این حزب را به ویژه در جنبش کارگری مورد بررسی قرار می دهد و استدلال می کند که رویکرد حزب توده به مبارزات و جنبش کارگری نه به منظور تقویت این جنبش برای دست یابی به خواست ها و اهداف واقعی آن، بلکه اساسا استفاده ابزاری از جنبش کارگری برای رسیدن به مقاصد سیاسی بوده است. بهزاد، کتاب را "به رفقای گرایش سوسیالیسم انقلابی سازمان چریک های فدایی خلق که در ضربه های سال 1360 به دست مزدوران سرمایه جان باختند" تقدیم کرده بود.

در نخستین دهه هزاره سوم، که متأسفانه آخرین دهه زندگی بهزاد بود، او بطور همزمان در سه عرصه متفاوت اما مرتبط با هم فعالیت می کرد: بهزاد از پایه گذران و اداره کنندگان اتاق اینترنتی "اتحاد سوسیالیست ها" بود. سازماندهی منظم جلسات سخنرانی و بحث و گفتگو در مورد مباحث میرم نظری، بویژه در مورد مسایل جنبش سوسیالیستی و کارگری، زنان و دانشجویان، از ویژگی های این اتاق بود. کار اتاق اتحاد سوسیالیست ها اما تنها به مباحث نظری محدود نمی شد، بلکه فعالیت در عرصه عمل را نیز تسهیل می کرد؛ برای نمونه تعدادی از فعالین کارگری از ایران، برای نخستین بار از طریق این اتاق توانستند با دیگر فعالین کارگری و اجتماعی در داخل و خارج از کشور به گفتگو بنشینند و تبادل نظر کنند. اتاق اتحاد سوسیالیست ها همچنین در زمینه شکل گیری چندین کارزار سراسری برای حمایت از فعالین کارگری زندانی و دیگر زندانیان سیاسی را فراهم کرد. نقش بهزاد در فعالیت های این اتاق بسیار برجسته بود.

بهزاد از فعالین پیگیر، قدیمی و ثابت قدم "اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران" بود. آشنایی او با تاریخ جنبش کارگری انگلستان و ارتباط او با فعالین و تشکل های کارگری، جریان های سوسیالیستی و شخصیت مترقی در انگلستان، این امکان را فراهم کرده بود که او بتواند نقش مهمی در کارزارهای بین المللی در پشتیبانی از مبارزات کارگری در ایران ایفا کند. بهزاد در کنار زنده یاد دیاله خسرو شاهی و دیگر فعالین کارگری، سهم بسیار ارزنده ای در شناساندن مبارزات کارگری و تاریخ جنبش کارگری ایران به جنبش کارگری بریتانیا و فعالین این جنبش داشت. بهزاد بطور مشخص در برپایی تعدادی از کمپین های حمایتی نهادی های کارگری و شخصیت های مترقی از فعالین کارگری زندانی در ایران، نقش فعال و بسیار ارزنده ای ایفا کرد. او چند روز پیش از آنکه در بیمارستان بستری شود، در نشست عمومی که در مورد خیزش مردم مصر بر گزار شده بود شرکت کرد و با اشاره به جنبش کارگری ایران بر لزوم همبستگی کارگری در منطقه خاور میانه و حمایت جنبش کارگری بین المللی از مبارزات کارگری منطقه تاکید نمود. این آخرین حضور بهزاد در یک مراسم عمومی بود.

بهزاد کاظمی همچنین از بنیان گذران نشریه پژوهش های سوسیالیستی "سامان نو" بود که نخستین شماره آن در سال 2007 انتشار یافت. سیزدهمین شماره نشریه، بلافاصله بعد از خاموشی بهزاد منتشر شد. طبق روال همیشه، او آخرین کارهای آماده سازی این شماره را نیز بر عهده داشت. هنگام کار بر روی این شماره نشریه بود که بهزاد در پشت کامپیوتر از حال رفت و سپس به بیمارستانی در لندن منتقل شد؛ جایی که دیگر زنده از آن باز نگشت.

زندگی مبارزاتی بهزاد، نمونه و تجسمی از تلفیق کار نظری با پراتیک و عمل بود. او به مباحث نظری بسیار اهمیت می داد. اما نظریه و تئوری در نزد او اهمیت در خود نداشت، بلکه نظریه، پرتوی بود که بر عمل می تابید تا عمل، آگاهانه باشد. او هم پژوهش می کرد و هم به آنچه از لحاظ فکری و نظری رسیده بود و باور داشت، عمل می کرد.

بهزاد همچون یک سوسیالیست انقلابی، نابرابری حقوقی و اجتماعی بین زنان و مردان را برنمی تابید. تا آنجا که می توانست از مبارزات و کمپین های برابری طلبانه حمایت می کرد؛ در تظاهرات های اعتراضی علیه بی حقوقی زنان، در نشست ها و سمینار های مربوط به مسایل جنبش زنان حضور داشت و فعالانه در بحث ها شرکت می کرد. او با بسیاری از فعالین جنبش زنان ارتباط داشت و سعی می کرد که از تجارب آنان بیاموزد و به سهم خویش آنان را در مبارزه یاری دهد.

در دهه های 1990 و 2000 که ایده برابری طلبی، چپ و سوسیالیستی کارگری مورد هجوم تبلیغات گسترده ی نظریه پردازان سرمایه داری قرار گرفته بود، و پایان تاریخ و دوران آرمان خواهی را اعلام کرده بودند، بهزاد، استوار بر سر آرمانهای انسانی و سوسیالیستی خویش ایستاد و به سهم خویش تلاش کرد که نیروهای پراکنده جنبش کارگری و سوسیالیستی سامان یابی بهتری یابد. آشنایی و ارتباط

گسترده او با نیروها و افراد و جریان های مختلف سوسیالیستی- کارگری و مترقی پشتوانه تلاش هایش بود. بهزاد کاظمی به ویژه در دهه پایانی عمر خود، چراغ رابطه ای بود در جدال با خاموشی، یاس و تاریکی.
با خاموشی بهزاد، جنبش کارگری و سوسیالیستی یکی از رهروان پر کوش خود را از دست داد.
یادش را گرامی و چراغ های رابطه را برای رهایی، همچنان روشن نگاه می داریم.
اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - واحد انگلستان
14 آوریل 2013

اخبار و گزارشات کارگری

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

مستحکم باد، همبستگی کارگران جهان

زنده باد اتحاد عمل تشکل های مستقل کارگری و فعالین کارگری در ایران

اخبار و گزارشات کارگری 6 اردیبهشت ماه 1392

- اعتصاب کارگران بخش خدمات موتورهای شهرداری شوشتر در اعتراض به عدم دریافت چندین ماه حقوق

- 600 ناجی غریق مازندران از سال گذشته تاکنون حقوقی دریافت نکرده اند

- اعتراض کارگران صنعت پوشاک در بنگلادش نسبت به شرایط کار

- اعتراض به سیاست های ریاضت اقتصادی در ایرلند و پرتغال

اعتصاب کارگران بخش خدمات موتورهای شهرداری شوشتر در اعتراض به عدم دریافت چندین ماه حقوق

به گزارش 5 اردیبهشت سایت شوشترنامه، کارگران بخش خدمات موتورهای شهرداری شوشتر در اعتراض به عدم پرداخت 9 تا 11 ماهه حقوقشان، از چهار روز پیش دست به اعتصاب زده اند و اعتصابشان کماکان ادامه دارد.

600 ناجی غریق مازندران از سال گذشته تاکنون حقوقی دریافت نکرده اند

به گزارش 6 اردیبهشت سایت شمال ورزشی، شاید برای شنونده باور نکردنی باشد بشنود ناجیان غریق دریای مازندران از سال گذشته تاکنون حقوق خود را دریافت نکرده اند.

موضوع عدم پرداخت حقوق ناجیان غریق در مازندران بارها از طریق رسانه ها و حتی خود ناجیان غریق مطرح شد که تاکنون نه گزارشی کارساز بود و نه گلیه هایی که از جانب ناجیان غریق مطرح شد و نه مسئولی حاضر به پاسخگویی در این زمینه می باشد.

در سال گذشته نزدیک به 600 نفر ناجی کار امداد و نجات افرادی که در سواحل مازندران دچار مشکل و حادثه شده بودند را بر عهده داشته و حضور ذی قیمت آنها بارها و بارها باعث نجات افراد و مانع از غرق شدن آنها شد.

البته در قبال این زحمت ها قراردادی هم منعقد شد که طی آن مقرر شد ماهانه هر ناجی در قبال خطرات پرشماری که این کار دارد تنها 450 هزار تومان حقوق دریافت کند و در این بین استانداری مازندران متعهد به پرداخت حقوق ناجیان غریق شد اما تنها مبلغی که ناجیان غریق از استانداری مازندران بابت حقوق و مزایا دریافت کردند حقوق ماه اول بود.

عدم اجرای تعهد استانداری مازندران نسبت به این مساله نیز با واکنش ناجیان غریق و حسین اسلامی رئیس هیئت ناجیان غریق استان قرار گرفت تا آنجا که وی اعلام داشت: بحران عدم پرداخت حقوق ناجیان غریق به حدی جدی است که خانواده‌های ناجیان غریق برای پرداخت مطالباتشان با من تماس می‌گیرند. ناجیان غریق اگر در سطح سواحل دریا بلال فروشی می‌کردند ماهیانه حدود یک میلیون تومان درآمد داشتند در حالیکه این افراد در حال حاضر لنگ ماهانه 450 هزار تومان پول هستند.

مسئولان استان مازندران اگر چه از تامین اعتبار 450 میلیون تومان هزینه حقوق ناجیان غریق مازندران به حساب اداره کل ورزش و جوانان استان مازندران خبر داده بودند اما سرنوشت این پول نیز مشخص نیست و این دستگاه با وجود رسانه‌ای شدن این موضوع ترجیح داد که سکوت کند.

اعتراض کارگران صنعت پوشاک در بنگلادش نسبت به شرایط کار

تعداد قربانیان سقوط ساختمان «رانا پلاز» واقع در سی کیلومتری پایتخت به حدود ۳۰۰ نفر رسیده است و امدادگران روز جمعه ۶۲ نفر را زنده از زیر آوار بیرون آوردند.

به گزارش 26 آوریل یورونیوز، شمار قربانیان سانحه فرو ریختن ساختمانی هشت طبقه در حومه شهر داکا، پایتخت بنگلادش رو به افزایش است. این حادثه، خشم عمومی را نسبت شرایط کار کارگران صنعت پوشاک این کشور برانگیخته است.

همزمان تعدادی از کارگران برای اعتراض به خیابانها آمده و خواستار مجازات صاحبان این ساختمان و کارگاههای تولید پوشاک مستقر در آن، شدند.

پلیس و شاهدان عینی گفته اند که تظاهرکنندگان چند خودرو را آتش زده اند و به چند کارخانه دیگر پوشاک هم آسیب هایی وارد کرده اند.

رامش روی، دبیر کل شورای صنعت بنگلادش و نماینده اتحادیه کارگران صنعتی به خبرنگاران گفت: «دولت، مالکان ساختمان، خریداران انجمن صادرکنندگان و تولید کنندگان پوشاک، همه باید به طور مساوی غرامت بپردازند.»

یکی از مسئولان این صنعت گفته است که با وجود چندین اخطار درباره عدم ایمنی سازه‌های این ساختمان، بیش از ۳۱۰۰ دوزنده پوشاک که عمدتاً زن بودند، در آن کار می‌کردند. در این کارخانه پوشاک، لباسهای ارزان برای مارکهای غربی تهیه می‌شد.

تعداد قربانیان سقوط ساختمان «رانا پلاز» واقع در سی کیلومتری پایتخت به حدود ۳۰۰ نفر رسیده است و امدادگران روز جمعه ۶۲ نفر را زنده از زیر آوار بیرون آوردند.

تا کنون حدود ۲۳۰۰ نفر نجات پیدا کرده اند و دست کم نیمی از آن ها مجروح شده اند.

این رخداد پرسش هایی جدی درباره ایمنی کارگران و دستمزدهای کم در بنگلادش مطرح کرده است. روز جمعه، دومین روز متوالی بود که بسیاری از کارخانه های پوشاک در بنگلادش به حالت تعطیل در آمده اند.

این کشور جنوب آسیا دومین صادر کننده پوشاک در دنیا و تولید کننده محصولات و خدمات ارزان قیمت محسوب می‌شود.

فرو ریختن این ساختمان در روز چهارشنبه سومین سانحه بزرگ صنعتی، طی پنج ماه گذشته در بنگلادش است. در ماه نوامبر آتش سوزی در کارخانه «مد تزرین» در حومه داکا، ۱۱۲ نفر را به کشتن داد.

اعتراض به سیاست های ریاضت اقتصادی در ایرلند پرتغال

به گزارش 26 آوریل یورونیوز، روز چهارشنبه 24 آوریل، همزمان با ارائه طرح ریاضت اقتصادی از جانب دولت ایرلند، دهها نفر با تجمع در مقابل پارلمان این کشور به برنامه ریاضت اقتصادی دولت اعتراض کردند. تجمع کنندگان که به کاهش هزینه های دولتی برای جبران کسری بودجه توسط دولت از طریق کاهش تعداد کارمندان و افزایش مالیات معترض بودند خواستار استعفاي نخست وزیر این کشور شدند.

دولت پرتغال نیز همانند دولت ایرلند برای مقابله با کسری بودجه خود اقدام به کاهش بودجه بخش دولتی برای سال آینده کرده است. به همین دلیل، کارکنان بخش دولتی این کشور روز چهارشنبه در یک اعتصاب سراسری دست به اعتراض زدند. این اعتصاب موجب لغو شدن اکثر پروازهای داخلی و بین المللی در این کشور شد. سندیگاهای این کشور می گویند اعتصاب روز چهارشنبه بزرگترین نوع آن طی دو دهه گذشته بوده است.

دولت پرتغال در بودجه سال آینده خود حقوق کارکنان بخش های دولتی را کاهش داده و اقدام به افزایش مالیات کرده است.

اخبار و گزارشات کارگری اردیبهشت ماه 1392

- افزایش دستمزد کارگران آهن آلات فروش های شهر سنندج

- نگرانی کارگران خدماتی فرودگاه لامرد از شایعه تغییر قرارداد

- همزمان با اعلام نرخ بیکاری در اسپانیا، معترضان به خیابان می آیند

- افزایش بی سابقه بیکاری در فرانسه

- فالجعه ای دیگر برای کارگران نساجی بنگلادش

جان باختن حداقل 230 کارگرو زخمی شدن بیش از 1000 کارگر نساجی بنگلادش که اکثریتشان زن هستند!

سهامداران فروشگاه های زنجیره ای پوشاک غربی در پیش آمدن فجایی از این دست برای کارگران نساجی بنگلادش نقش دارند!

افزایش دستمزد کارگران آهن آلات فروش های شهر سنندج

بر اساس گزارش رسیده کارگران آهن آلات فروشی های سطح شهر سنندج پس از اینکه با گذشت یک ماه از سال جدید دستمزدهایشان افزایش نیافته بود، طی فراخوانی از دیگر کارگران شاغل در آهن آلات فروشی ها خواسته بودند در اعتراض به ثابت ماندن دستمزدهای خود نسبت به سال 91 در روز شنبه مورخ 92/1/31 در مقابل اتحادیه آهن فروشان تجمع کنند. با خبردار شدن کارفرمایان از اینکه کارگران قصد دارند تجمع کنند به آنها قول داده شد که روز شنبه دستمزدهای آنها را افزایش خواهند داد. اما روز شنبه وعده کارفرمایان مقرر نگردید و بار دیگر کارگران تهدید به تجمع در روز یکشنبه مورخ 92/2/1 کردند؛ اما قبل از اینکه کارگران دست به اقدامی عملی بزنند نرخ جدید دستمزد کارگران از سوی کارفرمایان به قرار زیر ابلاغ گردید:

. میل گرد از قرار هر کیلو از 10 تومان به 12 تومان افزایش

. تیر آهن 14 تا 20 هر شاخه از 1200 تومان به 2000 تومان افزایش

. تیر آهن 24 و 27 هر شاخه از 3000 هزار تومان به 5000 هزار تومان افزایش یافت.

(لازم به ذکر است که در مغازه های آهن فروشی کارگر بر اساس میزان وزن آهنی که خریداری می خرد مزد دریافت می کند)

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری- 3 اردیبهشت 1392

نگرانی کارگران خدماتی فرودگاه لامرد از شایعه تغییر قرارداد

به گزارش 5 اردیبهشت اینلنا محدود ۳۰ نفر از نیروهای خدماتی فرودگاه لامرد در استان فارس نسبت به تغییر وضعیت قراردادی شان از مستقیم به شرکتی ابراز نگرانی کردند.

بر اساس این گزارش، یکی از کارگران خدماتی فرودگاه لامرد در این باره گفت: فرودگاه شهرستان لامرد در استان فارس قصد دارد قرارداد حدود ۳۰ نفر از نیروهای خدماتی قرار داد مستقیم خود را تا پایان خرداد ماه مجدداً تغییر وضعیت داده و به پیمانکار بسپارد.

او با بیان اینکه تبدیل وضعیت این نیروها از قرارداد مستقیم به شرکتی بعد از مصوبه هیئت دولت خلاف قانون است، گفت: این سی کارگر از خرداد ماه سال گذشته طبق مصوبه هیئت دولت از قرارداد شرکتی به قرار داد مستقیم تبدیل وضعیت شده اند و بعد از یازده ماه به آنان گفته شده است پس از اتمام قرارداد (خرادماه) مجدداً باید پیمانکار خصوصی کار کنند.

این کارگر که به نمایندگی از همکارانش سخن می گفت، اظهار داشت: این کارگران در بخشهای تاسیسات، سوخت گیری، تعمیرات فرودگاه لامرد با ده سال سابقه مشغول به کار هستند.

او همچنین گفت: بعد از یازده ماه از اجرای مصوبه هیئت دولت در فرودگاه لامرد هنوز یک نسخه از قرارداد کاری که با فرودگاه منعقد کرده اند، به دستمان نرسیده است.

بنابراین گزارش، گفته می‌شود این تغییر وضعیت قرار داد مختص نیروهای خدماتی این فرودگاه (لامرد) نیست بلکه قرار است تمامی نیروهای خدماتی در کل فرودگاه‌های کشور مجدداً تغییر وضعیت (از قرار داد مستقیم به شرکتی) شوند.

همزمان با اعلام نرخ بیکاری در اسپانیا، معترضان به خیابان می آیند

اسپانیا با 27.2 درصد بیکاری، بعد از یونان بالاترین نرخ بیکاری کشورهای منطقه یورو را به خود

اختصاص داده و در این میان، شرایط جوانان این کشور بسیار ناگوارتر است.

به گزارش 25 آوریل یورونیوز، آمار منتشر شده رسمی در روز پنجشنبه نشان می‌دهد تعداد بیکاران در اسپانیا از مرز شش میلیون نفر عبور کرده است.

در حالیکه سیاستهای ریاضتی دولت نتوانسته این کشور را از گرداب بحران مالی و بانکی نجات دهد، دولت محافظه کار این کشور بنا دارد برنامه ریاضتی جدیدی را به کمیسیون اروپا ارائه کند.

رسانه ها و جراید اسپانیایی با پرداختن به این موضوع در روز پنجشنبه، به بازتاب مشکلات معیشتی خانواده ها که هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود پرداختند.

اسپانیا با 27.2 درصد بیکاری، بعد از یونان بالاترین نرخ بیکاری کشورهای منطقه یورو را به خود

اختصاص داده و در این میان، شرایط جوانان این کشور بسیار ناگوارتر است.

یکی از شهروندان اسپانیا می‌گوید: « خانواده ما چهار نفری است و همه ما بالای سن قانونی هستیم و هر چهار نفر بیکار. من و همسر از یازده های دولت استفاده می‌کنیم و در عین حال باید قسط بدهیم. این قضیه است که ما را خرد می‌کند.»

یکی دیگر از ناراضیان معتقد است: « نمی‌دانم دولت چه کاری باید انجام بدهد برای اینکه اصلاً قضیه را درک نمی‌کنم. ولی به هر حال آنها باید کاری بکنند برای اینکه هر روز تعداد بیکاران افزایش پیدا می‌کند و اگر آنها بخواهند باز هم میزان خدمات را پایین بیاورند و یا آنطور که شنیده ام سن بازنشستگی را بالاتر ببرند نمی‌دانم کار ما به کجا خواهد کشید.»

معترضان اسپانیایی در نظر دارند در آستانه ارائه طرح ریاضتی جدید ماریانو راخوی نخست وزیر این کشور به کمیسیون اروپا، در خیابانها تجمع کنند.

افزایش بی سابقه بیکاری در فرانسه

به گزارش 25 آوریل یورونیوز، وزارت کار فرانسه در تازه ترین گزارش خود از افزایش بی سابقه بیکاری خبر داد. در این گزارش آمده است که طی ماه مارس گذشته نزدیک به ۳۷ هزار نفر در مراکز کاریابی دولتی ثبت نام کردند. در نتیجه تعداد بیکاران کل کشور از مرز ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر گذشت و رکورد تاریخی سال ۱۹۹۷ شکسته شد.

بر اساس این گزارش، نرخ بیکاری در فرانسه طی ۲۳ ماه اخیر به طور مداوم افزایش داشته است.

فرانسوا اولاند، رئیس جمهوری فرانسه پیش تر تاکید کرده بود که تدابیر ویژه دولت برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور در ماه های پیش رو تاثیر گذار خواهد بود و تا پایان سال ۲۰۱۳ نرخ بیکاری کاهش خواهد یافت.

اما برخلاف نظر رئیس جمهوری، صندوق بین المللی پول، نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۴ را با اندکی افزایش ۱۱/۶ درصد جمعیت فعال فرانسه تخمین زده است.

فاجعه ای دیگر برای کارگران نساجی بنگلادش

جان باختن حداقل 230 کارگرو زخمی شدن بیش از 1000 کارگرنساجی بنگلادش که اکثریتشان زن هستند!

سهامداران فروشگاه های زنجیره ای پوشاک غربی درپیش آمدن فجایی از این دست برای کارگران نساجی بنگلادش نقش دارند!

اخبار و گزارشات کارگری-25 آوریل 2013: بنا به گزارشات منتشره بتاریخ 25 آوریل، درپی حادثه ریزش ساختمان مجتمع کارگاه های دوزندگی در حومه داکا پایتخت بنگلادش حداقل 230 کارگر کشته و بیش از هزار کارگرو زخمی شدند.

در این مجتمع دوزندگی حدود 3000 کارگر مشغول بکار بوده اند که اکثریتشان رازنان تشکیل می دادند. بنا به گزارش پلیس تاکنون 1500 کارگر از زیر آوار خارج شده اند و بیش از 1000 نفر هنوز گرفتارند و از سرنوشتشان اطلاعی درست نیست. عملیات جستجو کماکان ادامه دارد.

بنا به گفته یکی از کارگران این مجتمع دوزندگی البسه، پیش از این از جانب کارگران نسبت به وضعیت خطرناک این ساختمان در رابطه با عدم ایمنی و عدم استقامتش، به مالک ساختمان و کارفرمایان هشدار داده شده بود.

اما آنهابجای اقدامات لازم جهت پیشگیری فاجعه و تعطیلی این مجتمع صنعتی، کارگران رابه کارکردن در کارگاه ها وداشتند و تهدیدشان کردند در صورت سرپیچی اخراج خواهندشد.

بنا به ادعا پلیس حکمی هم مبنی بر تعطیلی این کارخانه پوشاکقبلا صادر شده بود. اما مالک ساختمان که یکی از اعضای حزب در قدرت بنگلادش است هیچ اقدامی در رابطه با تعطیلی این مجتمع تولیدی انجام نداد.

بنا به ادعای نخست وزیر بنگلادش مالک ساختمان پس از این حادثه متواری شده است.

در مجتمع رعنا 5 کارگاه دوزندگی پوشاک وجود داشت که از فروشگاه های زنجیره ای پوشاک غربی از جمله مانگواسپانیا و پریمارک انگلستان سفارش می گرفتند و برایشان لباس صادر می کردند.

فعالین فدراسیون کارگران نساجی و صنعت بنگلادش، از پیدا کردن اتیکت های مارک تکس متعلق به فروشگاه زنجیره ای فرانسوی کارفور خبر داده اند.

تاکنون فروشگاه زنجیره ای پوشاک انگلیسی پریمارک تایید کرده است که به این کارگاه های دوزندگی سفارش داده است و بخشی از البسه اش در این کارگاه ها دوخته می شده است.

مانگو هم از آماده شدن سفارش مشتمل بر 25000 هزار آرتیکل در این کارگاه ها خبر داده است.

فعالین فدراسیون کارگران نساجی بنگلادش مدارکی دال بر سفارش و دوخت پوشاک برای مارک های ایتالیایی بنتون و نیو و ایو استیل ارائه داده اند.

گروه دفاع از کارگران نساجی که مرکزش در آمستردام هلند است از پیدا شدن اتیکت مارک اروپایی - ت اند آخبر داده است.

شواهدی هم بردوخته شدن لباس برای فروشگاه های زنجیره ای آمریکایی وال مارت در این مجتمع وجود دارد.

قابل یادآوری است، در نوامبر 2012 بدنبال آتش سوزی در کارخانه نساجی تامین کننده البسه برای فروشگاه زنجیره ای پوشاک آمریکایی وال مارت بیش از 111 کارگر جان باختند.

با پیش آمدن فاجعه چهارشنبه 24 آوریل در حومه داکا، بار دیگر بحث درباره غیرایمنی بودن ساختمان کارخانجات نساجی بنگلادش، دومین کشور، تامین کننده پوشاک برای مارک های غربی در جهان از یکطرف و نقش غیر قابل چشم پوششی فروشگاه های زنجیره ای پوشاک غربی در این رابطه، بالا گرفته است.

امروز پنجشنبه 25 آوریل ده ها هزار کارگر صنایع نساجی بنگلادش در همبستگی با همکارانشان دست به تظاهرات زدند و خواهان بسته شدن صدها کارخانه غیرایمن و مجازات مسببین این فاجعه، شده اند.

فاجعه دیروز در صنعت نساجی بنگلادش و جان باختن حداقل 230 کارگر و زخمی شدن بیش از 1000 کارگر نساجی بنگلادش که اکثریتشان زن هستند، بار دیگر نقش سرمایه داران غربی و سهامداران فروشگاه های زنجیره ای پوشاک غربی را در این رابطه، برملا ساخت.

سرمایه دارانی که با آگاهی بر نا ایمن بودن کارخانجات نساجی بنگلادش برای سود هرچه بیشتر و تامین لباس با قیمت هرچه ارزانتر، به چنین واحدهای صنعتی ناایمن سفارش های کلان می دهند و با آنها قرارداد هایشان را کماکان تمدیدی کنند.

پنج اردیبهشت ماه 1392

اخبار و گزارشات کارگری 4 اردیبهشت ماه 1392

- يك خبر تلخ ديگر از پارس جنوبي

- تجمع کارگزاران مخابرات روستایی جلوی مجلس در اعتراض به عدم پرداخت ۱۴ ماه حقوق و مزایا

- اخراج 10 کارگر شرکت هواپیمایی نصر آسمان

- جان باختن 6 کارگر ساختمانی به دلیل برق گرفتگی در اردیبهیل در سال گذشته

- کشته شدن دهه‌اوزخمی شدن صدها کارگر بدنبال فروریختن ساختمان یک کارخانه در بنگلادش

- اعتصاب کارگران کارخانه پژو-سیترون اولنه (حومه پاریس) و اردیبهیل در ۱۴ ماه گذشته

يك خبر تلخ ديگر از پارس جنوبي

بنا به اطلاعات رسیده، در تاریخ 92/1/30 رئیس کنترل کیفیت و 300 نفر از کارگران پارس جنوبی در پروژه ی پتروشیمی مروارید از مسمومیت غذایی بیمار شدند. مهندس "کارآمد" مالک و مدیر "شرکت محروسازان" که پیمانکار این پروژه و تحصیل کرده ی آلمان است، سعی دارد تا با کمترین هزینه برای غذای پرسنل و کم کردن امکانات حفاظتی کارگاه، بیشترین سود را نصیب شرکت پیمانکاری خود کند. این سودموری موجب استفاده از مواد غذایی فاسد (تخم مرغ تاریخ مصرف گذشته) برای شام کارگران شده که علاوه بر مسمومیت منجر به مرگ جوان 30 ساله ی مسوول QC (کنترل کیفیت) شرکت، 300 نفر از کارگران را نیز دچار بیماری کرد.

پس از این ماجرا سه روز است که کارگران از حاضر شدن در محل کار امتناع می کنند. مدیر شرکت پیمانکاری در پی آن است که مرگ این پرسنل را خودکشی بنمایاند و این مساله کارگران را عصبانی تر کرده است. حذف امکانات کارگری در کارگاه دم دستی ترین ابزار برای کارفرمایان سود اندیش شده و تا کنون بیشترین آسیب را برای زحمتکشان به بار آورده است. عدم نظارت تشکل های کارگری بر وضعیت کار به تداوم این فجایع منجر خواهد شد.

منبع: وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر- 24 آوریل 2013

تجمع کارگزاران مخابرات روستایی جلوی مجلس در اعتراض به عدم پرداخت ۱۴ ماه حقوق و مزایا

به گزارش 4 اردیبهشت خبرگزاری مجلس، امروز چهارشنبه تعدادی از کارگزاران مخابرات روستایی کل استان کشور به دلیل پرداخت نشدن ۱۴ ماه حقوق و مزایای خود، جلوی مجلس تجمع کردند.

براساس این گزارش، تعدادی از کارگزاران مخابرات روستایی کل استان کشور به علت پرداخت نشدن ۱۴ ماه حقوق و مزایای خود و به اجرا در نیامدن مصوبه سال ۸۸ مجلس مبنی بر طرح بیمه کارگزاران مرکز مخابرات روستایی، امروز چهارشنبه (۴ اردیبهشت ماه) جلوی مجلس تجمع کردند.

یکی از این کارگزاران در مورد دلیل تجمع روبروی مجلس، گفت: در سال ۸۸ طرح مذکور در مجلس شورای اسلامی، به تصویب رسید اما متأسفانه شرکت مخابرات ایران هنوز اقدام به اجرای این مصوبه نکرده است.

وی، ادامه داد: با توجه به تأکیدی که از سوی قوه مقننه برای اجرای این مصوبه انجام شده اما ۳ سال است که اجرای طرح بیمه کارگزاران مرکز مخابرات روستایی، با چالش‌های متعددی همراه بوده است.

این کارگزار با بیان اینکه استمرار بیمه و ساماندهی قراردادهای کارگری از جمله خواسته‌های تجمع‌کنندگان است، افزود: بسیاری از این افراد ۱۴ ماه است که از حق بیمه و پرداخت حقوق و مزایا بی‌بهره‌اند و این برای بار ششم است که جلوی درب مجلس جمع شده‌ایم اما متأسفانه به نتیجه مطلوب دست پیدا نکردیم.

اخراج 10 کارگر شرکت هواپیمایی نصر آسمان

کارگزار خراجی شرکت هواپیمایی نصر آسمان: کارفرمایان خصوصی با دور زدن قانون کار، حقوق نیروی کار را نادیده می‌گیرند یا توجه به اینکه قراردادهای نیروهای خدماتی در این شرکت یکسویه و سفید امضاء است، ما اطلاعی از پایان قرار دادکاری مان نداشتیم.

به گزارش 4 اردیبهشت ایلنا، شرکت خدماتی نصر آسمان وابسته به هواپیمایی آسمان قرار داد ۱۰ نفر از نیروهای شرکتی خود را با سوابق ۷ تا ۱۳ سال بعد از اتمام قرارداد کاری‌شان تمدید نکرد.

برپایه این گزارش، یکی از کارگران اخراجی با اعلام این خبر گفت: شرکت تعاونی خدماتی نصر آسمان وابسته به هواپیمایی آسمان قرار داد ۱۰ نفر از نیروهای قرار دادی خود را به دلیل آنچه از سوی کارفرما کاهش بودجه عنوان شده است، تمدید نکرده است.

این کارگر با اشاره به سوابق بالای کارگران اخراج شده، افزود: سابقه کار این نیروهای خدماتی حداقل ۷ و حداکثر ۱۳ سال بصورت مستمر بوده و این شرکت در طول سال‌های خدمت کارگران تنها دو بار قرارداد منعقد کرده و باقی سال‌ها بطور یکسویه با دریافت برگه‌های قرارداد سفید امضاء کارگران را به کار می‌گرفته است.

او با اشاره به اینکه کارفرمایان خصوصی با دور زدن قانون کار، حقوق نیروی کار را نادیده می‌گیرند، اضافه کرد: با توجه به اینکه قراردادهای نیروهای خدماتی در این شرکت یکسویه و سفید امضاء است، ما اطلاعی از پایان قرار دادکاری‌مان نداشتیم.

جان باختن 6 کارگر ساختمانی به دلیل برق گرفتگی در اردیبهل در سال گذشته

به گزارش 4 اردیبهشت مهر، مدیر عامل شرکت برق منطقه ای اردیبهل از مرگ شش کارگر ساختمانی به دلیل برق گرفتگی و بی توجهی به ایمنی محیط کار در این استان خبر داد.

بنا بهمین گزارش، علیرضا علیزاده پیش از ظهر چهارشنبه در حاشیه جلسه شورای فنی استان اردیبهل با یادآوری مرگ این کارگران ساختمانی در سال گذشته به علت برق گرفتگی خواستار توجه ویژه دستگاههای اجرایی به موضوع ایمنی کار شد.

به گفته وی در حال حاضر نزدیک به 50 درصد سوانح ایمنی در محیط های کار مربوط به سیستمهای برق رسانی است.

وی با تاکید به کوتاهی شهرداری ها در اطلاع رسانی مربوط به ایمنی کار بویژه در زمینه برق اضافه کرد: عدم رعایت نکات ایمنی، نصب نادرست داربستهای فلزی و استفاده نادرست و غیر ایمن از ماشین آلات سنگین در مجاورت سیستمهای برق رسانی موجب بروز این حوادث است.

علیزاده تاکید کرد: با توجه به آمار قابل توجه مرگ و میر کارگران ساختمانی ضروری است اطلاع رسانی این حوزه براساس برنامه ریزی مدون و در کوتاه ترین زمان ممکن آغاز شود.

کشته شدن دهها زخمی شدن صدها کارگر بدنبال فروریختن ساختمان یک کارخانه در بنگلادش

به گزارش 24 آوریل یورونیوز، بر اثر فروریختن یک ساختمان در داکا، پایتخت بنگلادش، دست کم ۸۲ تن کشته و بیش از ۷۰۰ تن زخمی شدند.

این ساختمان هشت طبقه شامل یک کارخانه تولید پوشاک و یک مرکز خرید بوده است. هنگام وقوع حادثه نزدیک به دو هزار نفر در محل مشغول به کار بودند.

پلیس محلی تاکید داشته که بلافاصله پس از وقوع حادثه، مامورین آتش نشانی در محل حاضر شدند و در حال امداد رسانی هستند.

به گفته پلیس، باوجود اینکه روز قبل شکافی در دیوارهای ساختمان مشاهده شده بود صاحبان این کارخانه کارگران را از حضور در ساختمان منع نکرده بودند.

فاجعه هایی از این دست در سال های اخیر، به دلیل کم توجهی به استانداردهای ایمنی در این کشور، بارها تکرار شده است. اکتبر سال گذشته ۱۱۲ کارگر بر اثر وقوع حریق در یک کارخانه مشابه تولید پوشاک جان خود را از دست دادند.

اعتصاب کارگران کارخانه پژو-سیتروئن اولنه(حومه پاریس) واردپانزدهمین هفته شد

اخبار و گزارشات کارگری-24 آوریل 2013: کارگران کارخانه پژو- سیتروئن اولنه(حومه پاریس) درمقابل تصمیم مدیریت مبنی بر تعطیلی کارخانه و اخراج 1400 کارگراز 16 ژانویه 2013 دراعتصاب بصرمی برند.

طی این مدت کارگران کارخانه های دیگر پژو- سیتروئن از جمله کارخانه های شهرهای پواسی و سنت آوان جهت اعلام همبستگی در جمع کارگران اعتصابی کارخانه اولنه حاضر شدند. کارگران کارخانه پواسی جهت حمایت از همکاران اعتصابیشان دست به جمع آوری کمک مالی زدند.

همچنین کارگران دیگر واحدهای تولیدی فرانسه باشکال مختلف بااعتصاب و مبارزات این کارگران برای جلوگیری از بسته شدن کارخانه و از دست دادن کارشان اعلام همبستگی کردند.

روزهای گذشته مدیریت شرکت پژو- سیتروئن، تهدید کرد در صورت ادامه اعتصاب کارخانه رازودتر تعطیل خواهد کرد.

قرار است طی هفته های آینده مدیریت پژو- سیتروئن برنامه اش جهت اخراج 11000 کارگراز جمله تعطیلی کارخانه اولنه و اخراج 1400 کارگرش را روشن کند.

امروز سهامداران اصلی در دفتر شرکت واقع در پاریس خیابان گراندآرمه جمع شده بودند تا تصمیم بگیرند 350 میلیون سرمایه شرکت را وارد بورس کنند و آکسیون بخرند.

همزمان با این نشست کارگران اعتصابی کارخانه اولنه در آغاز پانزدهمین هفته اعتصابشان مقابل دفتر شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

ژان پیرمرسیه نماینده سندیکای ت.ژ.ت کارخانه اولنه در تجمع امروز گفت:

آنها دروغویان حرفه ای هستند و شانناژ می کنند. ما امروز همزمان با به جیب زدن 350 میلیون سرمایه شرکت توسط سهام داران، شرکتی که ظاهراً در آستانه ورشکستگی است و تحت این پوشش می خواهد هزاران کارگر را اخراج کند.

این یک اقتضای و رسوایی است. ما اینجا جمع شدیم تا صدای اعتراضمان را به گوششان برسانیم و بگوییم شانناژشان کارآیی ندارد. ما از کارمان و خانواده مان دفاع می کنیم.

دولت چه می گوید؟ اولانچه می گوید؟

ماسه ماه است که در اعتصاب بسر می بریم و تا تکلیف ما روشن نشود، تجمعات، اعتراضات و اعتصاب ادامه خواهد داشت و کارخانه اولنه تولیدی نخواهد داشت.

لینک ویدئو امروز:

<http://vimeo.com/64708497>

چهارم اردیبهشت ماه 1392

اخبار و گزارشات کارگری 3 اردیبهشت ماه 1392

- محمد جراحی دوره ده روزه قرنطینه را در زندان می گذراند

- يك روز دیگر با کودکان محک در بیمارستان محک

- 117 کارگر این کارخانه اخراج شدند- کارگران نورد لوله صفا به اعتصاب خود پایان دادند

- گزارش مراسم یاد مان بهزاد کاظمی در دومین سال خاموشی او

- حامل های انرژی 38 درصد گران می شود

- موج دوم بیکاری از راه می رسد- ورود کارجویان دهه 70 به بازار کار

- رشد روز افزون حوادث کار

و وقوع روزانه ۵ حادثه کار در اصفهان صنعتی ترین استان کشور- هزار و ۸۸۱ کارگر حادثه کاری و جان باختن ۷۷ کارگر در سال ۹۱

- جان باختن زن کارگر در پی سقوط از طبقه چهارم ساختمان

محمد جراحی دوره ده روزه قرنطینه را در زندان می گذراند

محمد جراحی کارگر زندانی و عضو کمیته پی گیری ایجاد تشکل های کارگری همچنان با بیماری سرطان که هدیه زندان به اوست، دست به گریبان است. پزشکان متخصص و معالج وی بدلیل امکان پذیر شدن ادامه معالجه و بهبود حال او دستور داده بودند که دوره ده روزه قرنطینه را در محیط و فضای ویژه و بهداشتی بیمارستان و یا در منزل بگذراند، این تجویز پزشکی که حق هر بیماری است با مخالفت قوه قضاییه روبرو شد،

در نتیجه ادامه معالجه این کارگر زندانی از سوی پزشکان معالج با مشکلات ایجاد شده از سوی قوه قضاییه چندان مثمر ثمر واقع نگردیده است.

مخالفت و ایجاد مشکل از طرف قوه قضاییه در حالی صورت می گیرد که در ملاقات خانواده این زندانی با دادستانی به آنها قول همکاری لازم داده شده بود.

مخالفت مسیولین زندان با مراجعه محمد جراحی به بیمارستان و یا منزلش جهت گذراندن دوره نقاهت در حقیقت اقدام به قتل عمد این کارگر زندانی می باشد.

ما کارگران و خانواده ایشان و اعضای کمیته پی گیری مسئولیت هر گونه اسببی به این کارگر زندانی را به عهده و اراده مستقیم قوه قضاییه میدانیم.

و پاسخگویی عواقب نا هنجار این عدم همکاری با معالجه محمد جراحی قوقضاییه و دولت جمهوری اسلامی می باشد.

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری-1392/1/31

یک روز دیگر با کودکان محک در بیمارستان محک

آنجا بیمارستان کودکان سرطانی است جایی که فرزندم نیما عزیز در آن بستری است. طی این چند ماه شاید خیلی ها آنهایی که از دور فقط خبر ما را پیگیری کرده اند تا حدودی از درد ما ورنج های ما مطلع بوده اند اما در تهران آنهایی که لحظه به لحظه دم به دم در کنارمان بوده اند به خوبی می دانند که در طول این چند ماه ما چه روزهای سخت ودهشناکی را سپری کرده ایم و می کنیم. وقتی به روزهای گذشته و اوایل روزهای که به مرخصی آمده بودم می اندیشم چیزی در خاطراتم ندارم جز اینکه همچون حالا با تمام وجودم برای نجات جان تنها فرزندم در تلاش بودم و اینکه چگونه می توانم نیما عزیزم را نجات دهم. تازه این تنها غم من نبود غم دهها کودک دیگر که از نزدیک در بیمارستان محک نظاره گره مرگ تدریجی شان بودند و خانواده های آنها به شدت مشکل دارو قرص داشتند و همچنان هم دارند. وقتی خودم روزها و شبها به دنبال قرص و داروی برای نیما عزیزم در سطح شهرتهران و گاه شهرستانها می گزدم یاد سخنان رئیس جمهور و شخص دوم مملکت آقای احمدی نژاد می افتم که مدتها پیش گفت مامشکل دارو قرص نداریم من برای پیدا کردن دارو قرصهای نیما بارها به نا صر خسرو جاهای دیگر شهر تهران رفتم اماحتی آزاد هم پیدا نکردم. حرص و جوش و نفرت و تنفر

سراپای وجودم را فرا می گیرد که در مملکتی که این همه ثروتهای ملی نهفته است باید کمبود دارو داشته باشیم و شاهد مرگ تدریجی عزیزانمان باشیم. کودکان کار و زنان تن فروش داشته باشیم. مسیر رفت آمد من گاهی مواقع با مترو است متروی شهرری به تجریش داخل مترو باور کن بالاینکه عزیزترین کسم در بستر بیماری است اما وقتی این کودکان و زنان و دختران جوان دستفروش را میبینم در این وضعیت کار می کنند قلبم بیشتر مجروح می شود من آنها رادرك میکنم چرا که من هم عضوی از این طبقه ام من سواربهترین ومدل بالا ترین ماشین ماکسیما و بنز bmw نمیشم من سفرهای خارجی نمی رم چرا که من نیز بافقر و فلاکت ونداری ودر خانواده کارگری بزرگ شدم وبه خوبی درد جامعه را می فهم اوضاع وخیم است ووخیم؛

مردم به شدت از وضع موجود می نالند در مترو خیابان و بیمارستان و بازار و اماکن عمومی وغیره حرفها همه دیگر یکی شده این چه وضعی است که ما داریم آقا نمیشه با این هزینه های سرسام آور و تورم زندگی کرد. طبقه پایین جامعه خصوصاً بیشتر از همه کارگران زیر فشار وسختی اند. از انتخابات حرف می زنند چه انتخاباتی سی سال است چه گلی بر سر ما زده اند که حالا بزندانترندهای انتخاباتی دیگر کارایی ندارد مردم به شدت معترضند و ناراضی اند.

هر لحظه شورش گرسنگان شاید سر بلند کند. اما درد من یکی دوتا نیست دردآور از آن اینکه بعضی مواقع وقتی دویای این کودکان کار را معلق رو هوا می بینم که در سطل اشغال دنبال اشیاء ویا خوراکی می گردند از کودک زیر چهار سال گرفته تا هیجده ساله ودختر جوان وزن سالخورده ومردان مسن در راهروهای مترو وخیابان غم وغصه تمامی آن کودکی که در مسیر رفت وآمد بیمارستان شهرری به دارآباد وبیمارستان محک مجبور ند نان آور خانه باشند برایم تمامی ندارد. وضعیت اعتیاد ومواد مخدر وروی آوردن جوانان این مملکت هم بخشی دیگر از معضلات جامعه است که گریبانگیرش هستیم.

چه کسی باید جوابگویی این وضعیت باشد معلوم نیست؛ اما برگردیم به روزها ولحظه های بیمارستان

محک؛ از روز اول شنبه یعنی اول اردیبهشت وای که چه روزهای من به همراه همسر با استرس سپری کردم. از لحظه ای که نیما متوجه شد که باتمدید مرخصی ام دستگاه امنیتی وقضایی مخالفت کرده وایت وپلاکت های بدنش پایین آمد وبارها تشنج کرد در طی چند روز نیما بارها ای تی وپرتو

درماتی؛ رادیو تراپی؛ شد از بیمارستان محک به بیمارستان سینا اظهر درتجربش منتقل شد وسیتی اسکن وآزمایش های دیگر روش صورت گرفت.

امروز نیما سیمو لاتور وپرتو درماتی شد این کار به مدت هفت روز در هفت نوبت طبق گفته پزشك معالج نیما خانم فالیبافیان ادامه دارد. فردا باز ما بیمارستان محک باید در کنار نیما باشیم نمی دانم این وضع کی تمامی پیدامی کندسرطان نیما درد دارد. هزینه هم دارد.

بهنام ابراهیم زاده تهران اردیبهشت 92

117 کارگر این کارخانه اخراج شدند- کارگران نورد لوله صفا به اعتصاب خود پایان دادند

اتحادیه آزاد کارگران ایران: 1200 کارگر کارخانه نورد لوله صفا که بدنبال اخراج بیش از 100 نفر از کارگران و عدم پرداخت بخشی از دستمزد معوقه خود از صبح روز اول اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زده بودند بعد از ظهر دیروز و پس از اینکه دستمزد معوقه بهمین ماه سال گذشته خود را دریافت کردند و کارفرما وعده پرداخت دستمزد اسفند ماه سال گذشته را در طی روزهای آینده داد از صبح امروز سوم اردیبهشت بر سر کارهای خود بازگشتند.

در رابطه با اخراج 117 نفر از این کارگران نیز یکی از آنان به سایت اتحاد اظهار داشت: ما از کار در این کارخانه و عدم پرداخت دستمزدهایمان خسته شده ایم. وضعیت در این کارخانه غیر قابل تحمل است، من خودم تاکنون 5 بار اخراج شده و هر دفعه بر سر کار بازگشته ام اما دیگر نمیتوانیم ادامه دهیم.

در کارخانه نورد لوله صفا همه کارگران با قراردادهای موقت مشغول بکار هستند و کارفرما هر بار که خواسته، توانسته است با پایان مدت قرارداد کارگران براحتی و بدون اینکه این کارگران به لحاظ قانونی دست شان به جایی بند باشد اقدام به اخراج آنان کند. اغلب این کارگران که بطور مرتب و در طی سالهای گذشته از کار خود اخراج شده اند تا 20 سال سابقه کار داشته اند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - سوم اردیبهشت ماه 1392

گزارش مراسم یاد مان بهزاد کاظمی در دومین سال خاموشی او

روز یکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۳، در دومین سال خاموشی بهزاد کاظمی (علیرضا) حدود ۳۰ نفر از رفقا، دوستان و آشنایان بهزاد در مراسمی غیر رسمی، در آرامگاه او در لندن گرد آمدند و یاد او را گرامی داشتند. آرامگاه بهزاد با گل و تصاویری از او تزیین شده بود. بر سنگی ستاره نشان که از روز قبل بر آرامگاه نصب شده بود، شعر کوتاه و زیبایی از سیروس بینا حک شده بود. سیروس بینا آن شعر را به یاد بهزاد و برای او سروده بود.

در آغاز ایوب رحمانی از یاران بهزاد، ضمن خوش آمد گویی به حاضرین، از بهزاد و مبارزات او یاد کرد. او گفت: " درگذشت بهزاد به راستی نا به هنگام بود. اگر عمر متوسط زندگی برای مردان در این کشور را مبنی قرار دهیم، بهزاد حداقل ۲۰ سال زودتر رفت؛ و درد بیشتر این است که بهزاد هنگامی خاموش شد که در اوج خلاقیت نظری و پراتیک خود قرار داشت. با رفتن بهزاد حفره و خلا ای در همه عرصه هایی که بهزاد در آنجا حضور و فعالیت داشت، ایجاد شد که به این زودی ها پر نخواهد شد. بهزاد به عنوان یک سوسیالیست انقلابی و فعال کارگری به ویژه در دهه پایانی عمر خویش، بطور همزمان و پیگیر در چندین عرصه، فعالیت می کرد. حضور و فعالیت او در "اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران" در شناساندن جنبش کارگری ایران به تشکلات کارگری در انگلستان و ایجاد همبستگی بین المللی کارگری، بسیار موثر بود. در همان حال، بهزاد از پایه گذاران و فعالین اتاق اینترنتی اتحاد سوسیالیست ها بود که یک از محبوب ترین و پر بارترین تریبونها در زمینه مباحث نظری بشمار می رفت. در کنار این ها بهزاد از بنیان گذاران نشریه پژوهش های سوسیالیستی "سامان نو" بود و بار اصلی انتشار نشریه را بدوش می کشید. پیش برد همزمان و موثر این همه کار، تنها می تواند از عهده کسی بر آید که هدف زندگی اش را انجام همین کارها تعریف کرده باشد. و بهزاد چنین کسی بود. و او این همه کار را با شوق انجام می داد، شوقی که پایان نداشت."

ایوب رحمانی در ادامه سخنان خود گفت: "ما در پایان اطلاعیه ای که از سوی واحد انگلستان اتحاد بین المللی، به مناسبت دومین سال خاموشی بهزاد منتشر کردیم، نوشتیم که بهزاد "چراغ رابطه" بود. این استعاره، بر گرفته از شعر کوتاهی است از فروغ فرخزاد با عنوان، "پرنده مردنی است". فروغ در این شعر از دلنگی، "شب" و تاریکی "چراغ های رابطه" حرف می زند. و شعر این گونه به پایان می رسد: " پرواز را به خاطر بسپار/ پرنده مردنی ست ". زندگی و مرگ بهزاد به ناگاه این شعر را در ذهن تداعی می کند. بهزاد ارتباطات گسترده ای داشت و به درستی و به خوبی از این ارتباط های وسیع بهره می گرفت. چراغ های رابطه را روشن کرد و خود چراغ رابطه ای شد در جدال با پراکندگی، خاموشی، یاس و تاریکی. او به سهم خودش و با تمام توان سعی می کرد که پرتوی بر راهی بیافکند که رهایی از سرمایه و آینده سوسیالیستی را در آن می دید. بهزاد پرنده بود و مانند هر پرنده ای، مانند همه ما، فنا شدنی بود. او نیز در زندگی و مبارزه مثل همه ما بی اشتباه و خطا نبود. او گاه در اوج ها پرواز می کرد و گاه در سطوح پایین. من اینجا نمی خواهم که بیش از این در این مورد صحبت کنم، اما به نظر من بهزاد در سال های آخر زندگی اش، در اوج ها پرواز کرد و مدام نیز اوج بیشتری گرفت. آری پرنده مردنی است و ما پرواز را به خاطر می سپاریم؛ بهزاد را در اوج هایش به خاطر می سپاریم."

ایوب رحمانی سپس ترجمه فارسی شعری که سیروس بینا به انگلیسی برای بهزاد سروده و بخشی از آن روی سنگ بهزاد حک شده است را خواند: " پنداشتی که من/ در منتهای فاصله/ و در قفای این سنگ سیاه / به خوابی ابدی فرو رفته ام؟ / نه، عزیزم- من در یاد تو بسیار زنده ام / وقتی که ما- من و تو- / با برشی از نان/ و جرعه ای از آزادی/ هنوز مصرانه/ بازتاب خواسته های انسانیم/ وقتی که گام های استوار تو با یاد شیرین من/ - هر دو- / در گستره ای شکوهمند/ گذشته را به آینده پیوند می زند."

سپس تعدادی دیگر از یاران بهزاد طی سخنانی از او یاد کردند: علی خدری از فعالین کارگری، از اهمیت جنبش کارگری و از تلاش ها و نقش بهزاد در تقویت این جنبش سخن گفت. لیلا پرنیان از فعالین سازمان زنان هشت مارس، از حمایت ها و پشتیبانی بهزاد از مبارزات زنان، یاد کرد. علی اشرفی از همکاران نشریه سامان نو، در سخنانی کوتاه تاکید کرد که جای انسانهایی چون بداله خسروشاهی و بهزاد کاظمی تا مدت ها خالی خواهد ماند.

سپس حاضرین، سرود انترناسیونال را بطور دستجمعی خواندند و با نوشیدن جرعه ای شراب، یاد بهزاد را زنده نگاه داشتند.

در پایان مراسم، همه حاضرین به آرامگاه یداله خسرو شاهی که در چند قدمی بهزاد است، رفتند و نسبت به این فعال برجسته جنبش کارگری ایران، ادای احترام کردند. بهزاد و یداله دو یاری بودند که سالها در کنار هم مبارزه کردند و سر انجام نیز در کنار هم آرامیدند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران که مهمترین بخش فعالیتهای حمایت همه جانبه از مبارزات طبقه کارگر و جنبش مستقل کارگری ایران و تقویت همبستگی بین المللی کارگری است، وجود انسانی شریف همچون بهزاد کاظمی در کنار خود را مایه مباهات می داند. چراغ عمر بهزاد کاظمی دیری نپایید و زود خاموش شد، اما زندگی و مبارزات او همچنان به ما قوت قلب می دهد و تا مدت ها روشنی بخش راهمان خواهد بود.

در دومین سالگرد فقدان رفیق بهزاد کاظمی، یاد او را گرامی می داریم و به احترام اش از جا بر می خیزیم.

لینک به ویدیو و عکس:

http://www.etehadbinalmelali.com/html_2013/2_ordibehesht_92_behzad.html

http://www.etehadbinalmelali.com/html_2013/2_ordibehesht_92_behzad_2.html

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران ۲۲- آوریل ۲۰۱۳

حامل های انرژی 38 درصد گران می شود

مجلس با رد درخواست 120 هزار میلیارد تومانی دولت، برای هدفمندی یارانه ها 50 هزار میلیارد تومان درآمد پیش بینی کرد.

کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی روز گذشته حول هدفمندی یارانه ها به بحث پرداخت و در نهایت به دولت مجوز داد که 50 هزار میلیارد تومان درآمد از محل هدفمندی یارانه ها کسب کند.

این در حالی است که دولت در لایحه بودجه درخواست درآمد 120 هزار میلیارد تومانی را ارائه کرده بود که نمایندگان مجلس با آن مخالفت کردند. نمایندگان معتقدند که قبول درخواست دولت موجب افزایش 5 برابری قیمت ها می شود چراکه درآمد دولت از هدفمندی یارانه ها در سال گذشته 28 هزار میلیارد تومان بوده است و رسیدن به رقم 120 هزار میلیارد تومان نیازمند افزایش قابل توجه قیمت ها است. بر این اساس روز گذشته نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق مجلس سقف درآمد هدفمندی یارانه ها را 50 هزار میلیارد تومان در نظر گرفت که 6 هزار میلیارد تومان کمتر از رقم آن در بودجه سال گذشته است.

نمایندگان مجلس بر این اساس بدون آنکه به موضوع میزان افزایش قیمت انواع حامل های انرژی ورود کنند، میانگین 38 درصدی را برای افزایش نرخ حامل ها در نظر گرفتند تا چگونگی رشد قیمت برای هر یک از حامل ها بر اساس این فرمول توسط دولت تعیین شود.

اگر دولت بخواهد همین 38 درصد را برای هریک از حامل های انرژی پیاده کند. از ابتدای تیرماه قیمت بنزین سهمیه ای لیتری 550 تومان و بنزین آزاد لیتری یک هزار تومان خواهد شد. البته پیشنهاد دولت رقم بالاتری است و معلوم نیست که در رایزنی های بعدی قوه مجریه و مقننه و در بررسی مجدد در صحن علنی چه سرنوشتی برای یارانه ها رقم زده شود.

منبع: اقتصادايراني- 3 اردیبهشت

موج دوم بیکاری از راه می رسد- ورود کارجویان دهه 70 به بازار کار

از بین رفتن تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار و تاخیر چندساله در ورود کارجویان متولد دهه 60 به بازار کار باعث انباشته شدن تقاضاهای شغل در کشور تا 3 میلیون نفر شده است، با این حال به زودی باید منتظر ورود کارجویان دهه 70 به بازار کار و ایجاد موج دوم بیکاری پس از موج بیکاری دهه شصتی ها باشیم.

کارشناسان اقتصادی و بازار کار و همچنین مقامات دولتی می گویند رشد یکباره جمعیت کشور در دهه 60 باعث انباشته شدن صدها هزار تقاضا برای کار در دهه های 80 و 90 شده به نحوی که باعث از بین رفتن تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار در کشور شده و در حال حاضر برای هر فرصت شغلی ده ها و بلکه صدها جوان تحصیل کرده داوطلب می شوند.

رشد یکباره و جهشی جمعیت کشور در دهه 60 و تبدیل شدن به یک کشور جوان باعث شد تا امروز دست کم در 70 درصد خانواده ها جوانانی پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه ها به سن کار برسند و بازار کار را با یک هجوم ناخواسته ای از جویندگان کار مواجه کنند.

با این حال آماده نبودن فضا و یا به عبارتی ناتوانی بنگاه های فعال در بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی در جذب کارجویان بی شمار و گرایش به استفاده از تکنولوژی به جای نیروی فیزیکی کار و دلایلی از این دست باعث ورود نامتوازن کارجویان به بازار کار در یکی دو دهه اخیر شده است.

در واقع به تعدادی که کارجویان به سن کار رسیدند، بازار کار بستر لازم برای جذب آنها را فراهم نکرد و این مسئله خود به خود باعث تاخیر صدها هزار جوان برای ورود به فضای اشتغال شد. به بیان دیگر، جوانانی که باید در 5 سال اول دهه 80 وارد بازار کار می شدند، به دلیل برخورد کردن با کمبود فرصتهای شغلی در نیمه دوم دهه 80 و با تاخیر چندساله موفق به ورود در عرصه کار شدند و این مسئله باعث بالا رفتن سن کارجویان در ورود به اشتغال و انباشته شدن بیکاری در کشور شد.

تقریباً می توان گفت 4 دولت اخیر کشور به صورت جدی با مسئله بیکاری جوانان و کارجویان متولد دهه 60 و یکی دو سال اواخر دهه 50 مواجه شده اند و با وجود شعارهای فراوانی که در این زمینه داده شد، اما تاکنون این پدیده نامیمون در کشور باقی مانده و هنوز هم 3 میلیون جوان (طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران) و 5 میلیون بنا به تحلیل های غیررسمی کارشناسان بازار کار؛ شانس ورود به بازار کار را پیدا نکرده اند.

با اینکه دو سال است کشور به دهه 90 وارد شده، اما هنوز تعداد زیادی از جوانان متولد دهه 60 به بازار کار وارد نشده اند و این مسئله باعث کشیده شدن تقاضای کار دهه شصتی ها به دهه 90 شده است و مقامات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می گویند موج تقاضا و ترافیک برای ورود به بازار کار دست کم تا سال 94 نیز ادامه خواهد داشت.

در صورت ادامه روند فعلی اشتغال زایی در کشور، به زودی متولیدین سال های اول دهه 70 نیز خود را برای ورود به بازار کار آماده می کنند در حالی که هنوز دهه شصتی های بیشماری هستند که در جستجوی شغل خواهند بود.

از نتایج نامناسب دیگر از بین رفتن تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار کشور می توان به گسترش چشمگیر مشاغل کاذب، زیرزمینی و مواردی از این دست اشاره کرد که اساساً ماهیت شغلی برای افراد به همراه ندارند و فعالان در این بخش صرفاً برای گذراندن امور روزمره خود و تأمین معیشت حداقلی به این وادی وارد می شوند.

شاید تعداد افرادی که مشاغل کاذب را به عنوان شغلی ایده آل و مناسب بدانند و با علاقه در این بخش فعالیت داشته باشند بسیار انگشت شمار باشد که خود این مسئله نشان می دهد ورود به این عرصه صرفاً به دلیل ناامیدی از ورود به مشاغل رسمی و مناسب و همچنین وجود صدها هزار تقاضای کار در کشور باشد.

همچنین در این بخش نباید از ناپایداری بخشی از مشاغل موجود و کاهش امنیت شغلی در بسیاری از واحدها غافل ماند، چرا که این مسئله خود به تنهایی باعث خروج بخش قابل توجهی از کارجویان پس از یک دوره اشتغال و پیوستن آنها به صف بیکاری می شود.

بالا رفتن هزینه تأمین مواد اولیه، ورود تکنولوژی های جدید به بنگاه ها و کاهش نیاز به حضور فیزیکی افراد، افت بهره وری نیروی کار به دلیل دستمزدهای پایین، واردات بی رویه کالاهای بی کیفیت خارجی، فعالیت واحدها با ظرفیت پایین و غیرفعال بودن بخش قابل توجهی از توان تولید به دلیل مشکلات نقدینگی، رشد جهشی هزینه های انرژی پس از اجرای فاز اول هدفمندی یارانه ها و مسائلی از این دست علاوه بر دامن زدن به ناپایداری مشاغل در بسیاری از واحدهای کشور، بیکاری بخشی از شاغلان فعلی را نیز رقم زده است.

منبع مهر-3 اردیبهشت- بخشی از یک گزارش

رشد روزافزون حوادث کار

وقوع روزانه ۵ حادثه کار در اصفهان صنعتی ترین استان کشور- هزار و ۸۸۱ کارگر حادثه کاری و جان باختن ۷۷ کارگر در سال ۹۱

در استان اصفهان با بیش از ۸ هزار واحد صنعتی ریز و درشت که داعیه صنعتی ترین استان کشور را دارد هر روز به صورت میانگین ۵ حادثه کار رخ می دهد که منجر به از دست رفتن سلامت و در مواردی جان کارگرانی می شود که در برابر دغدغه معیشت، سلامت کمترین نگرانی آنهاست.

سقوط از ارتفاع، برخورد جسم با فرد، فرو ریختن شی، زمین خوردگی، برق گرفتگی و سوختگی مهمترین حوادثی هستند که هر روز مواردی از آنها در کارگاههای بزرگ و کوچک استان اصفهان کارگران را به کام خود می کشد.

بر اساس آمارهای رسمی که اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان منتشر کرده، در قطب صنعتی کشور بیش از ۸ هزار واحد صنعتی فعالیت می کنند که با وجود ۶۰ بازرسی ایمنی کار، امکان سرکشی به این کارگاهها و بازرسی تجهیزات فنی آنها وجود ندارد، اما بر اساس قانون باید در تمام کارخانههایی که بیش از ۵۲ نفر در آنها شاغل هستند، کمیته حفاظت ایمنی تشکیل شود تا آگاهی کارگران را درباره رعایت نکات ایمنی بالا ببرد و دیگر نیاز به حضور بازرسان نباشد.

با این وجود هر روز در گوشه و کنار استان، اخبار تلخی درباره وقوع حوادث کار منتشر می شود که حکایت از بی توجهی به شعار «اول ایمنی بعد کار» در محیطهای کسب و کار است.

یکی از جنجال بر انگیزترین و ناگوارترین این حوادث، هفته گذشته در ورزشگاه نقش جهان اصفهان رخ داد که باعث شد دو کارگر جان خود را از دست بدهند.

جداسازی غیر اصولی و نایمینی جرثقیل ۲۰ تنی

رئیس اداره بازرسی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی اصفهان، اظهار نظر درباره علت دقیق و فنی این حادثه را نیازمند زمان بیشتری دانست و افزود: اطلاعات اولیه که از این حادثه به دست آمده حکایت از آن دارد که سازندگان این مجموعه ورزشی با یک شرکت سازنده جرثقیل‌های سنگین و عظیم ۲۰ تنی قرارداد بسته بودند و با اتمام عملیات اجرای بخشی از ورزشگاه، قرار بود این جرثقیل دمونتاز و به جای دیگری منتقل شود.

امیر مسعود حاجی رستم با اشاره به استفاده از چند جرثقیل موبایل با تناژ ۳۵، ۴۰، ۱۰۰ و ۱۸۰ برای جداسازی سازه بزرگتر، گفت: این جرثقیل‌ها با تعدادی بلوک سیمانی ثابت شده بودند تا تعادل خود را حفظ کنند اما زمان دمونتاز کردن متأسفانه در حال انجام فرایند جابه جایی، چهار بلوک سیمانی فروریخته و تعادل یکی از جرثقیل‌ها به هم می‌خورد و دوکارگر که در ارتفاع ۴۰ متری بالای جرثقیل‌ها بوده‌اند، به زمین سقوط می‌کنند.

وی دلیل اصلی وقوع این حادثه را انجام روال دمونتاز به شکل غیر ایمن و غیر اصولی بیان کرد و ادامه داد: این کار باید در زمان طولانی‌تر و با دقت بیشتری انجام می‌شده که متأسفانه رعایت نکردن این نکات منجر به مرگ دو کارگر پیمانکار دمونتاز جرثقیل عظیم شده است.

رئیس اداره بازرسی کاراز شکایت خانواده این متوفیان به مراجع قضایی خبر داد و گفت: بعد از تکمیل گزارش‌های نهایی، پرونده به مراجع انتظامی و قضایی فرستاده می‌شود که این کار حداقل یک ماه زمان نیاز دارد.

وی با اشاره به وقوع هزار و ۶۴۴ حادثه کار در سال ۹۱ تصریح کرد: در این حوادث هزار و ۸۸۱ نفر دچار آسیب شدند که این آمار در مقایسه با سال ۹۰ که هزار و ۷۰۹ حادثه رخ داده و هزار و ۹۹۰ نفر حادثه دیده‌اند، کاهش نشان می‌دهد.

حاجی رستم از فوت ۷۷ کارگر بر اثر حوادث ناشی از کار در سال گذشته خبر داد و گفت: ۱۹۷ نفر نیز دچار قطع عضو، ۱۱۲ نفر نقص عضو، ۷۲۳ مورد شکستگی و ۸۲ نفر سوختگی شده‌اند که فقط آمار حوادث سوختگی در مقایسه با سال ۹۰ رشد ۵ نفری را نشان می‌دهد.

رشد روز افزون حوادث کار

رئیس اداره بازرسی استان با اشاره به رشد روز افزون حوادث کار متناسب با جمعیت شاغلان و بالارفتن نرخ دیه گفت: افزایش نرخ دیه باعث می‌شود کارگران حتی حوادث کوچک را نیز به اداره کار گزارش دهند و از کارفرمایان شکایت کنند اما در گذشته بسیاری از این دست حوادث به صورت کتخدانمشی و با توافق بین کارگر و کارفرما حل می‌شد.

وی از اظهار نظر درباره وضعیت ایمنی کارگاه‌های تولیدی استان خودداری کرد و اظهار داشت: نمی‌توان آمار دقیقی در این زمینه اعلام کرد چون شرایط این واحدها هر روز متغییر است.

کارفرمایان بی‌تخصص رد صلاحیت شوند

حاجی رستم با تأکید بر لزوم استفاده از کارگران متخصص و باتجربه در کارهای سخت و پیچیده، گفت: کارفرمایان نیز در چنین مواردی باید از تخصص و تجربه کافی برخوردار باشند به همین دلیل موضوع تأیید صلاحیت کارفرمایان در اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان، روال جدیدی است که در دستور کار قرار گرفته و امیدواریم تأثیر قابل توجهی در ایمنی محیط‌های کسب و کار داشته باشد.

وی از ممنوعیت واگذاری کار به کارفرمایان رد صلاحیت شده خبر داد و افزود: تکمیل این سامانه اطلاعاتی باید به مرور زمان اتفاق بیفتد و احتمالاً یکی دو سال طول می‌کشد.

در هر حال نیروی کار، بزرگترین و مهم‌ترین سرمایه یک کشور به شمار می‌رود و از آنجا که بر اساس آمار رئیس اداره اورژانس پیش بیمارستانی شهرستان اصفهان، بیشترین مصدومان حوادث کار در سال گذشته از گروه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال و بیشترین علت درخواست کمک بعد از بیماری‌ها، سقوط از ارتفاع و برخورد جسم با فرد بوده، رسیدگی به این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

منبع: ایلنا-3 اردیبهشت

جان باختن زن کارگر در پی سقوط از طبقه چهارم ساختمان

به گزارش 3 اردیبهشت پایگاه اطلاع رسانی پلیس، صبح امروز در محدوده "اشرفی اصفهانی"، یک زن نوظافت چپ از بلندی یک ساختمان سقوط کرده و جان خود را از دست داد.

سرهنگ فرهاد نائبی، رئیس کلانتری 140 باغ فیض، ضمن اشاره به خبر مذکور، گفت: "در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی 110 مبنی بر اینکه یک کارگر زن، هنگام تمیز کردن شیشه‌های یک منزل، از طبقه چهارم یک ساختمان به پایین سقوط کرده است، تیمی از ماموران گشت انتظامی برای بررسی موضوع وارد عمل شدند.

وي بيان داشت: " در بررسی های انجام شده مشخص شد که متوفی "اعظم" نام دارد و هنگام تمیز کردن شیشه های یک ساختمان در این محدوده دچار سانحه شده و پس از اینکه پایش از روی چهارپایه که روی آن ایستاده بود، دچار لغزش شده و به پایین سقوط کرده و جان باخته است.

سرهنگ نائیبی افزود: " ماموران انتظامی این کلانتری موضوع را به اورژانس اطلاع داده و با حضور پزشک امداد مشخص شد که این کارگرن، ثانیه هایی پس از سقوط دچار ضربه مغزی شده و در دم جان سپرده است.

سوم اردیبهشت ماه 1392

از "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران" پشتیبانی کنیم!

به همه آزادی خواهان جهان

کارگران ایران از محروم ترین و تحت ستم ترین بخش های مردم ایران هستند که همواره ابتدایی ترین حقوق شان نادیده گرفته شده است. اول ماه مه هر سال فرصتی است برای یادآوری و افزایش تلاش برای پشتیبانی از مبارز هکارگران برای احقاق حقوق از دست رفته شان. امسال "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران" به همت گروهی از تلاش گران حقوق بشر این مهم را بر عهده گرفته و می خواهد صدای کارگران ایران به ویژه کارگران دربند باشد و فریاد حق طلبی آنان را به گوش جهانیان برساند. ما در "کانون ایران آزاد" با پشتیبانی کامل از این کمپین از تمامی کوشندگان حقوق بشر و حقوق کارگر دعوت می کنیم تا دست در دست هم به این کمپین پیوندند و از اول اردیبهشت 1392 (21 آوریل 2013 تا اول ماه می 2013) 11 اردیبهشت 1392) در یک همبستگی جهانی، صدای همه ی کارگران ایران اعم از کارگران شاغل، کارگران بیکار، زنان کارگر، کودکا نکار، کارگران افغان و به ویژه کارگران در بند باشیم.

20 آوریل 2013

31 فروردین 1392

ایران آزاد

فراخوان "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران"

به مناسبت روز جهانی کارگر

مردم آزاده جهان، هموطنان عزیز ایرانی

اجرای سیاست های ضد ملی و ضد کارگری مقامات مسوول جمهوری اسلامی ایران، زندگی و معیشت میلیون ها کارگر و خانواده های کارگری در ایران را به خطر انداخته است. سیاست های تعدیل اقتصادی، حذف یارانهها، خصوصی سازی و رشد اقتصاد انگلی، موجب تعطیلی بسیاری از مراکز تولیدی شده و تولید صنعتی و کشاورزی را به سمت فعالیت های غیرمولد برده است. گزارش های کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به نقل از پایگاه خبری کارگر نیوز در 26 شهریور 91، نشانگر آن است که 50 درصد واحدهای تولیدی در ایران تعطیل و یا در شرف تعطیلی اند و اکثر واحدهای تولیدی بزرگ، با کمتر از 30 درصد ظرفیت مشغول به کارند.

بی توجهی به بحران اشتغال، وضعیت معیشت کارگران و تعیین دستمزدی به میزان یک سوم خط فقر اعلام شده در سال جاری، بدون هیچگونه نه حق تشکل مستقل، اعتراض و اعتصاب، زندگی کارگران که مهم ترین سرمایه ملی موثرترین نیروی اجتماعی هستند، را، با دشواری های بی سابقه ای روبرو کرده است.

فقدان ایمنی محیط کار و وسایل مناسب کار، موجب رشد فزاینده ی حوادث ناشی از کار شده است. بنا به گزارشات سازمان پزشکی قانونی، ر وزانه 5 کارگر جان خود را از دست می دهند.

در چنین شرایطی، ممانعت از فعالیت های متشکل و مستقل کارگران در سندیکاها و تشکل های کارگری، سرکوب کارگران و فعالان کارگری به جرم حق طلبی و دفاع از حقوق صنفی و قانونی، موجب بازداشت و شکنجه و صدور احکام سنگین برای ده ها نفر از کارگران پیشرو شده است.

کارگران ایران با همه ی فشارها و محدودیت های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، همواره، نیروی عظیمی در مقابله با ظلم و استعمار بوده و هستند. به همین دلیل به شدیدترین شکل، سرکوب می شوند. ستار بهشتی کارگر و بلاگنویس و منتقد سیاست های ضد مردمی جمهوری اسلامی ایران، نمونه ای از کارگران آگاه و مبارز ایرانی است که متأسفانه یک هفته پس از بازداشت در سال گذشته، بر اثر شکنجه به قتل رسید.

با تاکید بر ضرورت اجرای تعهدات ملی و بین المللی از جمله تعهدات پذیرفته شده جمهوری اسلامی ایران، در مقاله نامه های شماره 98 و 89 سازمان بین المللی کار ILO در مورد آزادی تشکل یابی کارگران، "کمپین بینالمللی حمایت از حقوق کارگران ایران" برای همدلی و هم راهی با کارگران ایران از کلیه افرادی که نگران آینده ایران و خواهان آزادی تشکل های مستقل کارگری و عدالت اجتماعی و آزادی کارگران مبارز در بند هستند، درخواست می نماید، به هر شکل و شیوه ممکن، از اول اردیبهشت 1392 (21 آوریل 2013) تا اول ماه می 2013 (11 اردیبهشت 1392) در یک همبستگی جهانی، صدای همه ی کارگران ایران اعم از کارگران شاغل، کارگران بیکار، زنان کارگر، کودکان کار، کارگران افغان به ویژه کارگران در بند باشیم. کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران - 92/2/1

جهت آشکار شدن وضعیت دشوار کار و زندگی کارگران در ایران، گزارش کوتاهی از وضعیت معیشت کارگران - حوادث کار - بیکاری کارگران - کارگران زندانی - زنان کارگر - کودکان کار و کارگران افغان، پیوست است.

• وضعیت معیشت کارگران در ایران

کارگران در ایران زیر خط فقر زندگی می کنند.

اول دی ماه سال 1391 یکی از اعضای شورای عالی کار، سازمانی وابسته به دولت، در گفتگو با خبرگزاری دولتی پانا، خط فقر در ایران را یک میلیون و پانصد هزار تومان برای خانوار 4 نفری اعلام کرده است. با توجه به نرخ تورم که توسط بانک مرکزی و مرکز آمار ایران اعلام شده، نرخ تورم کالاهای مصرفی و خدماتی در ماه های پایانی سال 1391 به بیش از 31 درصد رسیده و این نرخ تورم در مورد کالاهای مصرفی بیش از 40 درصد اعلام شده است. با توجه به این نرخ تورم، خط فقر در آغاز سال 1392، حدود یک میلیون و هفتصد هزار تومان در ماه برآورد می شود. با مقایسه این رقم با حداقل دستمزد تعیین شده در سال 1392 از سوی شورای عالی کار، بعد از چهارصد و هشتاد و هفت هزار تومان در ماه، می توان تا حدودی به عمق فاجعه پی برد. در موارد بسیاری حتی این رقم ناچیز نیز به موقع پرداخت نمی شود و گاه، ماه ها به تعویق می افتد. برای نمونه می توان به 2300 کارگر کارخانه های نورد لوله صفا و پروفیل ل ساوه اشاره کرد که در آستانه سال نو 1392، نه تنها عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده اند، بلکه حقوق سه ماه پایان سال آنان نیز به تعویق افتاده است و یکارگران راه سازی کهگیلویه و بویر احمد که تا اسفند سال 1391، به مدت هفت ماه از حقوق و مزایای خود محروم بوده اند، زندگی در چنین شرایطی به مثابه مرگ تدریجی برای کارگران و خانواده های کارگری است.

این در شرایطی است که روند تعیین حداقل دستمزد ماهانه کارگران از سوی شورای عالی کار، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، حتی مطابق با ماده 41 قانون کار نیست. ضمن آنکه در ماده 25 اعلامیه جهانی حقوق بشر که ایران نیز آن را امضا کرده، آمده است: «هر کس حق دارد از سطح معیشتی کافی برای سلامتی و رفاه خود و خانواده اش از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و مراقبت های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری بهره مند گردد و حق دارد به هنگام بیکاری، بیماری، از کار افتادگی، بیهوشی و سالخوردگی یا فقدان وسیله امرار معاش و گذران زندگی که خارج از اختیار وی است تامین گردد.»

• حوادث حین کار

مرگ تدریجی تنها خطری نیست که کارگران را تهدید می کند. مرگ ناگهانی در اثر سوانح کار، یکی از موارد مهمی است که هر ساله جان هزاران کارگر را می گیرد و چون اغلب کارگران در کارگاه های کوچک بدون هیچ گونه نظارتی اشتغال دارند، خانواده های کارگران نی که در اثر حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست می دهند و اغلب فاقد بیمه های حمایتی هستند. براساس گزارشات سازمان پزشکی قانونی، روزانه 5 کارگر در اثر حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست می دهند و این نرخ هر ساله رو به افزایش است چنان که در سال 1389 تعداد تلفات ناشی از حوادث کار، 1290 نفر گزارش شده، در حالی که این رقم در سال 1390 به 1507 نفر بالغ گردید ده است. بر اساس آمارها و گزارش های رسمی، حوادث ناشی از کار، دومین علت مرگ و میر در ایران است.

سقوط از بالای ساختمان های مرتفع در هنگام کار، انفجار معادن، آتش سوزی در محل کار، ریزش ساختمان در محل کار، و سقوط در چاه های عمیق عمده ترین دلایل حوادث کار هستند که تقریباً در تمام موارد به دلیل فقدان ایمنی محیط کار و نبود وسایل مناسب کار رخ داده است. در عین حال، در گزارش های خبرگزاری ایلنا و نیز تشکل های کارگری از «اهمال» بازرسان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سخن گفته شده است.

در مورد حوادث حین کار، نمونه های بیشماری از این دست وجود دارد از جمله آتش سوزی در آذرماه سال 1390 در کارخانه فولاد غدیر یزد که طی آن 18 کارگر جان خود را از دست دادند و عده ای نیز تا نیمی از بدنشان در آتش سوخت. در اسفند ماه سال گذشته، انفجار معدن یال شمالی ذغال سنگ در طبس جان 8 کارگر را گرفت.

در شماری از این حوادث، تاکنون پیگیری های قضایی به نتیجه نرسیده است.

• اخراج کارگران و بحران اشتغال

اغلب کارگران در ایران، بر اساس قراردادهای موقت، پیمانی، روزمزدی، ساعتی و سفیدامضا به کار گرفته می شوند. این کارگران فاقد بیمه های بیکاری و دوران بیماری یا آسیب دیدگی هستند. این قراردادها، اخراج و بیکارسازی انفرادی یا گروهی آنان را، برای کارفرمایان بسیار آسان کرده است. با توجه به تحریم های فزاینده اقتصادی علیه ایران و سیاست های ضد ملی حکومت جمهوری اسلامی ایران و افزایش سرسام آور نرخ ارز در ایران زندگی مردم به ویژه کارگران بسیار دشوار تر شده است.

بسیاری از کارفرمایان به سبب پیوندهایی که با دستگاه حکومتی دارند، همواره از نرخ دولتی ارز برای واردات مواد اولیه و ماشین آلات بهره مند هستند و در بسیاری از موارد، فروش ارزهای رانتی یا سرمایه گذاری در امور تجاری، از تولید کالا، سودآور تر شده است. در نتیجه، کارفرمایان، بدون هیچ نظارتی کارخانه ها و کارگاه های تولیدی را تعطیل و کارگران را اخراج می کنند. بنا بر اظهارات رئیس خانه کارگر، که یک نهاد دولتی است، از اول ماه مه 1390 تا تاریخ مشابه در سال 1391، بیش از یکصد هزار نفر کارگر از کار اخراج شده اند.

• کارگران زندانی

با وجود به رسمیت شناخته شدن حق کارگران برای ایجاد انجمن های صنفی و سراسری در قوانین جمهوری اسلامی ایران، دولت، با شکل های مستقلی که توسط خود کارگران و برای پیگیری خواسته های به حق شان تشکیل شده، به شدت به مقابله برخاسته است و کارگران ان پیشرویی را که در ایجاد سندیکا ها و تشکل های کارگری تلاش نموده اند، تحت تعقیب و آزار قرار می دهد. نمونه های آن را می توان ن در سرکوب خشن "سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه"، "سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اهواز"، "سندیکای کارگران نقاش"

...

اخبار و گزارشات کارگری 2 اردیبهشت ماه 1392

- دیدار اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان با بهنام و نیما ابراهیم زاده

- ریزش دیوار مرگ یک کارگر جوان را رقم زد

- اعتصاب گسترده کارکنان لوفت هانزا و لغو پروازها

دیدار اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان با بهنام و نیما ابراهیم زاده

به گزارش 2 اردیبهشت پایگاه خبری خانواده بهنام ابراهیم زاده، اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان و تعدادی از کودکان کار و خیابان این جمعیت واقع در پاسگاه نعمت آباد تهران، امروز دوشنبه در بیمارستان محک با نیما فرزند بیمار، زندانی در بند بهنام ابراهیم زاده دیدار کردند.

اعضای جمعیت به همراه خود تعدادی از کودکان کار این مرکز را نیز برای دیدن فرزند کارگر معترض زندانی بهنام ابراهیم زاده به بیمارستان محک آورده بودند و از نزدیک با نیما این فرزند طبقه کارگر دیدن کردند.

نیما در کنار فعالین حقوق کودک و کودکان کار بیش از یک ساعت سپری کرد. هریک از کودکان ضمن معرفی خود از نحوه کار کردن و اینکه از چند سالگی مجبور بودند به کار مشغول شوند صحبت کردند.

جبار کودکی بود که در این دیدار از کار سخت و طاقت فرسای خود و اینکه چگونه توانسته در کنار فعالین این مرکز هم کار کند و هم دیپلم خود را بگیرد توضیحاتی داد.

دیگر کودک این جمعیت به نام کبیر از کار و دستفروشی در مترو و خیابانها و اینکه هم کار می کند و در س می خواند صحبت کرد.

نیما نیز از مریضی خود و اینکه چگونه در نبود پدر به مریضی دچار شده اما شجاعانه با این مریضی مقابله می کند و در کنار این سعی دارد تحصیل و درس خود را نیز ادامه بدهد برای فعالین کودک و کودکانی که به دیدن نیما آمده بودند توضیح داد.

اعضای جمعیت دفاع از کودکان و کودکان کار این مرکز از زحمات بیدریغ بهنام و اینکه همواره حتی در درون زندان صدای کودکان بوده نهایت تشکر و قدر دانی خودشان را ابراز داشته و برای نیمای عزیز نیز آرزوی بهبودی هرچه سریعتر کردند و بار دیگر بر حمایت همه جانبه برای بهبودی نیما تاکید کردند همواره بر حمایت‌های خود از این خانواده ادامه خواهند داد.

بهنام ابراهیم زاده به گرمی از اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و کودکان این مرکز استقبال کرد.

ریزش دیوار مرگ یک کارگر جوان را رقم زد

به گزارش 2 اردیبهشت پایگاه خبری 125، شب گذشته در شرق به غرب خیابان دماوند، نرسیده به خیابان سبلان، خیابان نبییان، نیش کوچه باغشاهی ریزش دیوار ساختمان بدلیل گودبرداری مرگ کارگر جوانی را رقم زد.

امیر مهدیانی مدیر منطقه سه عملیات که از اوایل دقایق وقوع حادثه در محل حضور داشت در این باره گفت: در محل حادثه زمینی به مساحت تقریبی 200 متر مربع و به عمق 5 متر برای احداث ساختمان جدید گودبرداری شده بود و کارگران برای برپایی فونداسیون در حال کار بودند که ناگهان دیوار قبلی ساختمان در ضلع شرقی فرو می ریزد و یکی از کارگران در میان خاک و سنگ و آجر گرفتار می شود.

وی افزود: آتش نشانان به محض رسیدن با ایمن سازی محل حادثه و بکارگیری وسایل ویژه نجات اقدام به آواربرداری کردند و بعد از مدتی کارگر جوانی را به نام کریم-ع 30 ساله (از تبعه افغان) را از زیر آوار خارج کردند.

مهدیانی خاطر نشان کرد: آتش نشانان بلافاصله کارگر مصدوم را تحویل امدادگران اورژانس دادند که متأسفانه مرگ وی توسط آنان تأیید شد.

اعتصاب گسترده کارکنان لوفت هانزا و لغو پروازها

اخبار و گزارشات کارگری-22 آوریل 2013: اتحادیه کارگران خدمات آلمان - وردی - که برای 33000 نفر از کارکنان شرکت هواپیمایی لوفت هانزا تقاضای 5/2 درصد افزایش حقوق را مطرح کرده بود، امروز دوشنبه با اعلام اعتصاب کوتاه مدت برفشار خود، جهت پاسخگویی و پای میز مذاکره کشاندن کارفرما افزود.

این اعتصاب که در اکثر فرودگاههای بزرگ آلمان (فرانکفورت - برلین - مونیخ - هامبورگ - دوسلدورف - کلن) صورت گرفت ؛ امروز از 1720 پرواز از پیش برنامه ریزی شده شرکت لوفت هانزا، تنها 32 پرواز انجام گرفت.

اتحادیه کارگران خدمات آلمان - وردی - با یک اعتصاب کوتاه در ماه مارس در رابطه با افزایش دستمزد، پیشنهادش را به لوفت هانزا ارائه کرده بود. اما کارفرما با تهدید به کاهش تعداد پرسنل خدماتی لوفت هانزا و امنیت شغلی کارکنان را به سؤال بردن، خواهان کوتاه آمدن اتحادیه از افزایش دستمزد شد. در حقیقت کارگران را به کار بیشتر با حقوق کمتر برای حفظ شغلشان دعوت کرد.

بدنبال آن اتحادیه کارگران خدمات آلمان با اعلام آنکه لوفت هانزا در سال گذشته 318 میلیون یورو سود داشته است ؛ برخورد کارفرما رانسبت به افزایش دستمزد نادرست و ناباورانه دانسته و با سازماندهی اعتصابی گسترده تر برای به پای میز مذاکره کشاندن کارفرما؛ جهت افزایش دستمزد 5/2 درصد برای 12 ماه و نیز تضمین امنیت شغلی پرسنل لوفت هانزا، شده است.

دوم اردیبهشت ماه 1392

اخبار و گزارشات کارگری 1 اردیبهشت ماه 1392

- اولین اعتصاب بزرگ کارگری در سال جدید، تولید در کارخانه نورد لوله صفا را متوقف کرد

- تجمع 2 روز متوالی کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز مقابل استانداری خوزستان در اعتراض به 27 ماه عدم دریافت حقوق

- اجتماع کارگران کارخانه فارسیت دورود در فرمانداری در اعتراض به عدم پرداخت 5 ماه حقوقشان و اخراج کارگران

- تجمع کارگران راه آهن یزد مقابل استانداری برای تبدیل وضعیت از شرکتی به قرارداد مستقیم

- تجمع کارگران کاشی رویال سمنان مقابل استانداری در اعتراض به تعطیلی کارخانه و عدم دریافت دو ماه حقوق

- تجمع کارکنان استانداری کهگیلویه و بویراحمد

- تجمع کارکنان فرمانداری کهگیلویه جلوی فرمانداری

- شاپور احسانی راد: اول ماه مه یازده اردیبهشت 92 روز اعتراض متحدانه کارگران برای افزایش دستمزدها

- گزارشی از کارگران مجروح حادثه انفجار 29 فروردین معدن فردوس

اولین اعتصاب بزرگ کارگری در سال جدید، تولید در کارخانه نورد لوله صفا را متوقف کرد

اتحادیه آزاد کارگران ایران: از اولین ساعات صبح امروز صد کارگر اخراجی کارخانه نورد لوله صفا در اعتراض به اخراج و عدم پرداخت حقوق شان بطور اعتراض آمیزی وارد این کارخانه شدند و با پیوستن همه کارگران به آنان، تولید در این کارخانه متوقف شد.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران صبح دیروز کارفرمای این کارخانه با عدم تمدید قرارداد صد نفر از کارگران دست به اخراج آنان زد و برای تسهیل اخراجهای بیشتر، قرارداد شش ماهه و یکساله 1100 کارگر دیگر را فقط بمدت یکماه تمدید نمود. همه اینها در حالی است که قرار بود بیستم فروردین ماه قسمتی از مطالبات معوقه این کارگران پرداخت شود اما کارفرمای این کارخانه نه تنها در روز بیستم فروردین به وعده خود عمل نکرد بلکه در اقدامی برای به تمکین واداشتن کارگران صد نفر از آنان را اخراج و قرارداد مابقی کارگران را بمدت یکماه تمدید کرد.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنیاال ورود اعتراض آمیز صد کارگر اخراجی به داخل کارخانه نورد لوله صفا و پیوستن دیگر کارگران به آنان که از صبح امروز منجر به آغاز اعتصابی متحدانه در این کارخانه شد مدیران کارخانه تلاش کردند با تهدید کارگران، آنان را وادار به شکستن اعتصاب کنند اما با واکنش شدید کارگران مواجه شدند که در مواردی به درگیریهای شدید لفظی ما بین کارگران و مدیران کارخانه کشیده شد.

اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفا با پیوستن کارگران شیفت شب به اعتصاب تا لحظه دریافت این خبر (19 عصر) همچنان ادامه دارد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - اول اردیبهشت ماه 1392

تجمع 2 روز متوالی کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز مقابل استانداری خوزستان در اعتراض به 27 ماه عدم دریافت حقوق

به گزارش اردیبهشت ایلنا، همزمان با سفر محمود احمدی نژاد به اهواز، کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر این شهر صبح امروز در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

بنابراین گزارش، نماینده کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز گفت: جمعی از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که 27 ماه است به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق نگرفته اند همزمان با سفر رئیس دولت به شهر اهواز صبح امروز - یکشنبه- برای دومین روز متوالی در سال جدید با در دست داشتن پلاکاردهای در اعتراض به بی توجهی مسئولان استانی نسبت به مشکلاتشان مقابل استانداری شهر اهواز تجمع کردند.

او با اشاره به اینکه هدف از تجمع امروز کارگران قند اهواز دیدار با رئیس دولت و هیئت همراه است، اظهار داشت: هیئت دولت در دور دوم سفرهای استانی خود برای حل مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران آن مصوبه ای را تصویب کرد که این مصوبه نه تنها نتوانست مشکلات کارخانه و کارگران را رفع کند بلکه بعد از تصویب آن گره ای باز نشدنی به مشکلات کارگران افزوده شد.

وی در تشریح جزئیات این مصوبه گفت: در جریان دور دوم سفرهای استانی دولت به خوزستان، هیات دولت مصوب کرد که کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتی، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه از بخش خصوصی به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد.

نماینده حقوقی کارگران قند اهواز در این زمینه اضافه کرد: متأسفانه بانک های ملی و ملت نیز بعنوان مالکین قبلی کارخانه، با استناد به مصوبه دولت مبنی بر فروش کارخانه به وزارت صنایع و معادن از پیگیری امور کارخانه سرباز می زنند که همین مشکل تا امروز ادامه داشته و کارخانه در وضعیت تعطیلی کامل قرار دارد و هیچکدام از طرفین، مسئولیتی در قبال مشکلات این کارخانه و کارگران بیکار برعهده نمی گیرند.

نماینده کارگران قند اهواز یاد آور شد: با پیگیری های انجام شده، بانک های ملی و ملت حاضر نیستند مسئولیت کارخانه را برعهده بگیرند و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز، با استناد به غیرقانونی بودن مصوبه دولت، روند بازسازی و راه اندازی مجدد کارخانه را متوقف کرده، که این مساله مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است.

این کارگر به نمایندگی از سایر کارگران قند اهواز از دولت خواست راهکار کارشناسی شده ای را برای بررسی و رفع مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران بیکار شده اش ترسیم کنند تا آنان نیز در سال جدید با دریافت مطالبات و رفع مشکلات کارخانه خبر خوشحال کننده ای را برای خانواده های خود ببرند.

اجتماع کارگران کارخانه فارسیت ورود در فرمانداری در اعتراض به عدم پرداخت 5 ماه حقوقشان و اخراج کارگران

به گزارش اردیبهشت مهر، صبح امروز 40 نفر از کارگران کارخانه فارسیت درودبا تجمع در فرمانداری خواستار رسیدگی به مشکلاتشان از جمله عدم پرداخت مطالبات و اخراج کارگران پیمانکار بالایی ده سال سابقه کار شدند.

براساس این گزارش، این کارگران سوء مدیریت مدیرعامل و مدیران ارشد شرکت فارسیت، عدم حضور آنان در محیط کار جهت پاسخگویی لازم به کارگران و افکار عمومی، عدم پرداخت مطالبات و همچنین تصمیم به اخراج کارگران پیمانکار بالایی ده سال سابقه کار را از جمله مشکلات این کارخانه ذکر کردند.

بنابر این گزارش بعد از مذاکرات امروز این کارگران با مسئولان در فرمانداری، مدیران کارخانه فارسیت وعده داده اند که طلب یک ماه کارگران را که گفته می شود پنج ماه است حقوقی دریافت نکرده اند به آنها پرداخت کنند.

تجمع کارگران راه آهن یزد مقابل استانداری برای تبدیل وضعیت از شرکتی به قرارداد مستقیم

به گزارش اردیبهشت ایلنا، حدود 100 نفر از کارگران «شرکتی» اداره کل راه آهن یزد ظهر امروز در اعتراض به عدم تغییر وضعیت قرارداد کاری از شرکتی به قرارداد مستقیم مقابل استانداری یزد تجمع کردند.

این کارگران پیش از این طی طوماری خواستار تغییر وضعیت قرارداد خود تا پایان فروردین ماه شده بودند.

تجمع کارگران کاشی رویال سمنان مقابل استانداری در اعتراض به تعطیلی کارخانه و عدم دریافت دو ماه حقوق

به گزارش اردیبهشت ایلنا، بیش از ۳۰ کارگر کارخانه کاشی رویال سمنان صبح امروز یکشنبه -یکم اردیبهشت ماه سال ۹۲- در اعتراض به تعطیلی کارخانه از سوی کارفرما و عدم دریافت دو ماه حقوق معوقه خود در مقابل استانداری سمنان تجمع کردند.

براساس این گزارش، از صبح دیروز شنبه کارخانه کاشی رویال سمنان از جانب کارفرما تعطیل اعلام شده است.

تجمع کارکنان استانداری کهگیلویه و بویر احمد

به گزارش اردیبهشت کینا نیوز، جمعی از کارکنان استانداری استان کهگیلویه و بویر احمد به دلیل اعتراض نسبت به حقوق و مزایای خود در محل استانداری تجمع کردند.

این کارکنان نسبت به حقوق و مزایا کارمندی خود معترض هستند که با حضور در محل استانداری نسبت به این موضوع تجمع و گلایه کردند.

تجمع کارکنان فرمانداری کهگیلویه جلوی فرمانداری

به گزارش اردیبهشت کینا نیوز، جمعی از کارکنان فرمانداری کهگیلویه به دلیل اعتراض نسبت به حقوق و مزایای خود در جلوی فرمانداری تجمع کردند.

برپایه این گزارش، این کارکنان نسبت به حقوق و مزایایشان و بی توجهی استاندار کهگیلویه و بویر احمد نسبت به مشکلات آنها گلایه و اعتراض داشتند.

شاپور احسانی راد

اول ماه مه یازده اردیبهشت 92 روز اعتراض متحدانه کارگران برای افزایش دستمزدها

اول ماه مه یازده اردیبهشت در سراسر جهان روز جشن شادی و پایکوبی کارگران، روز اتحاد و همبستگی طبقاتی جهانی کارگران و روز اعتراض و کیفر خواست علیه نظام سرمایه داری است. در ایران بیش از سی سال از یورش نظام سرمایه داری به شوراهای کارگری که از دل انقلاب 57 برآمدند میگذرد. در این مدت در طول هشت سال جنگ دستمزد ما کارگران را منجمد کردند و با رواج قراردادهای اسارت بار موقت سالهاست با تعرضی حریصانه، کار و معاش و زندگی فردی و اجتماعی ما را به نابودی کشانده اند. توهین، تحقیر، استعمار شدید، بیکاری، اخراج، سرکوب و بگیر و ببند کارگران متعرض به شرایط هر روزه ما تبدیل شده است اما ما کارگران روی پای خود ایستاده ایم و هرگز تسلیم نشده ایم. جوهر کشمکش طبقاتی این قوه محرکه تاریخ با سوخت و ساز خود، شعله های امید به زندگی و رهایی را هر دم برای ما فروز آنتر بر افروخته و گوره شرایط مصیبت بار سی سال گذشته اگر چه ما را لاغر اما چالاک و آبدیده کرده است و در این سالها بویژه از دهه هشتاد به این سو هر روزه بر عمق و دامنه تجمعات و اعتصابات و اعتراضات کارگری افزوده شده است.

امسال شورای عالی کار به غیر قانونی ترین شکلی با زیر پا گذاشتن ماده 41 قانون کار و با نا دیده انگاشتن تورم واقعا موجود و حق حیات شرافتمندانه یک خانوار 4 نفره، زندگی و معیشت میلیونها خانواده کارگری را بطور بی سابقه ای در معرض تباهی قرار داد و شاخص فلاکت را به بیش از 45 درصد رساند. از نظر ما این مصوبه هیچگونه توجیه اقتصادی و اجتماعی و قانونی ندارد و فقط منفعت طلبی و تخلف مجریان حامی سرمایه و دشمنی آنها را به طبقه کارگر نشان میدهد مجریانی که خود قانون را دور زدند و تخلف کردند و دغلكارانه به کارگران

توصیه می کنند به قانون (دیوان عدالت اداری) شکایت کنید ما کارگران خواهان محاکمه مجریان متخلف، لغو مصوبه حداقل مزد و به رسمیت شناختن یک میلیون و پانصد هزار تومان بعنوان حداقل مزد برای برخورداری از حداقلی از رفاه هستیم. ما کارگران و خانواده هایمان مطلقاً نمی توانیم در شرایطی که هزینه های زندگی بیش از شش برابر افزایش یافته و موج گرانی رسمی و غیر رسمی بطور تصاعدی در حال بالا رفتن است با این دستمزدها زندگی را تحمل کنیم و خاموش بمانیم. اکنون برای ما کارگرانی که به علت استیصال و درماندگی برای گذران زندگی هر روزه صد دفعه می میریم و زنده میشویم یازده اردیبهشت 92 رنگ و بوی تازه ای دارد. برای ما کارگران ایران اول ماه مه گرمی داشت یک خاطره یا بزرگداشت یک رویداد تاریخی صرف نیست. زمان عمل است، روز به میدان آمدن کارگران به خیابانهاست و روز نمایش مصممانه و پر قدرت ما بعنوان یک نیروی اجتماعی برای از بین بردن اختلاف طبقاتیست. در این روز باید کارگران به خیابانها بیایند و این روز را به روزی بزرگ برای تحقق مطالبات خود بدل کنند. ما کارگران ایران در این روز پرشکوه با اعتراض علیه دستمزد 487 هزار تومانی، علیه بیکاری، علیه سیر صعودی قیمتها و علیه تبعیض و نابرابری یک بار دیگر انسانیت خود را در صفوفی متحد و یکپارچه فریاد خواهیم زد.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران زنده باد اول ماه مه

گزارشی از کارگران مجروح حادثه انفجار 29 فروردین معدن فردوس

موج این انفجار به حدی بود که باعث پارشدن گوش همچنین خونریزی داخلی چشم تعدادی از آسیب دیدگان شد. شکستگی استخوانها هم از دیگر جراحتهای وارده به حادثه دیدگان بود.

به گزارش اردیبهشت مهر، وقوع انفجار در معدن فردوس سیرجان، باعث مجروح شدن 15 نفر از کارگرانی شد که در نزدیکی محل انفجار بودند.

پس از وقوع انفجار در معدن فردوس که روز چهارشنبه هفته گذشته رخ داد؛ در اثر این انفجار نابهنگام تعداد مجروحان به 15 نفر رسید.

بعد از وقوع این حادثه، مصدومان بلافاصله به بیمارستان غرضی انتقال داده شده و در این بیمارستان برای ساعاتی کد بحران اعلام شد.

رئیس بیمارستان غرضی، در این باره گفت: موج این انفجار به حدی بود که باعث پارشدن گوش همچنین خونریزی داخلی چشم تعدادی از آسیب دیدگان شد. شکستگی استخوانها هم از دیگر جراحتهای وارده به حادثه دیدگان بود.

مسعود حاج محمدی ابراز داشت: در انفجارهای اینچنینی پارگی ریه و روده و پارگی گوش از جراحتهایی است که افراد را تهدید می کند که در این حادثه به علت فاصله ای که حادثه دیدگان با محل انفجار داشتند از جمله صدمات وارده، آسیب گوش و متورم شدن گوش همگی این افراد بود.

وی در ادامه بیان داشت: بعد از پذیرش کارگران، در این بیمارستان کد بحران اعلام و رسیدگی به مجروحان آغاز شد و این کارگران تحت درمان پزشکان این بیمارستان قرار گرفتند. تعدادی از این مجروحان به علت پارگی ریه و خونریزی داخل چشم به بخش جراحی و دیگر مصدومان در بخشهای مربوطه تحت درمان لازم قرار گرفتند.

اول اردیبهشت ماه 1392

اخبار و گزارشات کارگری 31 فروردین ماه 1392

- سخنان رضا شهابی در مسیر بازگشت به زندان اوین

- دیدار فعالین کارگری آزاد شده با خانواده ی علی آزادی

- موج جدید گرانی

گران شدن نان حتمی است، گوشت 60 درصد گران شد، قیمت روغن نباتی 40 درصد افزایش یافت

- گزارشی از کارگران کارخانه فروآلیاژ ازنا:

- اعتصاب تاکسی داران همدان

- کشته و زخمی شدن ۲ کولبر دیگر در مناطق مرزی پیرانشهر

سخنان رضا شهابی در مسیر بازگشت به زندان اوین:

دیدار فعالین کارگری آزاد شده با خانواده ی علی آزادی

پنج شنبه شب 92/1/29 فعالین کارگری آزاد شده (وفا قادری- خالد حسینی و حامد محمودی نژاد)، به همراه تعداد دیگری از فعالین کارگری شهر سندانج، در دیداری صمیمانه با خانواده ی علی آزادی، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی که هم اکنون در بازداشتگاه اداره ی اطلاعات سندانج به سر می برد، بار دیگر بر پیوند طبقاتی خود با علی آزادی و دیگر فعالین کارگری در بند تأکید ورزیده، و حمایت های بی دریغ و همه جانبه ی خود را از تمامی فعالین کارگری زندانی و مواضع برحقشان ابراز نمودند.

حاضرین در این دیدار پشتیبانی توده ی کارگران را در پایان بخشیدن به این تهاجمات گسترده به صفوف فعالین کارگری را عاملی مهم، و ضرورتی اجتناب ناپذیر در پیشروی جنبش کارگری تلقی نموده، و خواستار حمایت همه جانبه از کارگران و فعالین کارگری زندانی شدند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری- 30 فروردین 1392

گران شدن نان حتمی است

به گزارش 31 فروردین اینلنا، مدیر عامل شرکت بازرگانی دولتی ایران از قطعی بودن افزایش قیمت نان خبر داد.

بر اساس این گزارش، «عباس قیادی» با اعلام اینکه قیمت خرید تضمینی گندم طی امروز و فردا مشخص می شود، اظهار داشت: در حال حاضر گندم کشاورزان را به صورت علی الحساب کیلویی ۵۵۰ تومان خریداری می کنیم. قیمت پیشنهادی برای خرید تضمینی گندم بین ۶۵۰ تا ۸۰۰ تومان برای هر کیلو گرم است.

مدیر عامل شرکت بازرگانی دولتی ایران در پاسخ به این سوال که آیا با افزایش قیمت گندم، نان گران می شود، گفت: طبعاً قیمت نان گران می شود.

گوشت 60 درصد گران شد

به گزارش 31 فروردین مهر، قیمت گوشت در سطح فروشگاههای شهر چند روزی است که با افزایش مواجه شده است و در برخی از انواع گوشت قرمز، این افزایش تا 60 درصد هم خود را نشان داده است. به خصوص در سطح فروشگاههای زنجیره ای، افزایش قیمت مشهود است و از سوی دیگر، با پایان یافتن فروردین ماه، بساط توزیع گوشتهای تنظیم بازاری نیز برچیده شده است.

برخی از مسئولان، دلایل متفاوتی را برای افزایش قیمت گوشت در سطح بازار عنوان می کنند که از جمله آن، حذف اختصاص ارز مرجع به گوشت و هدایت واردکنندگان به سمت واردات گوشت با ارز مبادلاتی است. در عین حال، واردکنندگان اما اذعان دارند که در دریافت ارز مبادلاتی برای واردات گوشت قرمز با مشکل مواجه هستند و همین امر، روند واردات را کند کرده است.

قیمت روغن نباتی 40 درصد افزایش یافت

به گزارش 31 فروردین ایسنا، دبیر انجمن صنایع روغن نباتی از افزایش 40 درصدی قیمت روغن نباتی خبر داد و گفت: با توجه به تغییر سیاستهای دولت در تخصیص نرخ ارز مرجع برای واردات روغن خام از یکشنبه اول اردیبهشت ماه واردات روغن خام صرفاً با ارز مبادله ای صورت می گیرد.

قاسم فلاحتی با اشاره به وابستگی 90 درصدی کشور به واردات روغن خام افزود: تغییر نرخ ارز تأثیر مستقیمی بر قیمت تمام شده کالا دارد. بنابراین بر اساس مصوبه ستاد تنظیم بازار و هماهنگی به عمل آمده بین انجمن روغن نباتی و وزارت صنعت، معدن و تجارت افزایش 40 درصدی قیمت روغن نباتی تصویب شد.

وی توقف تخصیص ارز مرجع به واردات روغن نباتی را عامل اصلی و مهمی برای افزایش قیمت روغن نباتی ذکر کرد.

فلاحتی خاطر نشان کرد: انواع روغن از فردا اول اردیبهشت ماه با افزایش 40 درصدی در قیمت عرضه خواهد شد.

دبیر انجمن صنایع روغن نباتی توضیح داد: تاکنون قیمت روغن بر اساس ارز مرجع محاسبه می شد، اما از این پس 50 درصد روغن خام با قیمت ارز مرجع و 50 درصد دیگر که توسط بخش خصوصی وارد شده است با ارز مبادله ای محاسبه و تأمین خواهد شد.

گزارشی از کارگران کارخانه فروآلیژ از نا:

اخراج 180 کارگری سال گذشته - برداشت حق دندان پزشکی از حقوق ماهیانه کارگران بدون ارائه هیچگون خدماتی

یک سال پس از مطرح شدن وعده ارائه خدمات دندان پزشکی به کارگران کارخانه «فروآلیاژ ازنا»، این کارگران با مشکلات عجیبی مواجه شده‌اند.

اردیبهشت ماه سال ۹۱ بود که به کارگران کارخانه فروآلیاژ ازنا وعده داده شد که به زودی در محل کار آن‌ها یک مطب دندانپزشکی راه اندازی خواهد شد.

بر این اساس قرار بود تا از طریق انعقاد یک تفاهم‌نامه همکاری میان کارفرمای شرکت فروآلیاژ با شرکتی به نام «بهبود آذین گستر» خدمات دندان پزشکی به کارگران و خانواده‌های آن‌ها ارائه شود.

بنا بر ادعای کارگران فروآلیاژ، در نهایت این تفاهم‌نامه همکاری امضا شد و به موجب آن هر ماهه مبلغی از حقوق آن‌ها کاسته می‌شود بی‌آنکه خدماتی به کارگران و اعضای خانواده‌های آن‌ها ارائه شود.

به گفته کارگران این وضعیت همچنان ادامه داشت تا اینکه در پاییز سال گذشته سه نفر پزشک برای اجرای این طرح در محلی خارج از شهر مستقر شدند که به دلیل دوری مسافت، محدود بودن زمان مراجعه به روزهای پنجشنبه و جمعه، کثرت مراجعه کنندگان و نبود امکانات اولیه مانند روشنایی معابر، کارگران نتوانستند از این خدمات استفاده کنند.

کارگران فروآلیاژ می‌گویند این وضعیت سرگردانی برای مدت نزدیک به یک سال ادامه داشت تا اینکه به تازگی به آن‌ها گفته شده است که دلیل غیر معتبر بودن شرکت ارائه دهنده خدمات دندان پزشکی تفاهم‌نامه امضا شده غیر قابل اجراست.

این اظهارات در حالی است که مسئولان شرکت «بهبود آذین گستر» می‌گویند که به عنوان مجری ارائه دهنده خدمات بهداشت دهان و دندان هیچ تفاهم‌نامه‌ای را با کارخانه فروآلیاژ ازنا امضا نکرده‌اند.

به گفته خانم فرجی، مدیر عامل کنونی شرکت بهبود آذین گستر با اعلام اینکه شرکت متبوعش هیچ تفاهم‌نامه‌ای را با کارخانه فروآلیاژ ازنا امضا نکرده است، در خصوص ادعای نارضایتی کارگران این کارخانه گفت: مدیر عامل سابق این شرکت بدون اجازه، از جانب خود و بطور شخصی قراردادی را با کارخانه فروآلیاژ امضا کرده است اما از نظر قانونی و حقوقی هیچ مسئولیتی متوجه شرکت بهبود آذین گستر نیست.

وی با بیان اینکه مجموعه تحت مدیریت وی با دولت یک قرارداد کلی در خصوص فعالیت در شهرستان‌ها منعقد کرده است؛ تاکید کرد در حال حاضر تنها بصورت آزمایشی در تهران مشغول فعالیت هستیم.

هر چند بنا بر ادعای مدیر عامل، این شرکت هیچ تفاهم‌نامه همکاری با کارخانه فروآلیاژ منعقد نکرده است و از این بابت هیچ مسئولیتی ندارد اما در این میان نمی‌توان نسبت به وضعیت کارگران کارخانه فروآلیاژ ازنا بی‌تفاوت بود.

این کارگران که سال گذشته شاهد تعدیل حدود ۱۸۰ نفر از همکاران خود بودند مدعی‌اند که هم‌زمان با گرانی‌های سال گذشته هر ماه مبلغی از حقوق آن‌ها بابت ارائه خدمات دندان پزشکی کسر شده است بدون آنکه خدماتی ارائه شود.

منبع: ایلنا- 31 فروردین بخشی از یک گزارش

اعتصاب تاکسی داران همدان

به گزارش 31 فروردین فارس، تاکسی‌داران چرخشی شهر همدان به دلیل نرخ‌گذاری غیر کارشناسی شورای شهر همدان دست به اعتصاب زدند.

برپایه این گزارش، صبح شنبه هر رهگذری که از میدان جهاد همدان عبور کرد با حجم زیادی از تاکسی‌های زرد رنگی که همه محوطه این میدان را اشغال کرده بودند مواجه می‌شد که از سوار کردن مردم و مسافرانی که برای رسیدن به محل کار در ایستگاه بودن خودداری می‌کردند.

با حضور در بین رانندگان تاکسی که به نشانه اعتراض صبح روز اول هفته، دست از کار کشیده بودند صحبتی کردیم تا چرایی و چگونگی و دلیل این اعتصاب را جویا شویم.

یکی از رانندگان که حدود 23 سال سابقه در صنف تاکسی‌دار دارد از عدم توجه مطلوب به این قشر به شدت گلایه داشت و معتقد بود که طی دو سال اخیر با حجم گرانی که از لوازم یکی خودرو در بازار مواجه هستیم اصلاً مسئولان سازمان تاکسیرانی به فکر رانندگان که حجم بالایی از بار ترافیکی شهر را بر دوش دارند نیستند.

وی با اشاره به اینکه پنجشنبه از طریق پخش اطلاعیه از طرف سازمان نرخ تاکسی‌های گردشی همدان اعلام شده که از اکثر مسیرها شاهد افزایش نرخ 50 درصدی هستیم اما در یکی از مسیرهای پرتردد که هر روزه با ترافیک بالایی روبرو است تنها 25 درصد افزایش داشته است.

بر اساس اعلام نرخ جدید مسیر میدان امام تا میدان جهاد که در سال گذشته 200 تومان بوده، 250 تومان اعلام شده است و این در حالی است که در اکثر مسیرهای مشخص شده برای تاکسی‌های خطی یا گردشی شاهد افزایش نرخ 50 درصدی هستیم.

کشته و زخمی شدن ۲ کولبر دیگر در مناطق مرزی پیرانشهر

به گزارش 31 فروردین کُردپا، یک کولبر کُرد در کوهستان‌های مرزی شهرستان پیرانشهر، با شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران به قتل رسید.

بنابه‌میز گزارش، روز جمعه سی‌ام فروردین‌ماه یک کولبر کُرد به نام "ابراهیم عزیزی" فرزند اسکندر، اهل روستای "دریکه" در شهرستان پیرانشهر به سبب تیراندازی مستقیم نظامیان حکومتی جان خود را از دست داد.

وی ۳۳ سال سن و دارای ۲ فرزند است.

همچنین در نتیجه‌ی شلیک این نیروها یک کولبر دیگر به نام "مولود" فرزند "بایزید" به شدت زخمی که جهت مداوا به مراکز درمانی ارومیه منتقل شده است.

این کولبر کُرد ۴۰ ساله از اهالی روستای "تاچین‌آباد" شهرستان اشنویه بوده که در اثر شلیک نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران به شدت زخمی می‌شود.

در این گزارش آمده است، در تعقیب و گریز کولبران توسط نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران، برادر ابراهیم به نام "کیوان" ناپدید می‌شود و تا لحظه‌ی انتشار این خبر، هیچ اطلاعی از سرنوشت وی در دست نمی‌باشد.

سی و یکم فروردین ماه 1392

اخبار و گزارشات کارگری 30 فروردین ماه 1392

- تماس تلفنی علی آزادی، فعال کارگری دربند با خانواده اش

- آزادی فریبرز رئیس دانا اقتصاد دان و مدافع حقوق کارگران

- عدم توجه به فرارگیری کارکنان علوم آزمایشگاهی در لیست مشاغل سخت و زیان‌آور

- 28 زخمی حاصل پورش به تجمع اعتراضی کارگران مهاجر دریونان و وخامت حال 8 نفرشان

- دست کم چهارده نفر در انفجار تگزاس کشته شدند

تماس تلفنی علی آزادی، فعال کارگری دربند با خانواده اش

طبق گزارش رسیده چهارشنبه شب (92/1/28)، علی آزادی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی، که مدت 45 روز است به اتهامات واهی در بازداشت اداره ی اطلاعات سنندج به سر می برد، طی تماسی تلفنی با همسرش خبر از اتمام بازجویی های خود داده، و ادامه بازداشتش را غیر قانونی اعلام نمود.

همچنین نام برده طی این تماس خبر از وضعیت وخیم جسمی خود و امتناع مسئولین امنیتی بازداشتگاه اداره ی اطلاعات از ارائه ی خدمات درمانی و دارویی به خود را داد، و از شرایط غیر بهداشتی بازداشتگاه نیز ابراز ناراحتی نموده بود، که این وضعیت موجبات نگرانی خانواده، دوستان و دیگر فعالین کارگری را فراهم آورده است.

کمیته هماهنگی ضمن محکوم نمودن تمامی فشارهای اعمال شده بر این فعال کارگری و دیگر فعالین و تشکل های کارگری، خواهان پایان بخشیدن به احکام بازداشت و زندان تمامی کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی دربند می باشد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-92/1/30

آزادی فریبرز رئیس دانا اقتصاد دان و مدافع حقوق کارگران

فریبرز رئیس دانا روز سه شنبه 27 فروردین بعد از گذراندن حدود یکسال حبس از زندان آزاد گردید. نام برده به دنبال انجام مصاحبه های روشنگرانه در ارتباط با طرح به اصطلاح هدفمندی یارانه ها توسط نیروهای امنیتی بازداشت، و روانه ی زندان گردید.

وی تنها به اتهام دفاع از حقوق کارگران و نشان دادن تبعات زیان بار حذف پارانها ها از زندگی و معیشت محرومان ایران، و اعتراض به این طرح ضد کارگری اقدام به انجام مصاحبه هایی افشا گرانه بر علیه این برنامه های سرمایه محور نموده بود؛ اما حامیان غیر قابل انعطاف سرمایه در ایران، که منافعشان را در سایه ی این افشاگری ها در خطر می دیدند، با بر نتابیدن حقایق افشا شده، و با به زندان افکندن وی تلاش کردند تا مانع از روشنگری های بیشتر ایشان شوند.

کمیته هماهنگی ضمن شادباش آزادی وی به خانواده ی ایشان و جامعه ی کارگری ایران، خواستار آزادی تمامی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی، و منع محدودیت های اعمال شده بر علیه آنان می باشد..

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری- 92/1/30

عدم توجه به قرارگیری کارکنان علوم آزمایشگاهی در لیست مشاغل سخت و زیان آور

گزارشی از مشکلات کارکنان آزمایشگاه ها - ایدز و هیاتیت در کمین کارشناسان آزمایشگاهی

کارکنان علوم آزمایشگاه گرچه تاکنون از قانون بهروری برخوردار نشده اند اما همچنان از اصلی ترین زنجیره تشخیص و درمان بسیاری از بیماری ها هستند و برای تشخیص و حتی پیشگیری از بسیاری از بیماری های مهلک تلاش می کنند هر چند که شاید در این بین جان خود را از دست دهند.

آنان امیدوارند تا با قرار گیری آنان در لیست مشاغل سخت و زیان آور بسیاری از مشکلات آنان رفع شود.

حسن قجاوند با اشاره به اینکه آزمایشگاهیان همواره از قوانینی که در مجامع سلامت پیاده شده به دور مانده اند، می افزاید: به عنوان مثال در قانون بهروری و ارتقای کیفیت به هیچ عنوان نامی از آزمایشگاه و کارکنان این رشته برده نشده است.

عضو هیات مدیره جامعه آزمایشگاهیان بالینی کشور با بیان اینکه این را باید در نظر داشت افزایش کیفیت در آزمایشگاه می تواند در بالا بردن سلامت جامعه دخیل باشد، می گوید: امروزه آزمایشگاهیان علی رغم کار در محیط های بسیار آلوده از کمترین سختی کار نیز برخوردار نیستند و حتی توافق وزیر بهداشت سابق در این زمینه آفاقه نکرد و این امر انجام نشد.

وی می افزاید: در حال حاضر قانون آزمایشگاهیان کل کشور نیز خواستار تحقق این امر و قرارگیری این شغل در لیست مشاغل سخت و زیان آور است.

قجاوند با اشاره به اجرایی شدن قانون بهروری برای پرستاران و می افزاید: اجرایی شدن این قانون برای پرستاران نه تنها به نفع آزمایشگاهیان بالینی نبود بلکه موجب افزایش ساعت کار آنان شد.

محمد حسین خانی عضو نظام پزشکی اصفهان و مسوول فنی آزمایشگاه ثامن الائمه با بیان اینکه پایین بودن حقوق کارمندان این رشته نیز از دیگر مشکلاتی این جامعه است، اظهارداشت: با توجه به خطرات فراوانی که کارکنان آزمایشگاه را تهدید می کند این حقوق کفاف آنها را نمی کند.

یکی از کارکنان علوم آزمایشگاهی با اشاره به اینکه حرفه آزمایشگاه از مشاغل سخت و زیان آور است، ادامه می دهد: بسیاری از کارکنان آزمایشگاه ها با خطر ابتلا به انواع و اقسام بیماری ها روبرو هستند، افرادی که روزانه برای آزمایش به این مراکز ارجاع داده می شود یا از بیماری خود بی اطلاع هستند یا در هنگام آزمایش حرفی در این زمینه نمی زند و این در برخی موارد موجب انتقال برخی از بیماری های مهلک مانند هیاتیت و یا ایدز می شود.

وی خواستار توجه ویژه به کارکنان علوم آزمایشگاهی و قرار گیری آنان در لیست مشاغل سخت و زیان آور شد و ادامه داد: در این صورت می توان امیدوار بود که در صورت ابتلا به بیماری می توان برای درمان هر چه سریعتر و بهتر آن تلاش کرد و از پیشرفت بیماری جلوگیری کرد.

منبع: ایمن-30 فروردین

28 زخمی حاصل یورش به تجمع اعتراضی کارگران مهاجر در یونان و وخامت حال 8 نفرشان

به گزارش 18 آوریل یورونیوز، تظاهرات در آتن این روز ها به یک امر روزمره تبدیل شده. اما این بار نه مردم بومی، بلکه کارگران مهاجر عمدتاً بنگلادشی دست به اعتراض زده اند.

مهاجرانی که می گویند ظرف چند ماه اخیر دستمزدشان را دریافت نکرده اند. روز چهارشنبه ۲۰۰ تن از کشاورزان مهاجر در یک مزرعه توت فرنگی با تقاضای پرداخت دستمزد تجمع کردند. پلیس می گوید، سه سرکارگر در واکنش به تقاضای مهاجران به سمت آن ها آتش گشودند. در نتیجه ۲۸ مهاجر زخمی شدند و حال ۸ تن از آن ها وخیم است.

نیکوس پاپانگورگیو از سازمان کار حزب کمونیست یونان می گوید: «ما نباید این گونه رویدادها را نادیده بگیریم. باید به سیاست های ضد کارگری واکنش نشان داد».

مقام های پلیس می گویند صاحب مزرعه را دستگیر کرده اند، اما هنوز موفق به بازداشت سه سرکارگر فراری نشده اند.

یونان دروازه ورود مهاجران آسیایی و آفریقایی به اتحادیه اروپاست. بیشتر مهاجرانی که در یونان استخدام می شوند، از حق اشتغال برخوردار نیستند. ۴۰ درصد کارگران غیر مجاز در این کشور را مهاجران تشکیل می دهند.

دست کم چهارده نفر در انفجار تگزاس کشته شدند

به گزارش ۱۹ آوریل یورونیوز، در پی وقوع انفجار کارخانه کود شیمیایی در ایالت تگزاس آمریکا، شمار کشته شدگان تا این لحظه دست کم چهارده نفر تخمین زده می شود.

در میان کشته شدگان چهار پزشک دیده می شود و پنج مامور آتش نشانی هم در میان افرادی هستند که در پی این انفجار ناپدید شده اند.

در این حادثه در شهر کوچک «وست» در نزدیک واکو بیش از ۱۶۰ نفر زخمی شده اند. نیروهای امدادسانی در حال جستجو برای یافتن بازماندگان هستند و احتمال افزایش شمار تلفات و مجروحان وجود دارد.

سی فروردین ماه ۱۳۹۲

اخبار و گزارشات کارگری ۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۲

- پیام تشکر وفا قادری- خالد حسینی- حامد محمودی نژاد- بهزاد فرج اللهی

- عدم تبدیل وضعیت بیش از ۱۰۰ هزار نفر از کارکنان پیمانکاری وزارت نفت و اعتراضات کارکنان تبدیل وضعیت شده

- تجمع متقاضیان مسکن مهر مقابل استانداری زنجان برای دومین روز متوالی

- مصدومیت بیش از ۱۰ کارگر بر اثر انفجار در معدن فردوس

- گلوله در ازای حقوق معوقه کارگران

- انفجار مرگبار در یک کارخانه تولید کود شیمیایی در ایالت تگزاس آمریکا

پیام تشکر وفا قادری- خالد حسینی- حامد محمودی نژاد- بهزاد فرج اللهی

نمیدانیم با کدامین زبان سرود واژه های سپاسمان را به پیشگاه شما عزیزان تقدیم نمائیم، و با کدامین کلام، درود بی پایانمان را نثار شما گرامیان کنیم؛ زیرا واژه ها اغلب رسانه هایی نارسایند. به راستی همراهی و هم آوایی شما عزیزان، اراده و توانمان را برای پایداری در زیر سهمگینی بار استعمار و عصیان در برابر آن صد چندان نموده، و عزم مان را بیش از هر زمان دیگری برای درنوردیدن گردنه ها و تندپیچ های موجود بر سر راه جنبش کارگری جزم نموده است؛ به راستی همدلی شما همزمان، تلالؤ نوری رهائی بخش را در این ظلمات سرمایه داری، به چشمان منتظرمان نوید بخشیده است.

حمایت های گسترده و همه جانبه ی شما زنان و مردان آزادی خواه از ما، به منزله ی مهر تأییدی دوباره بر مواضع برحق ما و جنبش کارگری، بر حقانیت این موضوع که طبقه ی کارگر، در صورت اتکاء به نیروی خود مترقی ترین طبقه در عصر سرمایه داری است صحه گذاشته، و در این کارزار، گوشه ای از ظرفیت های موجود درون خود را جهت استحضار عوامل سرمایه به نمایش گذاشت، و در این کوران مبارزاتی مفهوم اتحاد طبقاتی را در قالبی کوچک بر همگان آشکار نمود، و زمینه ی از میان برداشتن دیوار میان سازمان های توده ای کارگران و طبقه ی کارگر را فراهم آورد، و بخشی از فرمول بندی های عوامل سرمایه را به رسوبات تاریخ مبدل ساخت. با این وجود، بدون شک در فردای رهایی رنجبران و زحمتکشان از قید مناسبات سرمایه داری، حماسه ی شگفت انگیز شما عزیزان روایت روایت گران آزادی خواهد بود.

لذا بر خود لازم دانستیم نهایت سپاس و قدردانی کارگرمایان را نثار تمام کسانی نمائیم که: مفهوم اتحاد طبقاتی را دیگر بار، با پیوند خود با اعتراضات توده ای، و حمایت های بی دریغ از ما و جنبش کارگری و مواضع برحق آن، از دور و نزدیک پشتیبان واقعی ما و خانواده های ما بوده اند.

در پایان ضمن پافشاری مجدد بر تمامی مواضع جنبش کارگری، و دفاع همه جانبه از خود و تمامی فعالین کارگری، که عزیمتی جدای از ارتقای سطح زندگی رنجبران و اعتراض به سفره ی خالی کارگران ندارند، خواهان پایان بخشیدن به تمامی سطوح فشار بر فعالین کارگری و کارگران پیشرو و تشکلهای مستقل کارگری بوده، و آزادی بدون قید و شرط تمامی همزمان خود از جمله: رضا شهبانی- بهنام ابراهیم زاده- شاهرخ زمانی- محمد جراحی- رسول بُداعی- پدram نصراللهی- غالب حسینی- علی آزادی و سایر کارگران و فعالین کارگری را خواستاریم.

پیوسته باد همبستگی طبقاتی کارگران

با تقدیم احترام وفا قادری- خالد حسینی- حامد محمودی نژاد- بهزاد فرج اللهی

اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری-1392/1/29

عدم تبدیل وضعیت بیش از 100 هزار نفر از کارکنان پیمانکاری وزارت نفت و اعتراضات کارکنان تبدیل وضعیت شده

حدود 40 هزار نفر از کارکنان پیمانکاری وزارت نفت تعیین تکلیف شده و به قرارداد(قرارداد مدت موقت) مستقیم و یا تعاونی تبدیل شده اند و هنوز بیش از 100 هزار نیروی پیمانکاری باقی مانده بلاتکلیفند.

وزیرنفت دیروز از تمدید قرارداد کارکنان مدت موقت در سال 1392 و امضای قراردادهای مستقیم با دیگر کارکنان پیمانکاری وزارت نفت از ابتدای سال 1392 خبر داد.

کارکنان تبدیل وضعیت شده:

1-1392/1/29/29 عسویه مدت موقت: چرا پرسنلی که داشتند به راحتی کار خودشان انجام میدادند اینجور بدبخت کردید. چرا نفرات دیگری می خواهید بدبخت کنید. شما اول فکر امکانات این پرسنل باشید بعد آنها را قرارداد مستقیم کنید.

چرا بعد از گذشت 13 ماه از قرارداد هنوز در باره پرداخت حقوق تصمیم جامعی نگرفته اید و ولی موقع عیدی سریعاً تصمیم به کسر آن گرفتید.

2-از سرخس 1392/1/29 به جمع بلاتکلیفان خوش آمدین

جناب وزیر برای ما که یکساله از قرارداد مستقیم شدنمون میگذره چه کردین که برای تبدیل وضعیت بقیه عجله دارین؟ البته برای شما بد نمیشه.

چون در طول سال از تمام مزایای کارمندان محروم میشن چون کارگردن و آخر سال موقع عیدی یکدفعه معجزه میشه میشن کارمند و عیدی کارمندی میگیرن و در سال بعدش دیگه خودتون نمیدونن چی هستن!!!!

3-پتروشیمی خوارزمی بندر امام 1392/1/29:

ما که تبدیل وضعیت شدیم نه حقوقمون بهتر شد نه مزایا بهمون دادن افزایش حقوق رو کارگری حساب میکنن. عیدی رو کارمندی حساب میکنن آبرو شرکت نفت داره میره با این کارهاش فکر میکنه کارگرهای تبدیل وضعیت شده گوشه اشون درازه.

4-خسته از عسویه: 1392/1/29 با سلام. جناب آقای قاسمی بجای اینکه دستور بدین با اوناییکه از حالا به بعد حایز شرایط تبدیل میشوند قرارداد بدینند. ب فکر افزایش حقوق ما باشید. آخه تا کی منتظر بمونیم یکسال تمام حتی با شرایط حقوقی کمتر از بچه های پیمانکاری کار کردیم. آیا تو این سال جدید هم قرار نیست حقوق ما درست بشه. این بهونه ها چیه هی میگین باز نگری حقوق باید انجام بشه؟ چند سال باز نگری میکنید؟

منبع: پانا نیوز-29 فروردین

تجمع متقاضیان مسکن مهر مقابل استانداری زنجان برای دومین روز متوالی

به گزارش 29 فروردین فارس، برای دومین روز متوالی، متقاضیان مسکن مهر در قابل ساختمان شماره 2 استانداری زنجان تجمع کردند.

بر اساس این گزارش، پس از برگزاری دو تجمع در روز گذشته امروز نیز قریب به 100 نفر از متقاضیان مسکن مهر پس از تجمع در مقابل ساختمان مسکن مهر واقع در خیابان جاوید به مقابل ساختمان شماره 2 استانداری زنجان رفته و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان از سوی مسئولان شدند.

این افراد که از اعضای مجتمع‌های مسکونی «احرار» و «ساتراپ» هستند، از سال 87 و 86 برای دریافت مسکن مهر ثبت نام کرده‌اند.

بنا به گفته مسئولان و وعده‌های داده شده باید دو سال پیش واحدهای خود را تحویل می‌گرفتند که هنوز این وعده‌ها محقق نشده است و بنا به گفته ثبت‌نام‌کنندگان مسکن مهر خواستار واریز 4 میلیون تومان به عنوان هزینه‌های مصالح شده‌اند.

لازم به ذکر است، در حال حاضر نیز زمان مشخصی برای تحویل واحدهای مسکونی مهر برای متقاضیان تعیین نشده است و همین امر موجب تشدید اعتراض ساکنان شده است.

مصدومیت بیش از 10 کارگر بر اثر انفجار در معدن فردوس

به گزارش 29 فروردین مهر، دیروز انفجار مواد منفجره فرسوده در معدن فردوس جنب معدن شماره یک گل‌گهر، موجب مجروح شدن 10 کارگر شد.

برپایه این گزارش، دیروز چهارشنبه حوالی ساعت دو بعد از ظهر در معدن فردوس جنب معدن شماره یک گل‌گهر در اثر انفجار خارج از زمان تعیین شده، بیش از 10 کارگر مجروح شدند.

در این حادثه بیش از 10 کارگر و مسئول آتشبار مصدوم شدند که بلافاصله به بیمارستان‌های سطح شهر منتقل شدند.

گلگوله در ازای حقوق معوقه کارگران

به گزارش 18 آوریل یورونیوز، سی نفر از کارگران مهاجر در یونان به ضرب گلوله زخمی شدند. آنها که اکثر تبعه بنگلادش هستند در یک مزرعه پرورش توت فرنگی در جنوب یونان کار می‌کنند و خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شده بودند که با پاسخ گلوله یکی از صاحبان مزرعه مواجه شدند.

زخمی‌ها به بیمارستان منتقل شده اند ولی حال هیچکدام از آنها بحرانی گزارش نشده است. پلیس در تعقیب عاملان این حادثه است.

انفجار مرگبار در یک کارخانه تولید کود شیمیایی در ایالت تگزاس آمریکا

بنا به گزارش شبکه‌های تلویزیونی آمریکا در یک انفجار بزرگ در یک کارخانه کود شیمیایی چندین نفر کشته شده‌اند. این انفجار در بامداد پنج‌شنبه در ایالت تگزاس رخ داده است.

به گزارش پلیس فدرال آمریکا، در پی انفجاری در یک کارخانه تولید کود شیمیایی در ایالت تگزاس آمریکا بین ۵ تا ۱۵ نفر کشته شده‌اند. به گزارش شبکه‌های خبری "سی ان ان" و "سی بی اس"، ابعاد بزرگ این انفجار از سوی جورج اسمیت، رئیس امدادگران محلی نیز تأیید شده است.

این انفجار مهیب بامداد پنج‌شنبه (۱۸ آوریل/۲۹ فروردین) رخ داد و مقامات محلی تا کنون اعلام کرده‌اند که دست‌کم ۱۶۰ نفر بر اثر این حادثه زخمی شده‌اند. ریک پری، فرماندار تگزاس گفت: «باید در انتظار گزارش‌های دقیق‌تر از میزان تلفات جانی بود. ما اوضاع را به دقت زیر نظر داریم و سرگرم جمع‌آوری هستیم.»

در تصاویر تلویزیونی ستون بلندی از دود بر فراز کارخانه دیده می‌شود. به گفته رسانه‌های آمریکا، ۵۰ تا ۸۰ خانه در نزدیکی این کارخانه نیز آسیب‌های جدی دیده‌اند.

در نزدیکی این کارخانه به یک مدرسه و یک خانه سالمندان نیز آسیب‌های اساسی وارد شده است. نیروهای امدادی در زمین ورزشی در کنار کارخانه سرگرم کمک‌رسانی به مجروحان هستند.

از آنجایی که کارخانه دو منبع ذخیره مواد شیمیایی (آمونیاک) داشته و یکی از آنها در محوطه بیرونی آن قرار دارد، ماموران آتش‌نشانی از اهالی شهر خواسته‌اند که از کارخانه فاصله بگیرند. هلی‌کوپتر تلویزیون "سی ان ان" نیز مجبور به اتخاذ ارتفاع بیشتری برای تهیه گزارش از محل حادثه شده است.

رسانه‌های آمریکایی گزارش می‌دهند که این انفجار مهیب در بامداد پنج‌شنبه (۱۸ آوریل/۲۹ فروردین) رخ داده است. گفته می‌شود که ده‌ها نفر نیز مجروح شده‌اند. "سی بی اس" تعداد مجروحان را بیش از ۱۰۰ نفر اعلام کرده است.

بر اساس گزارش "سی بی اس"، شعله‌های آتش از فاصله بسیار دور قابل رؤیت بوده و ساختمان کارخانه کود شیمیایی به کلی تخریب شده است. محل دقیق انفجار شهر "وست" در منطقه ویکو (Waco) در ایالت تگزاس بوده است. شهر "وست" در حدود ۲۷۰۰ نفر جمعیت دارد و در ۱۳۰ کیلومتری جنوب شهر دالاس واقع شده است.

دلیل این انفجار هنوز روشن نیست. در میان قربانیان شماری از ماموران آتش‌نشانی نیز هستند که برای نجات دیگران به محل حادثه اعزام شده بودند.

منبع: دوپچه وله-18 آوریل

بیست و نهم فروردین ماه 1392

اخبار و گزارشات کارگری 21 فروردین ماه 1392

- پیام تسلیت اتحادیه آزاد کارگران ایران به خانواده های جان باختگان زلزله منطقه دشتی بوشهر
- عدم تحقق وعده های دولت به کارگران نی بر بعد از گذشت سه ماه از برپایی تجمع هفت روزه
- عدم پرداخت 4 تا 8 ماه حقوق کارگران رسمی و روزمزد شهرداری بهبهان
- دیدار اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر با نیما و بهنام ابراهیم زاده
- پروین محمدی: برای اعتراض به پایین بودن دستمزدها راه های مختلفی وجود دارد
- مرگ یک کارگر در پی انفجار انفجار در شرکت فولاد یزد

پیام تسلیت اتحادیه آزاد کارگران ایران به خانواده های جان باختگان زلزله منطقه دشتی بوشهر

بار دیگر و به فاصله فقط کمتر از یک سال از زلزله شهرستان ورزقان، زلزله ای مخرب جان عزیزان دیگری از مردم کشورمان در منطقه دشتی استان بوشهر را گرفت و هزاران نفر را بی خانمان کرد. این اولین و آخرین بار نیست که زلزله های مهیبی در نقاط مختلف کشور جان عزیزان بسیاری را میگیرد و دهها هزار نفر از مردم ایران را از هستی ساقط میکند اما مسئولین کشوری هر بار فقط از کمبودها میگویند تا زلزله ای دیگر از راه رسد و زندگی و بقا هزاران نفر دیگر از مردم ایران را در معرض نابودی قرار دهد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با ابراز تاسف و همدردی عمیق با خانواده های جان باختگان زلزله منطقه دشتی، این ضایعه دردناک را به خانواده های این عزیزان، مردم استان بوشهر و عموم مردم ایران تسلیت میگوید و پیش آمدن چنین وضعیتی دردناکی را که هر بار زلزله هایی جان عزیزان بسیاری را آنهم در شرایطی که با استانداردهای امروزی خانه سازی کاهش تلفات انسانی این بلای طبیعی به سهولت ممکن و میسر است متوجه کسانی میدانند که کاهش و پیشگیری از تلفات انسانی زلزله در یک بعد کلان زندگی اجتماعی بر عهده آنان است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران – 21 فروردین ماه 1392

عدم تحقق وعده های دولت به کارگران نی بر بعد از گذشت سه ماه از برپایی تجمع هفت روزه

به گزارش 21 فروردین ایلنا، پس از گذشت سه ماه از تجمع اعتراضی هفت روزه کارگران نی بر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر و هفت تپه در مقابل نهاد ریاست جمهوری (که از بامداد سوم بهمن ماه تا شامگاه روز دوشنبه ۹ بهمن ماه در مقابل ساختمان دولت ادامه داشت) همچنان مشکلات این کارگران به قوت خود باقی است.

یکی از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر با اعلام این خبر گفت: پس از گذشت حدود سه ماه از وعده هایی که مسئولان نهاد ریاست جمهوری در خصوص دریافت مطالبات صنفی به کارگران نی بر داده بودند، متأسفانه مشکلات ما حل نشده است.

کارگران نی بر این مجتمع صنعتی در تجمع هفت روزه ای که سه ماه پیش در مقابل ساختمان ریاست جمهوری داشتند علاوه بر درخواست اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور، اجرای بازنشستگی پیش از موعد، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت منظم دستمزد و حقوق؛ خواستار تغییر ساز و کار رفع فاصله بیمه ای خود شده بودند.

این کارگر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر با اشاره به اینکه معوقات حقوقی کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر به دو ماه رسیده است، گفت: بعد از پایان تجمع در روز نهم بهمن ماه که برای بر طرح مشکلاتمان به تهران آمده بودیم، مسئولان کشت صنعت کارون شوشتر به بهانه جبران کسری ساعات کار در روزهایی که در تهران تجمع کرده بودیم به مشکلاتمان افزودند، و روزهای جمعه را که تعطیل رسمی است به اجبار از ما کار می خواهند.

این کارگران نی‌بر کارون شوشتر در خاتمه گفت: یکی از مشکلات جامعه کارگری به ویژه کارگرانی که به کار بریدن نی‌شکر اشتغال دارند در این شهرستان این است که مسنولان دولتی هیچ‌گونه همکاری در جهت حمایت از حقوق مان ندارند و ما را دشمن تصور می‌کنند.

عدم پرداخت 4تا8 ماه حقوق کارگران رسمی وروزمزد شهرداری بهبان

فارس بتاريخ 21 فروردین، طی گزارشی از عدم پرداخت 4 ماه حقوق کارکنان رسمی و 8 ماه حقوق کارگران روزمزد شهرداری بهبان خبرداد.

همچنین بنا بهمین گزارش، تابه امروز عیدی و حق اضافه کاری این مدت کارگران رسمی وروزمزد شهرداری بهبان پرداخت نشده است.

بنا بهمین گزارش، اخیرا سه ماه از حقوق عقب افتاده کارکنان و چهار ماه حقوق کارگران پرداخت شده است و وعده پرداخت!!! باقی مانده حقوق ، اضافه کاری و عیدی کارگران و کارمندان شهرداری بهبان، در آینده ای نزدیک؟؟ داده شد.

دیدار اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر با نیما و بهنام ابراهیم زاده

به گزارش ویلاگ پایگاه خبری خانواده بهنام ابراهیم زاده، امروز چهارشنبه اعضای کانون مدافعان حقوق کارگر و تعدادی از اعضای کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری برای چندمین بار با نیما و بهنام ابراهیم زاده دیدار کردند و بار دیگر همچون گذشته تاکید کردند که برای بهبودی نیما عزیز از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نخواهند کرد و همواره در کنار این خانواده خواهند بود.

بهنام ابراهیم زاده نیز به گرمی از اعضای کانون و کمیته پیگیری از اینکه پیوسته و مداوم حتی در زمان بازداشتشان زمانی که دادگاه محکومیت بیست سال حبس را برای وی در نظر گرفته بود و چه در زمان حال که تنها فرزندش نیما عزیز در بستر بیماری است و ی را تنها نگذاشته اند نهایت سپاس و تشکر و قدردانی خود را ابراز داشتند و به گرمی از آنان استقبال کردند.

پروین محمدی: برای اعتراض به پایین بودن دستمزدها راه‌های مختلفی وجود دارد

یک فعال مستقل کارگری می‌گوید: کارگران در کنار مراجعه به دیوان عدالت اداری و شکایت علیه مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار، باید از سایر ابزارهای قانونی برای افزایش دستمزدها استفاده کنند.

پروین محمدی با اعلام این مطلب گفت: برای اعتراض به پایین بودن دستمزدها راه‌های مختلفی وجود دارد که مراجعه به دیوان عدالت اداری و اقامه دعوی حقوقی علیه مصوبه شورای عالی کار، تنها یکی از این راه‌ها است.

این فعال کارگری با یادآوری اینکه در سال ۹۱ در حدود ۳۰ هزار کارگر با امضا طومارهایی جداگانه در اعتراض به پایین بودن دستمزدها از وزارت کار و شورای عالی کار خواستار بازنگری در مصوبه وقت شورای عالی کار شده بودند، گفت: آن زمان مسنولان مربوطه نه به طومارها و نه به مراجعه نمایندگان کارگران اعتنایی نکردند و در نتیجه علاوه بر تغییر نکردن رقم مزد، شورای عالی کار با همان روش غلط خود دوباره مزد سال ۹۲ کارگران را تعیین کرد.

این هماهنگ کننده طومار سی هزار امضایی کارگران ادامه داد: در شرایطی که مسنولان نسبت به درخواست اعتراضی کارگران تمایلی ندارند، باید از تمامی ابزارهای قانونی موجود برای واقعی کردن دستمزدها استفاده کرد.

محمدی در ادامه به راهکار شکایت در دیوان عدالت اداری اشاره کرد و افزود: حتی با مراجعه و شکایت یک کارگر نیز دیوان عدالت اداری موظف است تا اعتراض به مصوبه دستمزدهای سال ۹۲ شورای عالی کار را در دستور کار خود قرار دهد. برای پیگیریهای حقوقی کارگران مختارند تا بصورت فردی یا گروهی با اختیار کردن وکیل اقدام کنند اما هم زمان نباید از استفاده از سایر ابزارهای قانونی غافل شوند.

این فعال کارگری با یادآوری زمان‌بر بودن روند رسیدگی‌های حقوقی در دیوان عدالت اداری گفت: امروز به دلیل شرایط نامناسب اقتصادی کارگران تحمل انتظاری حداقل ۶ ماهه را ندارند.

این فعال کارگری با بیان اینکه ممکن است برخی نمایندگان نهادهای رسمی صنفی کارگری بخواهند از ماجرای شکایت حقوقی کارگران استفاده تبلیغاتی کرده و در گذر زمان کم کاری خود را پنهان کنند، گفت: از اینرو کارگران باید هوشیارانه عمل کرده و علاوه بر پیگیری حقوقی، نمایندگان رسمی کارگری را وادار به اعتراض کنند.

وی در خصوص اینکه در سالهای گذشته نیز کارگرانی بصورت انفرادی علیه احکام اخراج خود در دیوان عدالت اداری اقامه دعوا کرده و در نهایت بعضی از آنان به کار خود بازگشته‌اند، یادآور شد: چون دعوی این کارگران فردی بود آن‌ها مجبور بودند که بصورت فردی برای شکستن آرای هیات‌های حل اختلاف ادارات کار به دیوان عدالت اداری مراجعه کنند و این درحالی است که مسئله مصوبه مزد شورای عالی کار به تمامی کارگران مربوط می‌شود و با شکایت حتی یک کارگر می‌توان برای شکستن آن اقدام کرد.

به گفته محمدی در سالهای اخیر دستمزدهای کارگران به دلیل عدم استقلال اعضای گروه کارگری و حذف سه جانبه گرایی از طریق تغییر غیر قانونی آیین نامه‌های مربوط به برگزاری جلسات شورای عالی کار پایین نگهداشته شده است.

وی بابیان اینکه شرایط اقتصادی امروز به کارگران اجازه نمی‌دهد که تنها از راه‌های حقوقی برای ابطال مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار اقدام کنند، گفت: در حال حاضر ثبات اقتصادی وجود ندارد و با تغییر ساعتی بهای دلار، قیمت‌ها بصورت سرسام آور بالا می‌روند و در این میان تنها دستمزد کارگران ثابت می‌ماند.

محمدی بابیان اینکه وقتی در میان همین نمایندگان رسمی کارگری برخی مدعی‌اند که ماده ۴۱ قانون کار اجرا شده و دیگر امکان افزایش مزد وجود ندارد، باید نگران بی‌نتیجه ماندن پیگیریهای حقوقی بود.

منبع: ایلنا-21 فروردین

مرگ یک کارگر در پی انفجار انفجار در شرکت فولاد یزد

به گزارش 21 فروردین فارس، بر اثر انفجار در شرکت فولاد یزد، مرگ یک کارگر در این واحد تولیدی فولاد رقم خورد.

بر اساس این گزارش، به دلیل بارش باران‌های بهاری در چند روز گذشته در استان یزد، مقداری آب در زیر سرباره و کوره ذوب فولاد شرکت فولاد یزد نفوذ کرد و این نفوذ منجر به انفجار در این شرکت شد.

در این انفجار که با آتش سوزی نیز همراه بود یکی از کارگران این شرکت دچار آتش سوزی شد و جان خود را از دست داد.

هنوز اطلاعاتی از علت قطعی این انفجار در دست نیست و جسد کارگر متوفی نیز در پزشکی قانونی است.

کارگر متوفی، راننده بیل مکانیکی بوده که در حال جابه‌جایی آهن، دچار آتش سوزی شده و جان خود را از دست داد.

بیست و یکم فروردین ماه 1392

اخبار و گزارشات کارگری 28 فروردین ماه 1392

- تجمع بازنشستگان پالایشگاه آبادان در مقابل وزارت نفت

- تجمع متقاضیان مسکن مهر مقابل استانداری زنجان به دلیل افزایش قیمت واحدها

- آثار دیرپای فقر و گرسنگی بر روی کودکان

- تجمع کارگران ایتالیا در مقابل مجلس برای افزایش موجودی صندوق حقوق ماهانه بیکاران موقت

- اعتصاب کارکنان بخش درمان و بهداشت آتن در اعتراض به کاهش بودجه بخش خدمات، درمان و بهداشت

تجمع بازنشستگان پالایشگاه آبادان در مقابل وزارت نفت

به گزارش 28 فروردین ایلنا، امروز ۳۰ تن از کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم فروش و یا واگذاری منازل سازمانی پالایشگاه آبادان، در مقابل ساختمان وزارت نفت واقع در خیابان طالقانی تهران تجمع کردند.

بر اساس این گزارش، بازنشستگان پالایشگاه آبادان پلاکاردهایی در اعتراض به مدیریت پالایشگاه آبادان در دست داشتند، در یکی از این پلاکاردها اشاره شده بود «ما کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان خواستار اجرای مصوبه دولت و مجلس شورای اسلامی در جهت فروش و واگذاری منازل سازمانی پالایشگاه آبادان با عمر بالای بیش از ۷۰ سال هستیم».

تجمع متقاضیان مسکن مهر مقابل استانداری زنجان به دلیل افزایش قیمت واحدها

یکی از تجمع‌کنندگان: هیچ کدام از مسئولان لحظه‌ای شرایط و وضعیت زندگی ما را نمی‌توانند تحمل کنند.

به گزارش 28 فروردین فارس، به دلیل افزایش قیمت واحدهای مسکونی مهر، حدود 100 نفر از متقاضیان مسکن مهر (از اعضای مجتمع مسکونی ساترا و احرار پونک در زنجان) در مقابل ساختمان شرکت مسکن مهر، واقع در خیابان جاوید زنجان تجمع کردند.

برپایه این گزارش، تعدادی از معترضان به افزایش قیمت واحدهای مسکونی مهر پیش از ظهر امروز با تجمع، اعتراض خود را نسبت به افزایش قیمت این واحدها اعلام کردند.

لازم به ذکر است، این تجمع به علت مطالبه 40 میلیون ریال از اعضای مسکن مهر، 20 میلیون ریال برای ساخت محوطه و 20 میلیون ریال نیز به علت افزایش قیمت‌ها صورت گرفته است.

گفتنی است، بنا به گفته یکی از اعضای این تعاونی مسکن، قرارداد مربوط به ساخت این واحدها تا پایان سال 91 بود که تاکنون هیچ واحدی از این مجتمع تحویل متقاضیان نشده است.

بر اساس گفته تجمع‌کنندگان، آنها از سال‌های 87 و 86 برای دریافت مسکن مهر ثبت نام کرده‌اند و باید دو سال پیش واحدهای خود را تحویل می‌گرفتند.

به گفته یکی از تجمع‌کنندگان در حال حاضر از ثبت نام‌کنندگان مسکن مهر خواستار واریز 4 میلیون تومان به عنوان هزینه‌های مصالح شده‌اند، این در حالی است که عنوان کرده‌اند این 4 میلیون تومان نیز علی‌الحساب است.

مشخص نبودن زمان تحویل واحدهای مسکن مهر یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های این تجمع‌کنندگان بود.

یکی از تجمع‌کنندگان از نان و پنیر سفره و بچه‌های قد و نیم قد خود گفته و از مسئولان استان زنجان خواست تا سری به محل زندگی آنها بزنند تا شاید با دردهای این قشر آشنا شوند.

این زن درد دیده می‌گفت: هیچ کدام از مسئولان لحظه‌ای شرایط و وضعیت زندگی ما را نمی‌توانند تحمل کنند و در حال حاضر زندگی وی و کودکانش به سختی می‌گذرد.

آثار دیرپای فقر و گرسنگی بر روی کودکان

” بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی، سالانه سه میلیون کودک زیر پنج سال، به خاطر گرسنگی مفرط می‌میرند و ۲۵ درصد کل کودکان هم به خاطر تغذیه نادرست، رشد مطلوبی ندارند.“

بر اساس پژوهشی که تازگی در نشریه روانشناسی و روانپزشکی اطفال منتشر شده است، آثار دیرپای گرسنگی خیلی بیشتر از چیزی است که تصور می‌کردیم. در این تحقیق که روی شیرخوارهای مقیم باربادوس انجام شده است، نشان داده آن دسته از شیرخوارانی که دچار سوء

تغذیه بوده‌اند، در بزرگسالی آم‌هایی با شخصیت مضطرب، کمتر اجتماعی و گریزان از تجربه‌های جدید می‌شوند و بیشتر با دیگران دشمنی می‌کنند.

دکتر "جانینا گالر" از دانشکده پزشکی هاروارد در این تحقیق ۷۷ کودکی را که بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۲، به علت سوء تغذیه شدید، در بیمارستان بستری شده بودند را مورد بررسی قرار داد. این کودکان چندین ماه دچار بیماری‌های ماراسموس و کواشیورکور شده بودند و دکتر گالر وضعیت کنونی این بیماران را از لحاظ تاثیر آن دوره سوء تغذیه روی تکامل شخصیتی مورد بررسی قرار داد.

کواشیورکور بیماری‌ای است که از کمبود پروتئین ناشی می‌شود، در این بیماری شکم به صورت متناقضی ورم می‌کند. بیماری ماراسموس ناشی از کمبود کلی کالری دریافتی است که در آن بیمار، بدنی بسیار نحیف پیدا می‌کند. بعضی از کودکان این تحقیق، هر دو بیماری را با هم داشتند.

بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی، سالانه سه میلیون کودک زیر پنج سال، به خاطر گرسنگی مفرط می‌میرند و ۲۵ درصد کل کودکان هم به خاطر تغذیه نادرست، رشد مطلوبی ندارند.

کلیه کودکانی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته بودند، درمان مناسبی دریافت کرده بودند و تا ۱۲ سالگی کارکنان بهداشت و تغذیه، روی نحوه تغذیه آن‌ها نظارت کافی انجام می‌دادند. هیچ کدام از آن‌ها وزن کم هنگام تولد نداشتند و بعد از دوره بستری، دیگر هیچ گاه دچار سوء تغذیه نشده بودند. رشد آن‌ها هم بعد از دوره سوء تغذیه طبیعی شده بود.

این گروه از کودکان، با ۵۷ همکلاسی دیگر، مطابقت داده شدند، تا تاثیر آن دوره سوء تغذیه روی شخصیت دوره بزرگسالی‌شان معلوم شود. بررسی‌ها نشان دادند که این کودکان، وقتی وارد دهه چهارم زندگی خود شدند، پنج برابر بیشتر نسبت به دسته دیگر، دچار رفتارهای اضطرابی و احساسی منفی شده بودند.

همان دوره محدود گرسنگی، باعث شده بود که آن‌ها رفتارهای اجتماعی کمتری از خود بروز دهند و کمتر می‌توانستند وارد کارهایی شوند که لازم‌شان برنامه‌ریزی و سازمان دادن به امورات است.

کودکان دچار سوء تغذیه در بزرگسالی، کمتر پذیرای تجربه‌های جدید بودند، میزان کنجکاو و استقلال فکری‌شان هم کمتر بود. آنها تا حدی، کمتر مقبول نظر دیگران هم بودند. گرسنگی دوران کودکی باعث شده بود که آنها شخصیت ششاک‌پیدا کنند.

مطابق تحقیق دیگری که "ادریان رین"، استاد روانپزشکی دانشگاه پنسیلوانیا، انجام داده بود و در آن ۱۸۰۰ کودک دچار سوء تغذیه در یکی از جزایر ماداگاسکار مورد بررسی قرار گرفته بودند، نشان داده شده است که آن دسته از کودکان دچار سوء تغذیه که در زمان دوره پیش‌دبستانی، درمان شده بوده بودند و برنامه‌های آموزشی و ورزشی روی آن‌ها انجام شده بود، در نوجوانی مشکلات روانپزشکی کمتری پیدا کرده بودند و در سن ۲۳ سالگی، ۶۳ درصد کمتر اعمال مجرمانه مرتکب شده بودند.

این تحقیق نشان می‌دهد که یک دوره کوتاه فقر و گرسنگی ناشی از آن می‌تواند چه آثار دیرپایی داشته باشد، آثاری که چند دهه بعد خود را بروز می‌دهند.

مغز، بافتی از بدن ماست که بیشتر از هر عضو دیگری نیازمند انرژی است، یک دوره کوتاه گرسنگی در دوره تکاملش در دوره شیرخوارگی می‌تواند، آثار زیان‌بخشی را برای همیشه بگذارد.

البته سواى گرسنگی، عوامل دیگری هم در دوره شیرخوارگی و کودکی می‌توانند برای همیشه شخصیت یک فرد را متحول کنند، مادری که به عکس‌العمل‌های شیرخوار خود بی‌توجه باشد، باعث می‌شود که کودک با احتمال بیشتری در آینده شخصیت اضطرابی یا افسرده پیدا کند و توانایی کمتری در کنترل استرس داشته باشد.

منبع: ایمن-27 فروردین-بنقل از هلس لند

تجمع کارگران ایتالیا در مقابل مجلس برای افزایش موجودی صندوق حقوق ماهانه بیکاران موقت

به گزارش 16 آوریل یورونیوز، روز سه شنبه، هزاران نفر از کارگران ایتالیا در مقابل مجلس این کشور تجمع کردند و از دولت خواستند موجودی صندوق پرداخت حقوق به کارگرانی که بطور موقت بیکار شده اند را افزایش دهد.

نمایندگان اتحادیه های کارگری از دولت خواستند با افزودن یک و نیم میلیارد یورو به موجودی این صندوق، پرداخت حقوق کارگرانی را که بطور موقت بیکار شده اند تضمین کند. از آنجا که دولت ایتالیا در تلاش است تا دو تریلیون یورو از بدهی های عمومی بکاهد، بیم آن می رود که بزودی بیکاران موقت نیز رسماً بیکار شوند و از دریافت حقوق ماهانه محروم گردند.

بر اساس طرحی که بطور مشترک توسط دولت ایتالیا و کارفرمایان اجرا می شود، صاحبان شرکتها می توانند در زمان بحران، حقوق ماهانه کارگرانی را که بطور موقت بیکار شده اند بپردازند. البته مبلغ پرداختی، کمتر از مبلغ واقعی حقوق و دستمزد آنهاست.

اعتصاب کارکنان بخش درمان و بهداشت آتن در اعتراض به کاهش بودجه بخش خدمات، درمان و بهداشت

بنا به گزارشات منتشره بتاريخ 17 آوریل، امروز پرستاران، کارکنان بیمارستان، رانندگان آمبولانس و پزشکان بیمارستان های آتن دست به اعتصاب زدند و مقابل ساختمان وزارت بهداشت یونان اجتماع کردند.

بنا به همین گزارشات، شماری از کارمندان دولتی در اعتراض به سیاست های ریاضتی دولت و اخراج گسترده کارمندان دست به تظاهرات زدند و به کارکنان اعتصابی بیمارستان ها پیوستند.

بیست و هشتم فروردین ماه 1392

اخبار و گزارشات کارگری 20 فروردین ماه 1392

- آزادی بهزاد فرج الهی یکی دیگر از فعالین کارگری دستگیر شده

- بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون ادامه اعتراضات به حداقل مزد مصوب

- عدم تمدید مرخصی بهنام ابراهیم زاده

- حامد محمود نژاد، خالد حسینی و وفا قادری برای آخرین دفاعیات در شعبه 5 بازپرسی دادگاه سندج حاضر شدند

- عدم تحویل زمین‌های کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی قدس در خیابان غرضی اصفهان

- میزان حقوق ماهیانه مدیران و افراد دارای پست 7 برابر کارگران- مدیران ارشد واحدهای مختلف دریافتی‌هایی به مراتب بیشتر از 7 برابر نیز دارند

- عدم پرداخت 5 ماه حقوق کارکنان شهرداری هفتکل

- خودکشی یکی از کارگران بیکار شده شرکت راه آهن جمهوری اسلامی (رجا)، در محل کار سابق‌اش

- مرگ 2 کولبر در ماکو و بانه

- تظاهرات کارگران در فرانسه علیه اصلاح قانون کار بنفع کارفرمایان

آزادی بهزاد فرج الهی یکی دیگر از فعالین کارگری دستگیر شده

بر طبق خبر دریافتی امروز 20 فروردین بهزاد فرج الهی با فرار وثیقه 50 میلیون تومانی آزاد شد و مورد استقبال پر شور کارگران و فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی قرار گرفت.

کمیته ی هماهنگی ضمن تبریک آزادی بهزاد فرج الهی به خانواده ی این عزیز و کارگران و اعضای کمیته ی هماهنگی، خواهان آزادی فوری و بی قید شرط غالب حسینی و علی آزادی و سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-20 فروردین 1392

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون ادامه اعتراضات به حداقل مزد مصوب

لغو مصوبه حداقل مزد و افزایش فوری دستمزدها تنها با اعتصاب و تجمعات اعتراضی ممکن و میسر است

در حالیکه از اول ماه مه سال گذشته کارگران ایران در اقدامی سراسری و با امضای طوماری اعتراضی خواهان افزایش فوری حداقل مزد شدند و در ادامه هماهنگ کنندگان این طومار در مقابل مجلس شورای اسلامی و سپس در محل وزارت کار با همراهی کارگران برخی کارخانه های تهران دست به تجمع اعتراضی زدند شورای عالی کار در آخرین روزهای سال گذشته حداقل مزد را به میزان بسیار ناچیز 25 درصد افزایش داد و مبلغ 487 هزار تومان را به عنوان حداقل مزد کارگران تعیین کرد.

این اقدام ننگین در باره زندگی و معیشت میلیونها خانواده کارگری در شرایطی از سوی شورای عالی کار صورت گرفت که طی سال گذشته هزینه های زندگی به چندین برابر افزایش یافته بود و از اولین روزهای سال جدید سیر صعودی قیمتها همچنان ادامه داشته است. در مدت سه هفته ای که از آغاز سال جدید گذشته است قیمت انواع میوه چندین برابر شده است، قیمت گوشت در حال صعود است، هزینه مسکن سر به فلک زده است، از پایان فروردین ماه قیمت نان بار دیگر افزایش پیدا خواهد کرد، افزایش قیمت حاملهای انرژی بر روی میز دولت است و هزینه سایر مایحتاج اولیه زندگی توده های مردم ایران هر دم در حال فزونی است.

تحت چنین شرایط فلاتکتباری که هیچ چشم اندازی نیز برای توقف افزایش چندین برابری هزینه های زندگی در طول ماههای آینده وجود ندارد، تمامی تشکلهای دست ساز دولتی و انانی که امضای خود را در شورای عالی کار بر پای حداقل مزد 487 هزار تومانی گذاشته اند با آغاز اولین روزهای کاری در سال جدید تبلیغات گسترده ای را در همسویی با نارضایتی شدید ما کارگران از مزد مصوب آغاز کرده اند و بر این بستر در تلاشند تا با ترغیب کارگران به شکایت در دیوان عدالت اداری، خشم و انزجار ما از حداقل مزد مصوب را مهار کنند و با ارجاع کارگران به دالانهای دیوان عدالت اداری حداقل مزد مصوب را تا پایان سال جاری دست نخورده باقی بگذارند. اینان خود بیش از هر کسی نیک میدانند که رسیدگی به شکایات کارگری در دیوان عدالت اداری ماهها طول میکشد و تازه در صورت لغو مصوبه حداقل مزد از سوی این دیوان، ترتیب برگزاری جلسات شورای عالی کار و نتیجه گیری در این شورا چنان به درازا خواهد کشید که به ماههای پایانی سال نزدیک خواهیم شد و به این ترتیب حداقل مزد مصوب تا پایان سال دست نخورده باقی خواهد ماند و هیچ تجدید نظری در آن صورت نخواهد گرفت. این آن چیزی است که مطلوب دولت و کارفرمایان است و تشکلهای دست ساز دولتی ضمن همسویی با نارضایتی ما کارگران، اما همراه با دولت و کارفرمایان از طریق براه انداختن موج عظیم تبلیغاتی حول شکایت به دیوان عدالت اداری در صدد تضمین آن هستند.

کارگران و همکاران در سراسر کشور

معنای عملی شکایت از شورای عالی کار به دیوان عدالت اداری برای تجدید نظر در حداقل مزد چیزی جز حفظ حداقل مزد مصوب و تمکین به تحمیل فقر و گرسنگی مضاعف برای سالی دیگر بر ما کارگران نیست، نباید خود را اسیر شکایاتی کنیم که تازه در صورت رای مثبت دیوان عدالت اداری به خواست مان، تحقق آن عملاً به پایان سال خواهد کشید و به این ترتیب ما کارگران ناچار خواهیم شد سالی پر از محنت و استیصال و درماندگی برای گذران زندگی را در پیش رو داشته باشیم.

تنها راه برای به تمکین واداشتن دولت و کارفرمایان برای احترام گذاشتن به حرمت انسانی ما و برخورداری از یک زندگی شرافتمندانه اعتصاب و برگزاری تجمعات اعتراضی است، کسانی که در این مملکت حداقل مزد چهار برابر زیر خط فقر را شایسته ما کارگران میدانند باید بدانند که ما انسانیم و تن به هر ذلتی نخواهیم داد. اینان همگی در این مملکت زندگی میکنند و خود بهتر از ما میدانند که با 487 هزار تومان بویژه در مراکز استانها حتی نمیتوان آلودگی را اجازه کرد. کجای دنیا از عقب مانده ترین تا پیشرفته ترین کشورها کارگران را به بهای اجازه الونگی بکار میگیرند که ما چنین ننگی را تحمل کنیم. ما در سال گذشته با جمع آوری سی هزار امضا نشان دادیم که قادریم نیروی خود را یکی کنیم، نشان دادیم که میتوانیم در دفاع از هستی خود دست به اعتراض بزنیم، ما اولین گامهای مهم مان را برای اعتراضی متحدانه در سال گذشته برداشتیم و امسال نیز به یقین گامهای تعیین کننده تری را از طریق اعتصاب و تجمعات اعتراضی برای رهایی از تحقیر معیشتی بر خواهیم داشت.

منزلت معیشت حق مسلم ماست

زنده باد اتحاد و همبستگی سراسری کارگران ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران – بیستم فروردین ماه 1392

عدم تمدید مرخصی بهنام ابراهیم زاده

به گزارش وبلاگ پایگاه خبری خانواده بهنام ابراهیم زاده، طبق قرار قبلی امروز بهنام ابراهیم زاده از فعالان کارگری و کودک برای تمدید مرخصیش به دادستانی تهران مراجعه کرد.

دادستان علیرغم بیماری شدید نیما فرزند بهنام با تمدید مرخصی وی موافقت نکرد.

دادستان تهران دلیل مخالفتش با تمدید مرخصی بهنام ابراهیم زاده را عدم موافقت وزارت اطلاعات اعلام کرد.

دادستان افزود، وزارت اطلاعات باید به ما در رابطه با تمدید مرخصی شما اطلاع می داد که تا این لحظه با ما تماس نگرفته است.

حامد محمود نژاد، خالد حسینی و وفا قادری برای آخرین دفاعیات در شعبه 5 بازپرسی دادگاه سنندج حاضر شدند

بر اساس گزارش رسیده، روز سهشنبه 20 فروردین حامد محمود نژاد، خالد حسینی و وفا قادری برای آخرین دفاعیات در شعبه 5 بازپرسی دادگاه سنندج حاضر شدند.

اتهام وارده به این 3 عضو کمیته ی هماهنگی، عضویت در کمیته هماهنگی است. فعالین کارگری نام برده ضمن دفاع از مواضع کمیته از عضویت خویش در کمیته ی هماهنگی نیز دفاع کرده و بر قانونی بودن کمیته ی هماهنگی پای فشاری کردند.

کمیته ی هماهنگی ضمن محکوم کردن اتهامات وارده به این فعالین، خواهان رفع هر گونه اتهام از نام بردگان و آزادی فوری و بی قید شرط غالب حسینی و علی آزادی، پدram نصرالهی و همچنین سایر کارگران و فعالین کارگری در بند و زندانیان سیاسی می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-20 فروردین 1392

عدم تحویل زمین های کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی قدس در خیابان غرضی اصفهان

به گزارش 20 فروردین فارس، مدیر عامل شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان گفت: هنوز کارگران این شرکت موفق به تحویل زمین های خود در خیابان غرضی اصفهان نشده اند و این افراد با وجود گذشت 17 سال هنوز خانه به دوش هستند.

اصغر بیات امروز با اشاره به اینکه طی سال های گذشته 288 کارگر عضو شرکت تعاونی کارخانه ریسندگی و بافندگی قدس 72 هزار متر زمین را در خیابان غرضی اصفهان خریداری کرده اند، اظهار کرد: اما از حدود 17 سال گذشته تاکنون هنوز این زمین ها به این کارگران تحویل داده نشده است.

وی اضافه کرد: البته پلاک زمین های فروخته شده به شرکت تعاونی کارخانه ریسندگی و بافندگی قدس 290 مورد بوده است.

مدیر عامل شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان با اشاره به اینکه در حال حاضر مالکیت این کارگران برای تحویل زمین های خیابان غرضی محرز شده است، تصریح کرد: اما هنوز کارگران این شرکت موفق به تحویل زمین های خود در خیابان غرضی اصفهان نشده اند و این افراد با وجود گذشت 17 سال هنوز خانه به دوش هستند.

وی با تاکید بر اینکه اواخر بهمن ماه سال گذشته جلسه‌ای در دادگستری اصفهان در راستای رسیدگی به پرونده زمین‌های کارگران شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان برگزار شده است، ادامه داد: ابتدای امسال نیز دو جلسه کارشناسی نیز برای مشخص شدن ادعای این کارگران برگزار شده است.

بیات با بیان اینکه در این جلسه‌ها قاضی دادگستری دستور بررسی‌های کارشناسی را برای رسیدگی به این پرونده صادر کرده‌اند، تاکید کرد: در حال حاضر نیز کارشناسان دادگستری مکلف انجام بررسی‌های مورد نیاز برای مشخص شدن خسارت‌های وارد شده به مالکان این زمین‌ها هستند.

وی افزود: میزان خسارت‌های وارد شده به کارگران شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان به دلیل عدم تحویل زمین‌های آنها در خیابان غرضی در گروهی نظرات کارشناسان دادگستری است.

میزان حقوق ماهیانه مدیران و افراد دارای پست 7 برابر کارگران- مدیران ارشد واحدهای مختلف دریافتی‌هایی به مراتب بیشتر از 7 برابر نیز دارند

میزان افزایش حقوق هر کارگر در سال جاری 97 هزار و 425 تومان و هر مدیر و فرد دارای پست 682 هزار تومان است؛ با این حال هر فرد مشمول قانون کار امسال ماهیانه حداقل 487 هزار و 125 تومان و هر مدیر نیز 3 میلیون و 409 هزار تومان دریافت خواهد کرد.

با تعیین حداقل دستمزد سالیانه کارگران و مشمولان قانون کار وضعیت افزایش دستمزدهای مدیران و افراد دارای پست شاغل در بنگاه‌ها و واحدهای مشمول قانون کار نیز مشخص می‌شود. هرچند میزان افزایش حقوق امسال مشمولان قانون کار و نیروهای عادی به میزان 25 درصد است، اما مدیران و افراد دارای پست برای هر ماه کار تا 7 برابر یک نیروی عادی می‌توانند حقوق دریافت کنند.

با اینکه حقوق کارگران و مدیران باید تفاوت‌هایی را داشته باشد، اما با این حال فاصله فعلی و تفاوت 7 برابری حقوق و دستمزد در این بخش، شکاف قابل توجهی است. با این حال، مدیران ارشد واحدهای مختلف دریافتی‌هایی به مراتب بیشتر از 7 برابر نیز دارند.

در حالی که حداقل دستمزد سال جاری میلیون‌ها مشمول قانون کار و کارگر شاغل در واحدهای مختلف اقتصادی 97 هزار و 425 تومان افزایش یافته است، اما این میزان برای مدیران تا 682 هزار تومان است.

با اینکه تعداد مدیران شاغل در واحدهای اقتصادی و بنگاه‌های مشمول قانون کار تا 10 درصد از کل نیروها برآورد می‌شوند، اما هر مدیر در سال جاری برای هر ماه 3 میلیون و 409 هزار تومان دریافت می‌کند. البته در مواردی نیز مدیران دریافتی‌هایی به مراتب بیشتر از ارقام یادشده خواهند داشت.

با توجه به شکاف‌های موجود بین حقوق مدیران و کارگران، حداقل دستمزد 487 هزار و 125 تومانی امسال کارگران با دریافتی‌های مدیران 2 میلیون و 922 هزار تومان تفاوت دارد.

منبع: مهر-20 فروردین بخش‌هایی از یک گزارش

عدم پرداخت 5 ماه حقوق کارکنان شهرداری هفتکل

فارس طی گزارشی بتاريخ 20 فروردین، از عدم پرداخت 5 ماه حقوق پرسنل شهرداری شهرستان هفتکل خبر داد.

خودکشی یکی از کارگران بیکار شده شرکت راه آهن جمهوری اسلامی (رجا)، در محل کار سابق‌اش

به گزارش 20 فروردین ایلنا، یکی از کارگران بیکار شده شرکت راه آهن جمهوری اسلامی (رجا)، صبح امروز در محوطه اداره «مولد بخار» این شرکت به زندگی‌اش پایان داد.

بنابراین گزارش از شهرستان ری، «مجید پ» کارگر سابق یکی از شرکت‌های پیمانکاری رجا صبح امروز (20 فروردین) در باغچه انتهای محوطه سبز اداره مولد بخار این شرکت با طناب دار دست به خودکشی زد و جان باخت.

در همین رابطه یکی از همکاران وی می‌گوید: صبح امروز ساعت هشت و ربع سرکار آمدم و متوجه حضور ماموران حراست در اطراف باغچه شدم. وقتی نزدیکتر رفتم «مجید» را دیدم که از طنابی که بر روی درخت محوطه سبز اداره مولد بخار آویزان شده بود خود را دار زده است.

به گفته این کارگر پیمانکاری شرکت رجا، آقای «پ» دستان خود را با کمر بند از جلو بسته بوده است. وی همچنین به نامه‌ای اشاره کرد که در جیب آقای «پ» پیدا شده است.

یکی دیگر از همکاران این کارگر جان باخته تایید می‌کند: در نامه‌ای که در جیب «مجید» پیدا شده دلایل خودکشی او آمده است.

او ادامه می‌دهد: «مجید» حدود ۳۰ سال سن داشت. دی ماه سال گذشته در جریان تعویض شرکت پیمانکاری «مه ریل» به جای شرکت پیمانکاری «هجرت گستر جهان آفرین» به دلیل آنچه «مشکوک بودن وی به اعتیاد به مواد مخدر» عنوان شد، بیکار شد.

همکار این کارگر معتقد است خودکشی آقای «مجید. پ» در اداره، حاوی پیام خاصی برای مسئولان شرکت است و در نامه مذکور به این مساله اشاره شده است.

دیگر همکار آقای «پ» با اشاره به فشار روانی ناشی از بیکاری و مشکلات خانوادگی که بر «مجید» وارد می‌آمده، می‌گوید: «مجید» در گذشته از همسرش طلاق گرفته بود و با واگذاری حضانت فرزند شش ساله به همسرش، روحیه او بیش از پیش آسیب دید.

او ادامه می‌دهد: مجید دو روز پیش پسر شش ساله خود را به قتل رسانده و از آن زمان متواری شده بود.

وی در ادامه از عدم امنیت شغلی کارگران این مجموعه ابراز نگرانی کرد.

مرگ 2 کولبر در ماکو وبانه

به گزارش 20 فروردین کردپا، در نقطه‌ی مرزی شهرستان ماکو یک کولبر مورد هدف گلوله‌ی نیروهای انتظامی حکومت اسلامی ایران قرار گرفت و جان باخت.

براساس این گزارش، چند روز پیش یک کولبر به نام "سجاد چوپانی" ۳۰ ساله و متأهل در کوهستان‌های بین ماکو و بازرگان هدف گلوله نیروهای انتظامی حکومت اسلامی ایران قرار گرفته و جان خود را از دست می‌دهد.

بنابراین گزارش، روز دوشنبه نوزدهم فروردین‌ماه یک کولبر دیگر به نام "محمد کریمپور" در نقطه‌ی مرزی "سهمیران‌بند" شهرستان بانه توسط نیروهای انتظامی حکومت اسلامی کشته شد.

تظاهرات کارگران در فرانسه علیه اصلاح قانون کار فرمایان

به گزارش 9 آوریل سندیکای ث. ژ. ب.، امروز همزمان با دستور قرار گرفتن دوباره اصلاح قانون کار مبنی بر انعطاف بیشتر برای کارفرمایان و بازگذاشتن دستشان برای کاهش دستمزدهای کارگران، در مجلس شورای فرانسه و فراخوان سندیکاهای ث. ژ. ب. اف. او، اف. اس. یو و سولیدر اعتراض به این اصلاحیه، 120 هزار کارگر در 163 راهپیمایی، تظاهرات و تجمعات در سراسر فرانسه از جمله شهرهای پاریس، مارس، لیون، تولوز، نیس، استراسبورگ و... شرکت کردند.

در شهر پاریس در یک هوای بارانی 30 هزار نفر بطرف مجلس راهپیمایی کردند.

برپایه این گزارش، کارگران امروز عزمشان را برای ادامه اعتراضات علیه این اصلاحیه ضدکارگری بنمایش گذاشتند.

سندیکای ث. ژ. ب. بمناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر از کارگران دعوت کرد تا با تظاهرات گسترده شان در سراسر اروپا خواستشان برای عدالت اجتماعی و اعتراضشان علیه ریاضت اقتصادی را بنمایش بگذارند.

بیستم فروردین ماه 1392

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر
روزی که در راه است به پیشواش بشنابیم!

امیرجوهری لنگرودی

اول ماه مه هر سال، یاد آور حادثه ای است که در سال ۱۸۸۶، در شیکاگو آمریکا رخ داد. در این روز، پلیس به صفوف چندین صد هزار نفری کارگران که خواهان هشت ساعت کار بودند، شلیک کردند و شش کارگر را بخون غلطاندند و مزدوریشان را در پیش چشمان جهانیان به نمایش گذاشتند.

امسال (۱۳۹۲) در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر (اول ماه مه) در سطح جهان از

آمریکا و کانادا گرفته تا روسیه، چین، انگلیس، آلمان، فرانسه، اسکاتلند، اروپای مرکزی ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، یونان، قبرس و استرالیا و در سطح آمریکای لاتین آرژانتین و برزیل و... و در جوامع پیرامونی، همچون دیروز همواره کارمندی دسترنج کارگران به تراج می

رود، این جنگ نابرابر کاروسرمایه شاخص درگیری همین دونیرو(کاروسرمایه) در صحنه اجتماعی و نبردهای خیابانی و دستگیری ها، زندان و تبعید است. در ایران و در جهنم جمهوری اسلامی نیز به همین، حاصل همه دسترنج کارگران به تاراج می رود.

اول ماه مه نشاتگر این است که بعد از گذشت ۱۲۷ سال از کشتار کارگران در شیکاگو (ایالات متحده آمریکا) از سال ۱۸۸۶ به اینطرف، هنوز آن دشمنی و عداوت پایه ای بین دو قطب سرمایه و کارویا صاحبان سرمایه و کارگران مزدی تداوم داشته و دارد. هنوز که هنوز است کارگران مجبورند برای گذران زندگی، نیروی کار خود را در یک یا چند رابطه ساده بفروشند و برای بقاء خود تلاش و مبارزه نمایند. در تمامی این سال ها، هنوز کارگران کمتر کنترل و تاثیر تعیین کننده ای بر چرخه تولید ندارند و از یکطرف فاقد تشکل های مستقل در سطح بین المللی هستند و از طرفی دیگر در ایران نیز بدلیل اقتدار دولت رانتی و سرکوب خشن، دستگیری ها و زندان شدن ها و تبعید به ناگزیر فعالان کارگری، با همه تلاش ها و روند مبارزاتی شان، همچنان از حداقل تشکل مستقل خویش محرومند. همچنان موجودیت تشکل سندیکاهای شناخته شده کارگری موجود (سندیکای کارگران شرکت واحد - سندیکای کارگران هفت تپه) و دیگر تشکل های مستقل، از جانب حکومتگران به رسمیت در نیامده اند. هنوز نوع اجتماع اعتصابی و مطالباتی، و خودنفس اعتصاب و هر سطح سازمانیابی تشکل مستقل کارگری در ایران ممنوع است. تمامی مطالبات اعلام شده کارگران با مقاومت و سرکوب سرمایه داری حاکم اسلامی، بی پاسخ مانده و هنوز فعالان شناخته شده کارگری بخاطر راه انداختن تشکل مستقل خود سندیکا و کمیته هماهنگی و کمیته پیگیری و مدافعه از حقوق کارگران و جاتیداری از آن در زندانند.

امسال روز رزم و جنبش همبستگی کارگران جهان (اول ماه مه) را در شرایطی در ایران برگزار می کنیم که فعل و انفعالات جنبش کارگری ایران تا حدی در مرکز توجه محافل، مجامع و گروه بندی های سیاسی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار گرفته است. آنهایی که تا دیروز به محور تدریجی طبقه ی کارگرو استحالته ی آن در درون اقلیت، لایه های اجتماعی متوسط جامعه می اندیشیدند و باپوزخند شادمانانه در برابر جنبش های فزون طلبانه تکنولوژیک زمینه را برای محور طبقه ی کارگر فراهم یافته می دیدند. همه آنان امروز مجبورند که ادعای ریشخندان و خیال پردازانه دیروزی خود را پس بگیرند و برای این طبقه ی اجتماعی جای ویژه ای در معادلات اقتصادی و سیاسی جامعه منظور نمایند.

امسال در شرایطی به طرف اول ماه مه، روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) می رویم که بخش هایی از کارگران از پیش اعلام داشته اند که این روز، فرصت ویژه ای برای اعتراض جمعی ما در برابر نرخ دستمزدها است. آنها اعلام داشته اند: «کارگران این بی حقوقی و توهین به خود را نخواهند پذیرفت و بدون شک اعتراض خود را همچنانکه تا به امروز اعلام داشته اند متحدانه به شیوه های مختلف و به طور جدی بروز خواهند داد. کارگر این حق را برای خود محفوظ می داند که اعلام نماید انسان است و مانند انسان می خواهد زندگی کند. تولید می کند و حق دارد از تولید خود، از دسترنج خود نیز بهره ببرد و در رفاه زندگی کند و از زندگیش لذت ببرد. کسی که چرخ تولید رفاه و آسایش و امنیت را به حرکت در می آورد خود سزاوارترین است که از همه آن ها بهره مند شود و در رفاه و آسایش و امنیت باشد. اگر کسی قرار است جبران کمبودها و اختلالات تولید را بکند آن کار فرماست که بانی و باعث کمبودهاست نه کارگر...»

وفلز کارکر ماتشاه

(۲۵/۱۲/۱۳۹۱)

امسال در شرایطی به جانب روز جهانی کارگرمی رویم که در ایران فعالان کارگری همچنان در زندانند. لیست زندانیان شناخته شده کارگری از جمله: شاهرخ زمانی - محمد جراحی - خالد حسینی- شریف ساعد پناه - پیرام نصرت الهی - رسول بدایق- علی آزادی- بهزاد فرج الهی- دکتر اقتصاد و مدافع حقوق کارگران فریبرز رئیس داناو دیگرانی چند ... در زندانند. علی نجاتی را به محکمه بیدگاه می برند. متعاقب آن نیز تعدادی با سپردن وثیقه های چند ده میلیونی آزاد شدند. جدا از این هنوز که هنوز است آزادی بهنام ابراهیم زاده و رضا شهابی و... تعیین تکلیف نشده است

امسال نیز چون سال های گذشته در ایران برپاداشتن روز همبستگی جهانی جزممنوعه ها است. تنها یکی و دو سال پس از پیروزی قیام بهمن بود که کارگران توانستند با شرکت میلیونی خود در تظاهرات اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، نیروی شگرف و تعیین کننده شان را به نمایش بگذارند. اما علیرغم سرکوب های وسیع کارگران در ایران، در تمامی سال های حکومت سیاه و ضد کارگری اسلامی ایران و بیگرو بندها؛ این روز (اول ماه مه) هیچگاه از جانب کارگران تعطیل نشد و آنان این روز را همواره و به اشکال مختلفی در کوه، صحرا، در زندان و محیط کارخانه جشن گرفتند و همبستگی خود را با جانبختگان این روز در پهنه جهان اعلام داشتند.

امسال در شرایطی به جانب اول ماه مه می رویم که کارگران به تعطیلی این روز با دریافت حقوق، اجازه راه پیمایی داشتن برای طرح مطالبات بی پاسخ مانده خود، می اندیشند و برای آن چاره جویی می نمایند.

امسال در شرایطی بطرف اول ماه مه می رویم که تحریم های گسترده کشورهای معظم سرمایه داری، - هریک به سهم خویش - اقتصاد ورشکسته و بحرانی ایران را نشان کرده و شرایط بس سخت و جانکاهی را برگزیده کارگران کشور ما تحمیل کرده است. امروز گسترده شدن این

تحریم ها هرروز رو بفزونی می رود ودرمقابل واردات بیرویه با نظارت اسکله های تحت کنترل سپاه پاسداران عامل اصلی تعطیلی صنایع و کارخانجات و بیکارسازی های مزمن است .

بیایم اول ماه مه امسال را به روزاعتراض برای آزادی همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام فعالان سیاسی عرب زبان جنوب کشوربدل سازیم . این روز را به روزخشم و اعتراض عمومی مردم ایران دربرابررژیم سرمایه داری حاکم بدل کنیم و به تقویت و تحکیم یکپارچه مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران و صفوف فشرده کارگران درراستای پاسخگویی به مبارزات آنان درروز اول ماه مه ، روزتجلی اراده تاریخی کارگران بدل سازیم و به امرواژگونی این نظام ضد کارگری یاری رسانیم. مستحکم تریباد اتحاد بین المللی کارگران سه شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۹۲ برابر با ۰۹ آوریل ۲۰۱۳
